

4	مقدمه
4	فضیلت و اهمیت حج
5	حکم ترك حج
6	انواع حج و عمره
7	ساختار کلی حج تمتع و عمره ی آن
8	حج افراد و عمره مفرده
9	حج قرآن
10	احکام کلی حج تمتع
11	بخش نخست: حَجَّةُ الاسلام و حج نیابی
11	فصل اول: حَجَّةُ الاسلام
12	شرایط وجوب حَجَّةُ الاسلام
13	عقل و بلوغ
14	استطاعت
18	فصل دوم: نیابت در حج
20	شرایط نایب
21	شرایط منوب عنه
22	مسائل مربوط به نیابت در حج
24	بخش دوم: اعمال عمره
24	فصل اول: میقات های احرام
26	مسائل مربوط به میقات
28	فصل دوم: احرام
29	1. واجبات احرام
29	اول - نیت
30	دوم - لبیک گفتن
32	سوم - پوشیدن دو جامه ی احرام
34	2 - مستحبات احرام
35	3 - مکروهات احرام
36	4 - محرّمات احرام
37	احکام محرمات احرام
37	1- پوشیدن لباس دوخته (برای مردان)
38	2- پوشانیدن تمام روی پا (برای مردان)
39	3- پوشاندن سر برای مردان و پوشاندن صورت برای زنان
41	4 - سایه برسر قراردادن (برای مردان)
42	5- استعمال بوی خوش
43	6 - نگاه کردن در آینه
44	7- انگشتر به دست کردن
45	8 - استعمال حنا و رنگ مو
46	9- روغن مالیدن به بدن
47	10- زایل کردن مو از بدن
48	11- سرمه کشیدن

49	12- ناخن گرفتن
50	13- بیرون آوردن خون از بدن و کشیدن دندان
51	14- فسوق
52	15- جدال
53	16- کشتن جانوران ساکن در بدن
54	17- کندن گیاه و درخت حرم
55	18- حمل سلاح
56	19- شکار حیوانات صحرايي
57	20- آمیزش
58	21- عقد کردن زن
59	22- استمنا
60	احکام کفارات
61	آداب بعد از احرام
62	مستحبات ورود به مسجد الحرام
63	فصل سوم: طواف و نماز آن
64	طواف
64	شرایط طواف
67	واجبات طواف
69	نماز طواف
70	فصل چهارم: سعی بین صفا و مروه
72	مسائل متفرقه‌ی سعی
73	فصل پنجم: تقصیر
74	بخش سوم: اعمال حج
74	فصل اول: احرام
75	فصل دوم: وقوف در عرفات
76	فصل سوم: وقوف در مشعرالحرام (مزدلفه)
77	فصل چهارم: رمی جمره
79	فصل پنجم: قربانی
81	فصل ششم: تقصیر یا حلق
83	فصل هفتم: اعمال مکه‌ی مکرمه
85	فصل هشتم: بیتوته در منی
86	فصل نهم: رمی جمرات سه گانه
88	استفتائات حج و عمره
88	استطاعت
91	حج نیابی
93	حج افراد و عمره مفرده
95	خروج از مکه و ورود به آن
97	میقات‌ها
99	احرام و لباس آن

100	محرمات احرام
103	طواف و نماز آن
105	سعی
106	مشعر (مزدلفه)
108	حلق و تقصیر
109	ذبح و قربانی
111	مبیت در منی و کوچ کردن از آن
113	رمی جمرات
114	مسائل متفرقه

فضیلت و اهمیت حج

حج در اصطلاح شرع مقدس، مجموعه ای از مناسک خاص است که یکی از ارکان زیربنایی اسلام به شمار می آید، چنان که در روایتی از حضرت امام باقر (علیه السلام) آمده است: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ؛ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ» (1)؛ اسلام بر پنج پایه بنا شده است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت. حج خواه حج واجب باشد یا مستحب، فضیلت و پاداش فراوان دارد و از پیامبر اعظم و اهل بیت مطهر آن حضرت - صلوات الله عليهم اجمعین - روایات بسیاری در فضیلت حج وارد شده است. امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «الْحَاجُّ وَالْمُعْتَمِرُ وَفَدُّ اللَّهِ، إِنْ سَأَلُوهُ أَعْطَاهُمْ وَ إِنْ دَعَوْهُ أَجَابَهُمْ وَ إِنْ شَفَعُوا شَفَعَهُمْ وَ إِنْ سَكْتُوا ابْتَدَأَهُمْ وَيُعَوِّضُونَ بِالذَّرْهَمِ أَلْفَ أَلْفِ دَرَاهِمٍ». (2)

«حج گزاران و عمره گزاران، ره پویان راه خدایند؛ اگر از او طلب کنند، عطا فرماید و چون او را بخوانند، پاسخ دهد و چون شفاعت کنند، بپذیرد و آن گاه که خاموشی گزینند، با آنان شروع نماید و آنان در مقابل هر درهم [که در حج هزینه کنند] هزار هزار درهم باز پس گیرند».

1. وسائل الشیعة، ج 1، ص 7، باب 1، م 1 - و الکافی، ج 2، ص 18، م 1.
2. الکافی، ج 4، ص 255، م 14.

حکم ترک حج

مسأله ۱- حج از ضروریات دین به شمار می آید، و وجوب آن با دلایل فراوان در کتاب و سنت به اثبات رسیده است، و کسی که با دارا بودن شرایط و علم به وجوب حج، آن را ترک کند، گناه کبیره مرتکب شده است.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: (وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ) (1) ؛ «حج گزاردن بیت الله، برای خداوند، بر آنان که استطاعت دارند، واجب است، و هر که کفر ورزد (و حج نگذارد) ، البته خداوند از جهانیان بی نیاز است».

و از حضرت امام صادق (علیه السلام) چنین روایت شده است: «من مات و لم يحج حجة الاسلام و لم يمنعه من ذلك حاجة تجحف به أو مرض لا يطيق فيه الحج أو سلطان يمنعه، فليمت يهودياً أو نصرانياً» (۲) .

«هر که بمیرد و حج نگزارده باشد، در حالی که نیازی که اجحاف به حالش باشد، یا بیماری سخت یا پادشاه (ستمگر) او را از حج باز نداشته باشد، پس باید یهودی یا نصرانی بمیرد.»

۱. آل عمران: ۹۷.

۲. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۷.

انواع حج و عمره

مسئله 2- حجّی که انسان انجام می دهد، یا آن را برای خود به جا می آورد و یا به نیابت از دیگران؛ که این نوع حج را «حج نیابی» می نامند. حجّی که انسان برای خود به جا می آورد، دو نوع است: واجب و مستحب.

مسئله 3- حج واجب، یا بر اساس اصل شریعت واجب می شود که آن را حجة الاسلام می نامند؛ و یا بالعرض به جهتی مانند نذر یا بطلان حج، واجب می شود.

مسئله 4- هر یک از انواع حج، یعنی حجة الاسلام و حج نیابی، دارای احکام و شرایطی است که در بخش اول و در دو فصل بیان خواهد شد.

مسئله 5- همچنین حج به سه نوع تمتع، افراد و قران تقسیم می شود. نوع اول حج (تمتع) بر افرادی واجب است که وطن آنها بیش از 48 میل (تقریباً 90 کیلومتر) از مکه فاصله داشته باشد. نوع دوم و سوم حج (افراد و قران) نیز بر کسانی واجب می شود که ساکن مکه هستند و یا محل اقامت آنان کمتر از مسافت مذکور از مکه فاصله دارد. حج تمتع در برخی مناسک و اعمال، با دو نوع دیگر حج تفاوت هایی دارد.

مسئله 6- تفاوت حج تمتع با حج افراد و قران در این است که حج تمتع، عبادتی است متشکل از عمره و حج؛ و عمره - که بخش اول آن است - مقدم بر حج است و میان آن دو، فاصله ی زمانی وجود دارد، و در آن فاصله انسان از احرام خارج می شود و تا زمان مُحرم شدن برای حج، بهره گیری (تمتع) از آنچه بر مُحرم حرام است، برای او حلال می گردد، و از این رو عنوان «حج تمتع» برای آن مناسب است. و حج، بخش دوم آن به شمار می آید، و باید هر دو آنها در یک سال انجام شود، بر خلاف حج افراد و قران که تنها حج را شامل می شوند، و عمره، عبادتی مستقل از آن ها به شمار می آید و «عمره ی مفرده» نامیده می شود، از این رو ممکن است عمره ی مفرده در یک سال؛ و حج افراد یا قران در سال دیگر انجام شود.

مسئله 7- عمره ی تمتع و عمره ی مفرده، احکام مشترکی دارند که در بخش دوم خواهد آمد و تفاوت هایی دارند که در مسئله 16 بیان خواهد شد.

مسئله 8- عمره نیز مانند حج، گاهی واجب و گاهی مستحب است.

مسئله 9- عمره در آیین اسلام بر کسی که شرایط استطاعت را - آن گونه که در مورد حج بیان می شود (1) - داشته باشد، یک بار در تمام عمر واجب می شود و وجوب آن مانند وجوب حج، فوری است. و در وجوب آن استطاعت برای انجام حج معتبر نیست، بلکه اگر فرد برای عمره مستطیع باشد، عمره بر او واجب می شود هر چند برای حج مستطیع نباشد، همچنان که عکس آن نیز چنین است، یعنی اگر شخص برای حج استطاعت داشته باشد، ولی برای عمره مستطیع نباشد، باید حج را به جا آورد. این حکم درباره کسانی است که در مکه یا در کمتر از چهل و هشت میلی مکه هستند. ولی برای کسانی که از مکه دور هستند و وظیفه آنان حج تمتع است، هیچ گاه استطاعت عمره از استطاعت حج و استطاعت حج از استطاعت عمره جدا نیست، زیرا حج تمتع مرکب از هر دو عمل است و هر دو باید در یک سال به جا آورده شوند.

مسئله 10- بر شخص مکلف جایز نیست بدون احرام وارد مکه ی مکرمه شود، و اگر در غیر موسم حج می خواهد وارد مکه شود، واجب است با احرام عمره مفرده وارد شود. دو گروه از این حکم مستثنی هستند:

1-

کسانی که مقتضای شغل آنان این است که زیاد به مکه رفت و آمد کنند.

2-

کسانی که پس از اعمال حج یا عمره از مکه خارج شده اند و می خواهند در همان ماه انجام حج یا عمره، دوباره وارد مکه شوند.

مسئله 11-

ساختار کلی حج تمتع و عمره ی آن

مسأله 12- حج تمتع مرکب از دو عمل است: یکی عمره تمتع و دیگری حج تمتع. عمره تمتع مقدم بر حج است و هر یک از آن دو دارای اعمال مخصوصی است که به آن ها اشاره می شود:

مسأله 13- اعمال عمره تمتع عبارتند از:

- 1- احرام در یکی از میقات ها
- 2- طواف کعبه
- 3- نماز طواف
- 4- سعی بین صفا و مروه
- 5- تقصیر (کوتاه کردن مقداری از مو یا ناخن)

مسأله 14- اعمال حج تمتع عبارتند از:

- 1- احرام بستن در مکه ی مکرمه
- 2- وقوف در عرفات از ظهر روز نهم ذی الحجّه تا غروب شرعی
- 3- وقوف در مشعرالحرام در شب دهم ذی الحجّه تا طلوع خورشید
- 4- زدن ریگ به جمره ی عقبه (زَمَى) در روز عید قربان (روز دهم ذی الحجّه)
- 5- قربانی
- 6- تراشیدن سر یا تقصیر
- 7- طواف حج
- 8- نماز طواف
- 9- سعی بین صفا و مروه
- 10- طواف نساء
- 11- نماز طواف نساء
- 12- بیتوته در منا در شب یازدهم
- 13- زدن ریگ (رمی) به جمرات سه گانه در روز یازدهم
- 14- بیتوته در منا در شب دوازدهم
- 15- زدن ریگ (رمی) به جمرات سه گانه در روز دوازدهم.

حج افراد و عمره مفرده

مسأله 15- کیفیت حج افراد مانند حج تمتع است، با این تفاوت که قربانی در حج تمتع واجب؛ اما در حج افراد مستحب است.

مسأله 16- عمره ی مفرده نیز مانند عمره ی تمتع است، جز در مواردی که عبارتند از:

- 1- در عمره تمتع فرد حتماً باید تقصیر کند ولی در عمره مفرده مخیر است بین سر تراشیدن و تقصیر. البته این حکم مربوط به مردان است، ولی زنان هم در عمره مفرده و هم در عمره تمتع واجب است فقط تقصیر کنند.
- 2- در عمره تمتع طواف نساء و نماز طواف نساء واجب نیست، هرچند احتیاط آن است که آن دو را قبل از تقصیر به قصد رجا به جا آورد. ولی در عمره ی مفرده طواف نساء و نماز آن واجب است.
- 3- عمره تمتع باید در یکی از ماه های حج یعنی شوال یا ذی قعدة یا ذی حجه به جا آورده شود، در حالی که انجام عمره مفرده در همه ی ایام سال صحیح است.
- 4- میقات عمره تمتع یکی از مواقیع پنج گانه است که شرح آن خواهد آمد. در حالی که میقات عمره مفرده برای کسی که داخل شهر مکه ی مکرمه است اذنی الحِلِّ (نزدیک ترین نقطه ی خارج از حرم) است، هرچند احرام بستن از یکی از مواقیع پنج گانه نیز جایز است، و اما کسی که خارج مکه است، و می خواهد عمره ی مفرده به جا آورد، باید برای آن از یکی از مواقیع پنج گانه مُحرم شود.

حج قران

مسأله 17- کیفیت حج قران مانند حج افراد است با این تفاوت که در حج قران باید در حال احرام قربانی همراه محرم باشد، بنابراین در این صورت قربانی بر او واجب است.

همچنین در حج قران، احرام هم با لبیک گفتن محقق می شود و هم با اشعار یا تقلید. (1) ولی در حج افراد فقط با لبیک گفتن محقق می شود

1- معنای این دو در مسأله 140 خواهد آمد.

احکام کلی حج تمتع

مسأله 18- شرایط صحت حج تمتع عبارتند از:

شرط اول: نیت، یعنی از زمانی که می خواهد به احرام عمره ی تمتع محرم شود، قصد انجام حج تمتع را داشته باشد. در غیر این صورت حج او صحیح نیست.
شرط دوم: مجموع عمره و حج، در ماه های حج واقع شود.
شرط سوم: حج و عمره، هر دو در یک سال واقع شوند.
شرط چهارم: مجموع عمره و حج برای یک شخص و توسط یک شخص باشد. بنابراین اگر فردی دو نفر را اجیر کند که یکی از آن دو از طرف میّت حج تمتع به جا آورد و دیگری عمره ی تمتع، مجزی نیست.

مسأله 19- کسی که وظیفه اش حج تمتع است نمی تواند به اختیار خود و عمد¹ به حج افراد یا قران عدول کند.

مسأله 20- کسی که وظیفه اش حج تمتع است و می داند که به علت تنگی وقت نمی تواند عمره را تمام کند و حج را درک نماید، واجب است از حج تمتع به حج افراد عدول کند و سپس بعد از تمام کردن اعمال حج، عمره ی مفرده به جا آورد.

مسأله 21- زنی که بنا دارد حج تمتع انجام دهد، چنانچه هنگام رسیدن به میقات، مبتلا به عادت ماهانه باشد، اگر احتمال بدهد تا پیش از ضیق وقت برای احرام حج تمتع، پاک می شود و می تواند پس از غسل کردن اعمال عمره ی تمتع را انجام دهد، سپس با احرام حج، وقوف در عرفات را از اول ظهر روز عرفه درک کند، واجب است در میقات به عمره ی تمتع محرم شود، سپس اگر پاک شد و وقت کافی برای انجام اعمال عمره و درک وقوف اختیاری در عرفات را داشت، باید همین کار را بکند، و اگر اتفاقاً پاک نشد یا وقت کافی برای انجام اعمال عمره تا وقت درک وقوف در عرفات را نداشت، باید با همان احرام عمره ی تمتع عدول کند به حج افراد، و پس از آن عمره ی مفرده انجام دهد، و این عمل او مجزی از حج تمتع است.

و اگر اطمینان دارد تا وقت احرام برای حج و درک وقوف عرفات پاک نمی شود یا اگر پاک شود، وقت کافی برای انجام اعمال عمره تا درک وقوف عرفات را نخواهد داشت، در این صورت باید در همان میقات به قصد ما فی الذمه و با حج افراد محرم شود، و پس از انجام اعمال حج، عمره ی مفرده به جا آورد، و عمل وی مجزی از حج تمتع خواهد بود.

ولی اگر هنگام احرام در میقات پاک بود، سپس در بین راه یا در مکه ی مکرمه پیش از انجام طواف عمره و نماز آن یا در اثنای طواف پیش از اتمام شوط چهارم، عادت ماهانه برایش عارض شد، و تا وقت انجام اعمال عمره و درک وقوف اختیاری عرفه پاک نمی شود، در این صورت، مخیر است بین اینکه عدول نماید با همان احرام عمره ی تمتع به حج افراد، و پس از انجام حج افراد، عمره ی مفرده انجام دهد که این عمل او مجزی از حج تمتع است، و بین اینکه طواف عمره و نماز آن را رها کند و با انجام سعی و تقصیر از احرام عمره خارج شود، سپس با احرام حج و درک وقوفین و انجام اعمال مینا، در مراجعت به مکه، طواف عمره و نماز آن را - پیش از انجام طواف حج و نماز آن و سعی، یا بعد از انجام آنها - قضا کند، و این عمل او نیز مجزی از حج تمتع است و چیز دیگری بر او نیست.

و چنانچه در اثنای طواف، پس از اتمام شوط چهارم، عادت شد، با رهاکردن بقیه طواف و نماز آن، سعی و تقصیر را انجام می دهد و از احرام عمره خارج می شود، سپس بعد از درک وقوفین و انجام اعمال مو نماز آن را تدارک می کند، که این عمل او مجزی از حج تمتع است و چیز دیگری بر او نیست (1).

مسأله 22- تفصیل اعمال و احکام حج، در بخش سوم و در چندین فصل بیان خواهد شد.

1. برای روشن شدن نحوه تدارک به مسأله 286 مراجعه شود.

فصل اول: حَجَّةُ الاسلام

مسأله 23 - در اصل شریعت، بر هر شخص مستطیع در طول عمر، بیش از يك بار حج واجب نیست که آن «حَجَّةُ الاسلام» نام دارد.

مسأله 24 - وجوب حج فوري است بدین معنا که در صورت تحقق شرایط استطاعت، باید در همان سال نسبت به انجام حج مبادرت نماید و به تأخیر انداختن آن بدون عذر، جایز نیست، و اگر به تأخیر اندازد، معصیت کرده است، و حج بر ذمه‌ي او باقی است، و واجب است که در سال بعد (و در صورت به‌جا نیاوردن، در سال‌هاي بعد) آن را به‌جا آورد.

مسأله 25 - اگر به‌جا آوردن حج در سالي که استطاعت پیدا کرده، منوط به فراهم آوردن برخي مقدمات - مانند سفر کردن و تهیه‌ي اسباب و امکانات آن - باشد، باید نسبت به تهیه‌ي آن مقدمات اقدام کند، به گونه‌اي که مطمئن باشد در آن سال حج را درک می‌کند؛ پس اگر شخص مکلف در این کار کوتاهی کند و حج را به‌جا نیاورد، معصیت کرده و حج بر ذمه‌ي او باقی است، و باید آن را ادا کند، هرچند شرایط استطاعت از میان برود.

شرایط وجوب حجة الاسلام

مسأله 26 - حجة الاسلام در صورت وجود شرایط زیر واجب می‌گردد:
1. عقل، 2. بلوغ، 3. استطاعت

عقل و بلوغ

مسأله 27- شرط اول: عقل است ؛ بنا بر این، حج بر مجنون واجب نیست.

مسأله 28- شرط دوم: بلوغ است ؛ بنا بر این، حج بر غیر بالغ واجب نیست، هر چند نزدیک به بلوغ باشد ؛ و اگر غیر بالغ حج انجام دهد گرچه حج او صحیح است ؛ لیکن از حجة الاسلام کفایت نمی کند.

مسأله 29- اگر پسر غیر بالغ مُحرم شود و سپس در حالی که بالغ شده، وقوف در مشعر الحرام (مزدلفه) را درک کند و مستطیع هم باشد، حج او از حجة الاسلام کفایت می کند.

مسأله 30- اگر غیر بالغ یکی از مُحرمات احرام را مرتکب شود، چنانچه آن عمل حرام، شکار باشد، کفاره ی آن بر عهده ی ولی اوست، اما در مورد کفارات دیگر، ظاهر آن است که پرداخت آن واجب نیست، نه بر ولی و نه از مال خود غیر بالغ.

مسأله 31- بهای قربانی حج شخص نابالغ بر عهده ی ولی اوست.

مسأله 32- در حج واجب، اجازه ی شوهر برای زن شرط نیست، بنابراین حتی در صورت عدم رضایت شوهر، حج بر زن واجب می شود.

مسأله 33- در صحت حجة الاسلام شخص مستطیع، اذن والدین شرط نیست.

استطاعت

مسأله 34- شرط سوم: استطاعت است؛ که مشتمل بر چند امر می باشد:

- الف - استطاعت مالی
- ب - استطاعت بدنی و جسمی
- ج - استطاعت طریقی (ایمن بودن راه ها)
- د - استطاعت زمانی

تفصیل هر یک از موارد فوق بدین شرح است:

الف: استطاعت مالی

مسأله 35- استطاعت مالی مرکب از چند امر است:

1. زاد و توشه ی سفر و مرکب.
 2. هزینه ی زندگی خانواده در زمان سفر.
 3. ضروریات زندگی و آنچه در زندگی بدان نیاز دارد.
 4. بهره مندی از زندگی متعارف پس از بازگشت.
- اینک به بیان توضیحاتی درخصوص موارد فوق می پردازیم:

1. توشه ی راه و مرکب

مسأله 36- مراد از توشه ی راه، همه ی چیزهایی است که در سفر بدان نیاز دارد، مانند خوراک، نوشیدنی و دیگر لوازم و مایحتاج سفر؛ و منظور از مرکب، وسیله ی نقلیه ای است که با آن راه می پیمایند.

مسأله 37- بر کسی که توشه و مرکب ندارد و مالی هم ندارد که بتواند برای تهیه ی آنها هزینه کند، حج واجب نیست، هرچند بتواند با کسب و کار و تجارت آن را تهیه کند.

مسأله 38- وجوب حج مشروط بر آن است که هزینه ی بازگشت به وطن خود یا محل دیگری که می خواهد به آنجا برود را در اختیار داشته باشد.

مسأله 39- اگر مالی ندارد که با آن به حج رود، اما کسی از او مالی به قرض گرفته که در صورت برگرداندن آن، هزینه ی رفت و برگشت حج با آن تأمین یا تکمیل می شود، چنانچه زمان پس گرفتن قرض فرا رسیده یا گذشته باشد و قرض گیرنده نیز توان پس دادن آن را داشته باشد و مطالبه ی آن برای قرض دهنده موجب حرج نشود، واجب است آن را مطالبه کند.

مسأله 40- زنی که مهریه اش برای مخارج حج کافی است و آن را از شوهرش طلبکار است، در صورتی که شوهر او توانایی پرداخت آن را نداشته باشد، نمی تواند آن را از او مطالبه کند و مستطیع نیست. ولی اگر شوهر او تمکن دارد و مطالبه مهر نیز برای زن مفسده ای ندارد، واجب است مهریه را مطالبه کرده و به حج برود. و اگر مطالبه آن برای او مفسده داشته باشد مثل اینکه منجر به نزاع و طلاق شود، مطالبه مهریه واجب نبوده و مستطیع نیست.

مسأله 41- کسی که هزینه ی رفتن به حج را در اختیار ندارد، اما می تواند قرض بگیرد و سپس به سادگی قرض خود را ادا کند، واجب نیست که خود را با قرض گرفتن مستطیع کند، اما اگر بگیرد، حج بر او واجب می شود.

مسأله 42- کسی که بدهی دارد و مالی غیر از مخارج حج که با آن بتواند بدهی خود را بپردازد ندارد، اگر بدهی او مدت دار باشد و اطمینان داشته باشد

که در وقت ادای بدهی، توانایی پرداخت آن را دارد؛ و همچنین در صورتی که وقت ادای بدهی فرا رسیده، ولی طلبکار به تأخیر در پرداخت راضی است و بدهکار مطمئن است که در وقت مطالبه می تواند بدهی را بپردازد، واجب است به حج برود. در غیر این دو صورت حج بر او واجب نیست.

مسئله 43- کسی که نیاز به ازدواج دارد و ترک ازدواج موجب مشقت یا حرج او شود و بتواند ازدواج کند، زمانی مستطیع می شود که علاوه بر مخارج حج هزینه های ازدواج را نیز داشته باشد.

مسئله 44- اگر اجرت ماشین یا هواپیما و یا سایر وسایل نقلیه در سال استطاعت بیشتر از حد متعارف باشد، در صورتی که توانایی پرداخت مازاد را بدون حرج و مشقت داشته باشد، واجب است آن را بپردازد تا به حج برود. و صرف گرانی و افزایش قیمت ها ضرری به استطاعت نمی زند. ولی اگر توانایی پرداخت مازاد را ندارد یا پرداخت آن اجحاف بر او باشد، واجب نیست آن را بپردازد و مستطیع نیست، و حکم خرید یا اجاره چیزهای دیگری که در سفر حج به آنها نیاز دارد نیز چنین است. همچنین در صورتی که بخواهد مال خود را به کمتر از قیمت معمولی بفروشد و پول آن را صرف حج کند، همین حکم را دارد.

مسئله 45- ملاک استطاعت برای حج، توانایی انجام آن به نحو متعارف بین مردم است و اگر کسی اعتقاد دارد که به این نحو استطاعت ندارد لکن احتمال می دهد که اگر تحقیق و تلاش کند بتواند راهی بیابد که با وضع مالی فعلی اش مستطیع بر انجام حج شود، واجب نیست تحقیق نماید. ولی اگر شک در استطاعت داشته باشد و بخواهد بداند که آیا مستطیع شده یا خیر، ظاهراً واجب است وضعیت مالی خود را بررسی کند.

2- مخارج خانواده در طول مدت سفر

مسئله 46- در تحقق استطاعت مالی، شرط است که مخارج خانواده اش را تا بازگشت از حج داشته باشد.

مسئله 47- مراد از عائله که داشتن مخارج آنان در تحقق استطاعت مالی شرط است، کسانی هستند که عرفاً عنوان عائله بر آنها صدق می کند، هرچند از نظر شرعی نفقه دادن به آنان بر او واجب نباشد.

3- ضروریات زندگی و معیشت

مسئله 48- از جمله شرایط وجوب حج آن است که ضروریات زندگی و آنچه را که عرفاً شایسته موقعیت اوست و به آن نیاز دارد، داشته باشد. اما لازم نیست عین آنها موجود باشد، بلکه کافی است پول یا چیزی که بتواند آن را صرف تأمین نیازهای زندگی اش کند، در اختیار داشته باشد.

مسئله 49- شئون عرفی اشخاص با هم متفاوت است. کسی که داشتن مسکن شخصی از ضروریات زندگی او می باشد و یا عرفاً مناسب با شأن او است، و یا سکونت در منزل استیجاری یا عاریه ای و یا وقفی برای او حرج و مشقت دارد و یا موجب وهن او می شود، برای تحقق استطاعت او داشتن خانه ملکی شرط است.

مسئله 50- اگر مالی داشته باشد که برای رفتن به حج کفایت کند، اما برای یک نیاز ضروری مانند تهیه ی مسکن یا علاج بیماری و یا تأمین مایحتاج زندگی به آن نیاز داشته باشد، مستطیع نیست و حج بر او واجب نمی شود.

مسئله 51- داشتن عین توشه و مرکب برای مستطیع شدن مکلف شرط نیست، بلکه اگر پول یا مالی داشته باشد که بتواند آن را برای زاد و توشه ی سفر هزینه کند، کافی است و مستطیع محسوب می شود.

مسئله 52- کسی که ضروریات زندگی از قبیل مسکن، لوازم خانه، وسیله نقلیه و ابزار کار و مانند آن را بیشتر از شأن خود دارد، اگر می تواند با فروش آنها و خرید مایحتاج زندگی اش، مقدار زاید را صرف مخارج حج کند و این کار موجب حرج و وهن و منقصت او نمی شود، و مقدار مازاد به اندازه مخارج حج و یا مکمل آن است، باید این کار را انجام دهد و مستطیع است.

مسئله 53- اگر مکلف زمین یا جنس دیگری را بفروشد تا با پول آن خانه بخرد، در صورتی که منزل شخصی جزء نیازهای ضروری او باشد و یا مالکیت آن با موقعیت عرفی او مناسب است، با گرفتن پول زمین مستطیع نمی شود هرچند به مقدار مخارج حج و یا مکمل آن باشد.

مسئله 54- کسی که بعضی از اموالش - مانند کتاب هایش - از مورد نیاز او خارج شده، و پول حاصل از فروش آنها برای استطاعت او کافی باشد و یا آن را تکمیل کند، با وجود شرایط دیگر حج بر او واجب می شود.

4- رجوع به کفایت

مسئله 55- یکی از شرایط تحقق استطاعت مالی، رجوع به کفایت است (البته این شرط در حج بذلی وجود ندارد که توضیح آن ذکر خواهد شد) 7. یعنی بعد از برگشت از حج، تجارت یا زراعت یا صنعت یا شغل و یا منفعت ملک مثل باغ و مغازه و غیر اینها از منابع درآمد، داشته باشد، به طوری که برای زندگی مناسب با شأن عرفی خود و خانواده اش کافی باشد. و طلاب علوم دینی اگر بعد از مراجعت از حج زندگی آنان با شهریه حوزه های علوم دینی اداره یا تکمیل می شود، کافی است.

مسئله 56- رجوع به کفایت در استطاعت زن نیز شرط است، بنابراین اگر زن شوهر داشته باشد و در حال حیات شوهرش مستطیع شود، بعد از بازگشت از حج، نفقه ای که شوهرش به او می پردازد رجوع به کفایت است. ولی زنی که شوهر ندارد، در تحقق استطاعت او شرط است که علاوه بر داشتن مخارج حج، بعد از بازگشت دارای یک منبع درآمد مالی باشد که برای اداره زندگی مناسب با شأن عرفی او کافی باشد. در غیر این صورت برای حج مستطیع نیست.

مسئله 57- اگر شخصی زاد و هزینه ی سفر نداشته باشد، ولی دیگری مخارج حج او را بدهد، مثل اینکه به او بگوید: حج به جا آور و نفقه ی تو بر عهده ی من، در این صورت حج بر او واجب می شود و لازم است آن را قبول کند. این حج را «حج بذلی» گویند. در حج بذلی رجوع به کفایت شرط نیست و لازم نیست عین مال را داده باشد، بلکه پرداخت قیمت آن کافی است. اما اگر مال را برای به جا آوردن حج به او ندهد و صرفاً مالی را که کافی برای هزینه ی حج است به او ببخشد، اگر آن هدیه را بپذیرد، حج بر او واجب می شود، اما قبول آن بر او واجب نیست و می تواند نپذیرد و خود را مستطیع نکند.

مسئله 58- حج بذلی از حجة الاسلام کفایت می کند، و در صورتی که بعداً خودش مستطیع شد لازم نیست حج به جا آورد.

مسئله 59- کسی که از طرف مؤسسه یا شخصی دعوت به حج شده باشد، در صورتی که در ازای دعوت به حج، متعهد به انجام کاری شود، عنوان حج بذلی بر او صدق نمی کند.

مسائل متفرقه استطاعت مالی

مسئله 60- کسی که مستطیع شده، نمی تواند بعد از رسیدن زمانی که باید مال را برای رفتن به حج، صرف کند، خود را از استطاعت خارج سازد. بلکه احتیاط واجب آن است که قبل از آن زمان نیز خود را از استطاعت خارج نکند.

مسئله 61- در تحقق استطاعت مالی شرط نیست که استطاعت در کشور و شهر خودش حاصل شود، بلکه حصول آن هر چند در میقات باشد کافی است. بنابراین اگر هنگامی که به میقات رسید مستطیع شود، حج بر او واجب می شود و از حجة الاسلام کفایت می کند.

مسئله 62- برای کسی که هنگام رسیدن به میقات قادر به انجام حج شده نیز استطاعت مالی شرط است. بنابراین کسانی که با رسیدن به میقات، متمکن از حج می شوند مانند خدمه کاروان ها و غیر آنان، اگر سایر شرایط استطاعت از قبیل مخارج عائله و ضروریات زندگی و چیزهایی که در معیشت مناسب شأن خود به آنها نیاز دارند و رجوع به کفایت را داشته باشند، حج بر آنان واجب است و از حجة الاسلام کفایت می کند. در غیر این صورت حج آنان مستحبی خواهد بود و در صورتی که بعداً مستطیع شوند، واجب است حجة الاسلام را به جا آورند.

مسئله 63- کسی که برای خدمت در راه حج، در برابر اجرتی که با آن مستطیع می شود اجیر شود، بعد از پذیرش اجاره، حج بر او واجب می شود، به شرط آنکه انجام مناسک حج مزاحم با خدماتی که برای آن اجیر شده نباشد، وگرنه با چنین اجرتی مستطیع نمی شود، همچنین قبول کار در ازای اجرت، بر او واجب نیست.

مسئله 64- کسی که استطاعت مالی ندارد، اگر برای نیابت از دیگری اجیر شود و سپس بعد از عقد اجاره به واسطه ی مالی غیر از مال الاجاره مستطیع شود، باید در آن سال حج را برای خود انجام دهد و اگر عقد اجاره او برای همین سال بوده، اجاره باطل است، و در غیر این صورت، باید حج استیجاری را در سال بعد به جا آورد.

مسئله 65- اگر شخص مستطیع بر اثر غفلت و یا عمداً قصد حج استحبابی کند، هر چند هدف او تمرین برای انجام هر چه بهتر مناسک در سال بعد باشد یا با اعتقاد به اینکه مستطیع نیست، قصد حج استحبابی کند و بعد معلوم شود که مستطیع بوده، کفایت آن از حجة الاسلام محل اشکال است و بنا بر احتیاط،

واجب است در سال بعد حج را به جا آورد، مگر آن که به توهّم اینکه وظیفه فعلی او امتثال امر استحبابی است، قصد امتثال امر فعلی شارع مقدس را داشته باشد که در این صورت کفایت از حجة الاسلام می کند.

ب - استطاعت بدنی

مسأله 66- مراد از استطاعت بدنی، توانایی جسمی لازم برای رفتن به حج است. بنابراین حج بر بیمار و سالمندی که قدرت رفتن به حج را ندارد، یا رفتن به حج برای او حرج و مشقت دارد، واجب نیست.

مسأله 67- بقای استطاعت بدنی در وجوب حج شرط است، بنابراین اگر کسی به قصد حج، سفر کند ولی بیماری، او را قبل از احرام از ادامه راه باز دارد، کشف می شود که استطاعت بدنی درباره او تحقق پیدا نکرده است و بر امثال او واجب نیست برای انجام حج نایب بگیرند. ولی اگر حج از قبل بر او مستقر شده و امسال، برای انجام حج حرکت کند و در بین راه بر اثر بیماری از ادامه مسیر باز بماند، در صورتی که از بهبودی و توانایی انجام حج بدون حرج و مشقت هرچند در سال های آینده ناامید باشد، باید نایب بگیرد. ولی اگر امید به بهبودی و انجام حج هرچند در سال های آینده داشته باشد، وجوب مباشرت شخص خودش در انجام حج از او ساقط نمی شود. اما اگر پس از احرام بیمار شود، احکام خاص خود را دارد.

ج - استطاعت طریقی

مسأله 68- استطاعت طریقی، یعنی راه برای رفتن به حج باز و امن باشد، بنابراین کسی که راه به روی او بسته است، به طوری که نمی تواند به میقات برسد یا اعمال حج را تکمیل کند، و همچنین کسی که راه حج برای او باز است ولی امن نیست مانند زمانی که در راه، خطری جان یا بدن یا آبرو و یا مال او را تهدید می کند، حج بر او واجب نیست.

مسأله 69- کسی که هزینه ی رفتن به حج را دارد و بدون تأخیر برای اعزام، نام نویسی کرده، اما قرعه به نامش در نیامده و نتوانسته در آن سال به حج برود، مستطیع نیست و حج بر او واجب نشده است، اما اگر رفتن به حج در سال های بعد از آن، منوط به نام نویسی و پرداخت مبلغی در همان سال باشد، بنا بر احتیاط واجب باید نسبت به این کار اقدام کند.

د - استطاعت زمانی

مسأله 70- استطاعت زمانی یعنی استطاعت در زمانی محقق شود که انسان فرصت کافی برای رسیدن به حج در ایام خاص را داشته باشد. بنابراین کسی که استطاعت او در زمانی حاصل شده، که به سبب تنگی وقت نمی تواند حج را درک کند، یا برایش مشقت و حرج شدید دارد، حج در آن سال بر او واجب نیست.

فصل دوم: نیابت در حج

قبل از بیان شرایط نایب و منوب^۱ عنه، بعضی از موارد جواز نیابت و وصیت به حج و احکام آنها را متذکر می‌شویم.

مسئله 71 - کسی که حج بر او مستقر شده، اگر بر اثر پیری یا بیماری قدرت رفتن به حج را ندارد، یا برای او حرج و مشقت دارد و امیدی به بهبودی و قدرت پیدا کردن بر انجام حج بدون مشقت را - هرچند در سال‌های آینده - نداشته باشد، واجب است نایب بگیرد. ولی کسی که حج بر او مستقر نشده، واجب نیست نایب بگیرد.

مسئله 72 - بعد از به‌جا آوردن اعمال توسط نایب، حج از منوب^۱ عنه معذور ساقط می‌شود، و لازم نیست خود او حج به‌جا آورد، اگر چه بعداً عذرش برطرف شود. ولی اگر عذر او در حین انجام حج توسط نایب، برطرف شود، واجب است حج را اعاده کند و در این صورت حج نایب برای او کفایت نمی‌کند.

مسئله 73 - اگر کسی که حج بر او مستقر شده در طول راه بمیرد، در صورتی که بعد از احرام بستن و داخل شدن در حرم فوت کند، از حجة الاسلام کفایت می‌کند. ولی اگر قبل از احرام بستن بمیرد، مُجْزِي نیست. همچنین عمل کسی که بعد از محرم شدن و قبل از ورود به محدوده‌ی حرم فوت کند، بنا بر احتیاط واجب از حجة الاسلام کفایت نمی‌کند.

مسئله 74 - کسی که حج بر او مستقر شده، اگر پیش از انجام حج فوت کند، و ارثی که برای هزینه سفر حج کافی باشد از خود باقی گذاشته باشد، ورثه او باید از اصل مال از طرف او نایب بگیرند، مگر آنکه وصیت کرده باشد که مخارج حج از ثلث پرداخت شود، که در این صورت عمل به آن، بر وصایای مستحب اولویت دارد و اگر ثلث مالش برای انجام آن کافی نباشد، کمبود آن از اصل مال برداشته می‌شود.

مسئله 75 - در مواردی که گرفتن نایب مجاز است، باید فوراً به انجام آن اقدام شود، و تفاوتی ندارد که نیابت از طرف انسان زنده باشد یا میت.

مسئله 76 - واجب نیست انسان زنده از وطن خود نایب بگیرد و اگر از میقات نایب بگیرد، کافی است. همچنین کسی که از دنیا رفته و حج بر او واجب بوده، گرفتن نایب از میقات برای او کفایت می‌کند. ولی اگر نایب گرفتن فقط از وطن میت و یا شهر دیگری امکان‌پذیر است، واجب است ورثه از همان جا که ممکن است، برای او نایب بگیرند، و مخارج آن از اصل دارایی میت خارج می‌شود. و در صورتی که وصیت به حج بلدی کرده باشد باید به وصیت او عمل کنند و هزینه مازاد بر اجرت حج میقاتی از ثلث محاسبه می‌شود.

مسئله 77 - اگر کسی وصیت کند که برای او حج مستحب به‌جا آورند، هزینه آن از ثلث برداشته می‌شود.

مسئله 78 - هرگاه ورثه یا وصی بدانند که حج بر میت مستقر شده و در ادای آن شك داشته باشند، واجب است از طرف او حج به‌جا آورند. ولی اگر علم به وجوب و استقرار حج نداشته باشند و میت هم وصیت نکرده باشد، چیزی بر آنان واجب نیست.

شرایط نایب

- مسأله 79 - نایب باید شرایطی داشته باشد که عبارتند از:
- 1- بلوغ بنابر احتیاط واجب، پس نیابت غیر بالغ در حج کفایت از حجة الاسلام و بلکه مطلق حج واجب نمی‌کند.
 - 2- عقل؛ بنابراین نیابت مجنون اعم از دائمی و ادواری، در صورتی که عمل را در حالت جنون انجام دهد صحیح نیست.
 - 3- ایمان (یعنی شیعه‌ی اثنی عشری بودن)؛ بنا بر احتیاط واجب، پس نیابت غیر مؤمن کفایت نمی‌کند.
 - 4- آگاهی از احکام و مناسک حج، به طوری که بتواند مناسک حج را - هرچند با راهنمایی دیگران ولو در وقت عمل - صحیح انجام دهد.
 - 5- ذمه نایب در آن سال به حج واجبی مشغول نباشد، اما اگر نایب از واجب بودن حج بر خود بی‌خبر باشد، بعید نیست که حج نیابی او صحیح باشد.
 - 6- نایب در ترك بعضی از افعال حج معذور نباشد. توضیح این شرط و احکام مترتب بر آن خواهد آمد. (1)

مسأله 80 - برای اکتفا به حج نیابی باید اطمینان حاصل شود که نایب حج را از طرف منوبّ عنه انجام داده است، ولی بعد از آنکه احراز شد نایب حج را به جا آورده، کسب اطمینان از صحّت عمل نایب لازم نیست، بلکه باید عمل او را حمل بر صحّت نمود.

1- مسأله 90 به بعد.

شرایط منوبٌ عنه

مسأله 81 - منوبٌ عنه باید دارای شرایط زیر باشد:

1- اسلام؛ پس انجام حج به نیابت از کافر صحیح نیست.

2- در حج واجب شرط است منوبٌ عنه فوت شده باشد، و یا اگر زنده است، بر اثر پیری یا بیماری نتواند خودش حج را به جا آورد یا برای او حرج و مشقت داشته باشد و امیدی هم به قدرت پیدا کردن بر انجام حج بدون مشقت - هرچند در سال های آینده - نداشته باشد، ولی در حج مستحبی نیابت از دیگری به طور مطلق جایز است.

مسأله 82 - عقل و بلوغ در منوبٌ عنه شرط نیست.

مسائل مربوط به نیابت در حج

- مسأله 83 - هم جنس بودن نایب و منوبٌ عنه شرط نیست، بنابراین زن می تواند نایب مرد و مرد می تواند نایب زن شود.
- مسأله 84 - نیابت ضروره یعنی کسی که تاکنون حج به جا نیاورده، از ضروره و غیر ضروره جایز است، اعم از آنکه نایب یا منوبٌ عنه مرد باشد یا زن.
- مسأله 85 - قصد نیابت و تعیین منوبٌ عنه و لو به صورت اجمالی، در حج نیابی شرط است، ولی لازم نیست نایب نام منوبٌ عنه را ذکر کند.
- مسأله 86 - اجیر کردن کسی که وظیفه او به سبب کمی وقت عدول به حج افراد است، صحیح نیست. اما اگر نایب را در وسعت وقت اجیر کنند و سپس اتفاقاً وقت بر او تنگ شود، واجب است که به حج افراد عدول کند و عمل او از حج تمتع منوبٌ عنه کفایت می کند و مستحق دریافت اجرت نیز هست.
- مسأله 87 - هرگاه نایب پس از احرام و ورود به حرم بمیرد، اگر نایب گرفتن برای بری شدن ذمه ی منوبٌ عنه باشد، کما اینکه ظاهر حال اطلاق قرارداد اجاره چنین است، اجیر، مستحق تمام اجرت خواهد بود و باید آنرا به ورثه اش بپردازند.
- مسأله 88 - اگر کسی در مقابل اجرت معینی برای انجام حج اجیر شود و آن مبلغ از هزینه های او کمتر باشد، واجب نیست شخص اجیر کننده آن را تکمیل کند، همچنین اگر از مبلغ پرداختی چیزی باقی بماند، حق ندارد مقدار باقی مانده را پس بگیرد.
- مسأله 89 - در مواردی که حکم به عدم کفایت حج نایب از منوبٌ عنه می شود، در صورتی که برای انجام حج در همان سال اجیر شده باشد، واجب است اجرت را به اجیرکننده برگرداند، و در غیر این صورت باید در سال های بعد از طرف منوبٌ عنه حج به جا آورد.
- مسأله 90 - کسی که از انجام برخی از اعمال حج معذور است، نمی تواند برای نیابت حج اجیر شود. معذور کسی است که نتواند اعمال اختیاری حج مانند تلبیه و نماز طواف به نحو صحیح، و راه رفتن با پای خود در طواف و سعی، و رمی جمرات به دست خودش، و وقوف در عرفات و مشعر در وقت مقرر، و بیتوته در مینی را انجام دهد به طوری که منجر به نقص بعضی از اعمال حج شود. و اگر منجر به نقص بعضی از اعمال حج نشود و فقط در ارتکاب بعضی از محرمات احرام معذور باشد، نیابت او صحیح است.
- مسأله 91 - اگر نایبی در اثنای حج نیابی معذور شود، در صورتی که عذر او منجر به نقص در اعمال حج شود، بطلان اجاره بعید نیست. و احوط آن است که حج برای منوب عنه اعاده شود و بین نایب و منوبٌ عنه در مورد اجرت، مصالحه صورت گیرد.
- مسأله 92 - نیابت کسانی که از وقوف اختیاری در مشعرالحرام معذورند، صحیح نیست و اگر نایب شوند، مستحق دریافت اجرت نیستند، مانند خدمه کاروان ها که باید با افراد ناتوان همراهی کنند و یا برای انجام برخی از کارهای خدماتی کاروان قبل از طلوع فجر از مشعر به مینی بروند. و در صورتی که این افراد برای انجام حج نیابی اجیر شوند، باید وقوف اختیاری را درک کنند و حج را به جا آورند.

مسأله 93 - در عدم کفایت حج نایبی که معذور است، فرقی نیست بین اینکه نایب اجیر باشد و یا نیابت مجانی و تبرعی انجام شود. و نیز فرقی نیست بین اینکه نایب جاهل به عذر باشد یا نایب گیرنده جاهل به آن باشد، و همچنین فرقی نیست بین اینکه نایب یا نایب گیرنده جاهل باشد به این که آن عذر از عذرهایی است که نیابت با آن صحیح نیست، مانند آن که نایب جاهل باشد که نمی تواند به وقوف اضطراری در مشعرالحرام اکتفا کند.

مسأله 94 - واجب است نایب طبق وظیفه خود عمل کند، اعم از این که از روی تقلید باشد یا اجتهاد.

مسأله 95 - اگر نایب پس از احرام و ورود به حرم بمیرد، همین مقدار برای تحقق حج برای منوب^۱ عنه مجزی است، اما اگر بعد از احرام و پیش از ورود به حرم بمیرد، بنا بر احتیاط واجب عمل او مجزی نیست و تفاوتی ندارد که نیابت او مجانی بوده یا با اجرت، و برای حجة الاسلام بوده یا حج واجب دیگر.

مسأله 96 - کسی که به نیابت از دیگری به حج رفته، در صورتی که خود حجة الاسلام به جا نیاورده باشد، احتیاط مستحب آن است که بعد از اعمال حج تا زمانی که در مکه است، اگر می تواند برای خودش نیز عمره ی مفرده به جا آورد.

مسأله 97 - برای نایب جایز است بعد از انجام نیابت، برای خود یا دیگری طواف کند یا عمره ی مفرده به جا آورد.

مسأله 98 - شرط ایمان (شیعه بودن) همانگونه که در اصل نیابت بنا بر احتیاط واجب معتبر است، در سایر اعمالی که نیابت در آنها جایز است - مانند طواف، سنگ زدن و قربانی کردن - نیز بنا بر احتیاط واجب شرط است.

مسأله 99 - واجب است که نایب اعمال حج را به قصد نیابت از منوب^۱ عنه به جا آورد و نیز واجب است که به نیابت از منوب^۱ عنه، طواف نساء را انجام دهد.

فصل اول: میقات‌های احرام

مسئله 100 - میقات‌های احرام مکان‌هایی هستند که برای احرام بستن تعیین شده‌اند و عبارتند از:

1- مسجد شجره

مسئله 101 - مسجد شجره در منطقه ذوالحلیفه در نزدیکی مدینه منوره واقع شده است، و آن میقات کسانی است که از راه مدینه به مکه می‌روند.

مسئله 102 - تأخیر احرام از مسجد شجره به جُحفه جایز نیست مگر در صورت ضرورت، از قبیل بیماری و ضعف و عذرهای دیگر.

مسئله 103 - احرام بستن در بیرون مسجد شجره مجزی نیست، ولی احرام بستن از همهی قسمت‌های مسجد حتی قسمت‌های توسعه یافته و جدید آن مجزی است.

مسئله 104 - زنی که دارای عذر است، می‌تواند در حال عبور از

مسجد محرم شود، به شرطی که مستلزم توقف در مسجد نباشد. ولی اگر مستلزم توقف در مسجد هرچند بر اثر ازدحام و مانند آن باشد و نتواند احرام را تا برطرف شدن عذر به تأخیر بیندازد، باید از جُحفه یا مُحاذات آن محرم شود و جایز است با نذر از هر مکان دیگری قبل از میقات محرم شود.

مسئله 105 - در صحت نذر زوجه برای احرام پیش از میقات در صورتی که شوهر او غایب باشد، اذن شوهر شرط نیست؛ ولی اگر حضور داشته باشد، احتیاط واجب آن است که از او اذن بگیرد. و اگر بدون اذن شوهر نذر کند، نذر او منعقد نمی‌شود.

2- وادی عقیق

مسئله 106 - وادی عقیق، میقات مردم عراق و نجد و کسانی است که از آنجا برای انجام عمره عبور می‌کنند و دارای سه بخش است: بخش اول را مَسَلَخ و وسط آن را عَمْرَه و پایان آن را ذَات عِرْق می‌نامند و احرام بستن از همهی قسمت‌های آن صحیح است.

3- جُحفه

مسئله 107 - جُحفه میقات اهل شام، مصر، مغرب و همهی کسانی است که از آن جا برای انجام عمره عبور می‌کنند، و احرام بستن از داخل مسجد و یا سایر مواضع جُحفه صحیح است.

4- یَلْمَلَم

مسئله 108 - یَلْمَلَم نام کوهی است در جنوب مکه‌ی مکرمه، و میقات مردم یمن و همهی کسانی است که از آن جا برای انجام عمره عبور می‌کنند. احرام بستن از همهی قسمت‌های آن صحیح است.

5- قرن المنازل

مسأله 109 - قرن المنازل میقات مردم طائف و کسانی است که از آن جا برای انجام عمره عبور می‌کنند. محرم شدن از قرن‌المنازل، خواه از داخل مسجد باشد یا خارج آن در سایر مواضع قرن‌المنازل، کافی است.

مُحَاذَاتِ مِیْقَاتِ هَايِ پَنجْ گَانِه

مسأله 110 - هرگاه فردی از راهی برود که به هیچ یک از میقات‌ها عبورش نیفتد و به مکانی برسد که مُحَاذِي یکی از میقات‌ها است، باید از مُحَاذَاتِ میقات محرم شود. مُحَاذَاتِ یعنی در راه رفتن به مکه یا مکرّمه به نقطه‌ای برسد که میقات در سمت راست یا چپ او واقع شود، به گونه‌ای که اگر بخواهد از آن جا بگذرد میقات متمایل به پشت او شود.

مسأله 111 - این میقات‌ها محل احرام عمره می‌توانند. در اینجا میقات‌های دیگری هم هست که عبارتند از:

- 1- مکه یا مکرّمه، و آن میقات حج تمتع است.
- 2- منزل خود شخص و آن میقات کسی است که منزل او بین میقات و مکه واقع شده است. بر چنین شخصی واجب نیست برای احرام بستن به یکی از میقات‌هایی که قبلاً ذکر شد، مراجعه کند.
- 3- ادنی‌الجلّ، و آن میقات عمره مفرده برای خصوص کسی است که در داخل شهر مکه است و می‌خواهد برای عمره مفرده محرم شود، و افضل آن است که از حدیبیه یا جعرانه یا تنعیم محرم شوند.

مسائل مربوط به میقات

مسأله 112 - میقات یا مُحاذات آن در صورت عدم علم، با بیته‌ی شرعی یعنی گواهی دو شاهد عادل یا شهرتی که موجب اطمینان شود ثابت می‌شود و بررسی و تحقیق برای یقین پیدا کردن لازم نیست. اگر علم و بیته و شهرت وجود نداشته باشد، فرد می‌تواند به ظن حاصل از پرسیدن از کسانی که اهل اطلاع از آن مکان‌ها هستند، اکتفا کند.

مسأله 113 - احرام بستن پیش از رسیدن به میقات صحیح نیست مگر آنکه فرد نذر کند از محلی که پیش از میقات است احرام ببندد، مثل اینکه نذر کند از مدینه یا شهر خودش محرم شود، که در این صورت باید از همان مکان محرم شود و احرام او صحیح است.

مسأله 114 - اگر از میقات بدون احرام عمداً یا از روی غفلت یا ندانستن مسأله گذشته باشد واجب است برای احرام به میقات برگردد.

مسأله 115 - اگر از میقات بدون احرام در اثر غفلت یا فراموشی یا ندانستن مسأله گذشته، و نمی‌تواند از جهت ضیق وقت یا عذر دیگر به میقات برگردد، لکن هنوز داخل حرم نشده است، به احتیاط واجب باید به هر مقدار که ممکن باشد به طرف میقات برگردد تا از آنجا محرم شود، و اگر داخل حرم شده و می‌تواند از حرم برای احرام خارج شود، باید برای احرام از حرم خارج شود و اگر به علت تنگی وقت و مانند آن نمی‌تواند از حرم خارج شود، باید داخل حرم از همان جایی که عذرش برطرف شده است محرم شود.

مسأله 116 - تأخیر احرام از میقات از روی اختیار جایز نیست، چه میقات دیگری در پیش رو داشته باشد یا خیر.

مسأله 117 - اگر کسی از احرام بستن در یکی از میقات‌ها منع شود، جایز است از میقات دیگر محرم شود.

مسأله 118 - هرگاه کسی از روی علم و عمد احرام بستن از میقات را ترک کند و به جهت تنگی وقت یا عذر دیگر نتواند به میقات برگردد و میقات دیگری نیز در پیش رو نداشته باشد و در نتیجه وقت برای انجام عمره تنگ شود، عمره‌ی او فوت شده و حج وی باطل می‌شود و در صورتی که حج بر او مستقر شده یا مستطیع باشد، باید سال دیگر حج به جا آورد.

مسأله 119 - جدّه میقات محسوب نمی‌شود و مُحاذی هیچ یک از میقات‌ها هم نیست. بنابراین احرام بستن از جدّه برای عمره‌ی تمتع از روی اختیار صحیح نیست، بلکه واجب است انسان برای محرم شدن به یکی از میقات‌ها برود. و در صورتی که نتواند به یکی از میقات‌ها برود، احتیاط واجب آن است که با نذر از جدّه احرام ببندد.

مسأله 120 - هرگاه کسی پس از احرام بستن از میقات و گذشتن از آن متوجه شود که احرام او صحیح نبوده، اگر می‌تواند به میقات برگردد، واجب است به میقات برگردد و از آنجا محرم شود. و اگر بازگشت به میقات جز با آمدن به مکه برایش ممکن نباشد، باید برای ورود به مکه از اَدْنِی الْجَلِّ به نیت عمره‌ی مفرده محرم شود و پس از انجام اعمال عمره‌ی مفرده به یکی از میقات‌ها باز گردد و برای عمره‌ی تمتع احرام ببندد.

مسأله 121 - خروج از مکه ي مکرمه بعد از عمره ي تمتع و قبل از اعمال حج براي کسي که مطمئن است مي تواند براي انجام حج تمتع به مکه برگردد جايز است. هرچند احتياط مستحب آن است که از مکه ي مکرمه خارج نشود مگر براي نياز و کار ضروري. در اين صورت بنا بر احتياط ابتدا در مکه براي حج مُحرم شود و بعد خارج شود. و اگر مُحرم شدن براي او مشقت داشته باشد، مي تواند براي انجام کار خود بدون احرام خارج شود. افراي که قصد عمل به اين احتياط را دارند و ناچارند يك يا چند مرتبه به مکه وارد و از آن خارج شوند مانند خدمه ي کاروان ها، مي توانند براي ورود به مکه ي مکرمه، اول عمره ي مفرده انجام دهند و عمره ي تمتع را به تأخير بيندازند تا زماني که بتوانند در آن وقت عمره ي تمتع را قبل از اعمال حج به جا آورند، در اين صورت بايد از ميقات براي عمره ي تمتع محرم شوند و هنگامي که از عمره ي تمتع فارغ شدند از مکه براي حج محرم شوند.

مسأله 122 - ملاک خروج از مکه ي مکرمه بين عمره تمتع و حج، خروج از شهر کنوني مکه است. بنا بر اين رفتن به مکان هايي که در حال حاضر جزو مکه است، هرچند در گذشته خارج از مکه ي مکرمه محسوب مي شده، خروج از مکه محسوب نمي شود.

مسأله 123 - اگر بعد از انجام عمره ي تمتع از شهر مکه بدون احرام خارج شود، اگر در همان ماهي که عمره انجام داده به مکه برگردد، نياز به تجديد احرام براي ورود به شهر مکه ندارد، ولي اگر در ماه بعد از ماه انجام عمره به مکه برگردد، مثل اينکه عمره را در ذي القعدة انجام دهد و خارج شود، و در ماه ذي الحجه به مکه برگردد، و يا در ذي القعدة عمره انجام دهد و در ذي الحجه خارج شده و مجدداً برگردد واجب است با احرام جديد براي عمره جهت دخول مکه محرم شود، و عمره تمتع وي که متصل به حج مي شود همين عمره ي تمتع دوم خواهد بود. و اگر مجدداً محرم نشود و عمره دوّم را انجام ندهد حج تمتع وي صحيح نيست.

مسأله 124 - بنا بر احتياط واجب نبايد بعد از انجام عمره ي تمتع و قبل از حج تمتع، عمره ي مفرده به جا آورد. ولي اگر به جا آورد، به صحت عمره و حج تمتع او خللي وارد نمي کند.

فصل دوم: احرام

مسأله 125 - مسائل مربوط به احرام به چهار بخش تقسیم می‌شود:

1. اعمال واجب در حال احرام یا برای احرام
2. مستحبات احرام
3. محرمات احرام
4. مکروهات احرام

اول - نیت

مسأله 126 - شرایط و کیفیت نیت به این شرح است:

الف) قصد انجام اعمال حج یا عمره، بنابراین کسی که می خواهد برای عمره تمتع محرم شود، باید از زمان احرام قصد انجام آن را داشته باشد.

ب) قصد قربت و نیت خالص برای اطاعت خداوند داشته باشد، زیرا عمره و حج و همه ی اعمال و مناسک آنها عبادت هستند و باید به قصد تقرب و نزدیکی به خداوند تبارک و تعالی به جا آورده شوند.

ج) کسی که می خواهد محرم شود باید هنگام احرام قصد و نیت خود را تعیین کند یعنی معین کند که قصد انجام حج دارد یا عمره، و همچنین مشخص کند که آیا حج تمتع است یا افراد یا قرآن، حج را برای خود به جا می آورد یا به نیابت از دیگری، حجة الاسلام است یا حج نذری و یا حج مستحب.

مسأله 127 - در قصد لازم نیست صورت تفصیلی اعمال و مناسک عمره یا حج در ذهن انسان خطور کند، بلکه خطور صورت اجمالی آن کافی است. و همین اندازه که قصد انجام واجبات مناسک حج یا عمره را به طور اجمالی داشته باشد و سپس آنها را به تدریج انجام دهد کافی است.

مسأله 128 - کسی که محرم می شود لازم نیست قصد ترک محرّمات را داشته باشد، بلکه قصد انجام بعضی از محرّمات هم ضروری به صحت احرام نمی زند، مگر آنکه قصد انجام محرّماتی را داشته باشد که ارتکاب آنها عمره یا حج را باطل می کند مثل نزدیکی با زن در بعضی از موارد که خواهد آمد. زیرا قصد انجام این امور با قصد انجام مناسک حج قابل جمع نیست بلکه با قصد احرام منافات دارد.

مسأله 129 - اگر بر اثر ناآگاهی از مسأله یا غفلت، به جای نیت عمره، نیت حج کند، احرام او صحیح است. مثلاً اگر در نیت احرام عمره تمتع بگوید: «مُحَرَّم می شوم برای حج تمتع قربة الی الله»؛ لیکن قصد انجام اعمالی را داشته باشد که دیگران انجام می دهند، به تصور این که آن اعمال «حج» نام دارد، احرامش صحیح است.

مسأله 130 - به زبان آوردن نیت یا خطور دادن آن در ذهن در نیت شرط نیست، بلکه همین اندازه که قصد انجام عمل را داشته باشد کافی است.

مسأله 131 - نیت باید همراه با احرام بستن باشد، بنابراین نیت قبلی کفایت نمی کند مگر آنکه تا زمان احرام استمرار داشته باشد.

دوم - لبیک گفتن

مسأله 132 - تلبیه در احرام، همانند تکبیره الاحرام در نماز است، و هنگامی که حاجی تلبیه بگوید، محرم می‌شود و اعمال عمره‌ی تمتع را آغاز می‌کند. در حقیقت، تلبیه به منزله‌ی اجابت دعوت پروردگار مهربان است که مکلفان را به حج فرا خوانده است، از این رو شایسته است که ذکر تلبیه با خضوع و خشوع کامل ادا شود.

مسأله 133 - صورت تلبیه بنا بر اصح، جملات ذیل است:
«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

و اگر به این مقدار اکتفا کند، احرامش صحیح است؛ و احتیاط مستحب آن است که بعد از تلبیات چهارگانه بگوید:
«إِنَّ الْحَمْدَ وَ التَّعَمَّةَ لَكَ وَ الْمَلِكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

و اگر بخواهد بیشتر احتیاط کند، پس از گفتن آنچه ذکر شد، بگوید:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَ التَّعَمَّةَ لَكَ وَ الْمَلِكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

و مستحب است این عبارات که در روایت معتبر آمده، بعد از آن گفته شود:

«لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَقَارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ النَّبِيِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَبْدِئُ وَ الْمَعَادِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَسْتَعْنِي وَ يَفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْهُوبًا وَ مَرْغُوبًا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا النُّعْمَاءِ وَ الْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَافَ الْكَرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ».

مسأله 134 - مقدار واجب لبیک یک بار است ولی مستحب است هر چه می‌تواند آن را تکرار کند.

مسأله 135 - واجب است شخص مقدار واجب تلبیه را صحیح و بی‌غلط تلفظ کند و اگر شخص با آنکه می‌تواند آن را به‌طور صحیح یاد بگیرد و یا کسی به او در وقت گفتن تلقین کند، آن را اشتباه بگوید کافی نیست، ولی اگر نتواند یاد بگیرد هرچند بر اثر تنگی وقت باشد و نتواند آن را با تلقین نیز صحیح ادا کند، به هر نحو که می‌تواند بگوید. و در این صورت احتیاط آن است که علاوه بر گفتن خودش، نایب هم بگیرد.

مسأله 136 - هرگاه کسی عمداً تلبیه را نگوید، حکم کسی را دارد که عمداً احرام بستن از میقات را ترک کرده باشد.

مسأله 137 - هرگاه کسی تلبیه را به‌طور صحیح نگوید و عذری نیز نداشته باشد، حکم کسی را دارد که عمداً تلبیه را ترک کرده باشد.

مسأله 138 - کسی که برای عمره‌ی تمتع محرم شده، واجب است هنگام مشاهده‌ی خانه‌های مکه‌ی مکرمه - ولو خانه‌های جدید البناء در اطراف مکه که در حال حاضر جزو شهر مکه محسوب است - از لبیک گفتن خودداری کند. و کسی که برای حج احرام بسته واجب است از ظهر روز عرفه لبیک گفتن را ترک کند.

مسأله 139 - احرام در حج تمتع و عمره‌ي تمتع و حج افراد و عمره‌ي مفرده فقط با لبیک گفتن محقق می‌شود، ولی احرام در حج قرآن هم با لبیک گفتن محقق می‌شود و هم با اشعار و تقلید. اشعار مخصوص شتر است ولی تقلید در مورد همه‌ي قربانی‌ها مصداق دارد.

مسأله 140 - اشعار عبارت است از اینکه کوهان شتر، مجروح و به خون آغشته گردد تا معلوم باشد که قربانی است. و تقلید عبارت است از اینکه حاجی نعلین یا نخي را به گردن حیوان آویزان کند تا معلوم باشد که آن حیوان قربانی است.

سوم - پوشیدن دو جامه‌ی احرام

مسأله 141 - یکی از دو جامه، «لنگ» است که باید به کمر بسته شود و دیگری «رداء» است که به دوش انداخته می‌شود. این دو جامه باید بعد از بیرون آوردن همه لباس‌هایی که پوشیدن آنها بر محرم حرام است، پوشیده شوند.

مسأله 142 - بنا بر احتیاط واجب، باید دو جامه‌ی مذکور را پیش از نیت احرام و تلبیه بپوشد.

مسأله 143 - لازم نیست لنگ، از ناف تا زانو را بپوشاند بلکه همین که لنگ بر آن صدق کند و به نحو متعارف باشد کفایت می‌کند.

مسأله 144 - گره زدن لنگ به گردن جایز نیست ولی سنجاق زدن و امثال آن و گره زدن بعضی آن به بعضی دیگر مانعی ندارد تا وقتی که از صدق عنوان ازار خارج نشود. و همچنین در رداء گره یا سنجاق یا گیره زدن آن یا گذاشتن سنگریزه در دو طرف و بستن آن با نخ به نحو متعارف تا زمانی که عنوان رداء بر آن صدق کند، جایز است.

مسأله 145 - در پوشیدن جامه‌ی احرام، احتیاط واجب آن است که قصد تقرب الی الله داشته باشد.

مسأله 146 - جامه‌ی احرام باید شرایط لباس نمازگزار را داشته باشد. بنابراین احرام بستن در جامه‌ی حریر یا جامه‌ای که از اجزای حیوان حرام گوشت یا مردار تهیه شده باشد یا جامه‌ای که به نجاستی نجس شده باشد که در نماز از آن عفو نشده است کفایت نمی‌کند.

مسأله 147 - لازم است جامه‌ای که لنگ قرار داده می‌شود نازک و بدن‌نما نباشد، ولی بدن‌نما بودن رداء اشکالی ندارد؛ مشروط بر اینکه رداء بر آن صدق کند.

مسأله 148 - وجوب پوشیدن دو جامه‌ی احرام مخصوص مردان است. زنان می‌توانند در همان لباس خودشان به هر نحو که هست محرم شوند، چه دوخته باشد یا نباشد، مشروط بر اینکه شرایط لباس نمازگزار رعایت شده باشد.

مسأله 149 - لباس احرام زن نباید از حریر خالص باشد.

مسأله 150 - لازم نیست لباس احرام، منسوج و بافتنی و از جنس پنبه یا پشم و مانند آن باشد، بلکه اگر از نایلون و پلاستیک باشد و عنوان لباس بر آن صدق کند و پوشیدن آن متعارف باشد نیز کافی است. همچنین اگر مثل نمد مالیده شده باشد و به آن «جامه» گفته شود و پوشیدن آن متعارف باشد، مانعی ندارد.

مسأله 151 - اگر از روی عمد و علم در هنگام احرام لباس دوخته را از بدن خود بیرون نیاورد، صحت احرام او خالی از اشکال نیست و احتیاط واجب آن است که پس از بیرون آوردن آن، نیت و تلبیه را تکرار کند.

مسأله 152 - اگر بر اثر سرما و مانند آن، ناگزیر از پوشیدن جامه‌ی دوخته باشد، می‌تواند از لباس‌های معمولی مانند پیراهن استفاده کند، اما نباید آن را بپوشد، بلکه آن را به صورت برعکس بالا به پایین یا پشت و رو، به روی خود بیندازد.

مسأله 153 - فرد محرم می‌تواند جامه‌ی احرام را برای استحمام و غسل یا تعویض به جامه‌ی دیگر و مانند آنها، از تن بیرون آورد.

مسأله 154 - فرد محرم می‌تواند برای پرهیز از سرما و مانند آن، بیش از دو جامه بپوشد و دو قطعه یا بیشتر بر روی شانه بیندازد یا دور کمر ببندد.

مسأله 155 - اگر جامه‌ی احرام نجس شود، بنا بر احتیاط واجب باید آن را تطهیر یا تعویض کند.

مسأله 156 - طهارت از حدث اصغر یا اکبر شرط صحت احرام نیست، بنا بر این می‌تواند در حال جنابت یا حیض، محرم شود، البته غسل کردن پیش از احرام، مستحب مؤکد است و این غسل مستحب، «غسل احرام» نامیده می‌شود و احوط آن است که آن را ترک نکند.

2 - مستحبات احرام

مسأله 157 - مستحب است قبل از احرام، بدن پاك باشد. و موهاي زائد بدن را زایل کرده و ناخن‌ها را کوتاه نموده باشد. مسواك زدن پیش از احرام نیز مستحب است. همچنین مستحب است که پیش از محرم شدن در میقات و یا پیش از رسیدن به میقات - مثلاً در مدینه - غسل کند و گفته شد (1) که احوط آن است که این غسل را ترك نکند. و مستحب است که بعد از نماز ظهر، یا بعد از هر نماز واجب دیگر و یا بعد از دو رکعت نماز مستحب محرم شود، و در برخی احادیث آمده است که [پیش از احرام] شش رکعت نماز مستحب است و فضیلت بیشتری دارد. و نیز برای کسی که می‌خواهد حج بجا آورد مستحب است که از ابتدای ماه ذی‌قعدة، موی سر و صورت خود را کوتاه نکند.

1- مسأله 156.

3 - مکروهات احرام

مسأله 158 - احرام در جامه‌ي سیاه رنگ و کثیف و راه راه مکروه است، و بهتر آن است که جامه‌ي احرام سفید رنگ باشد. همچنین خوابیدن بر بالش یا بستر زرد رنگ در حال احرام مکروه است. استعمال حنا پیش از احرام نیز در صورتی که رنگ آن تا زمان احرام باقی بماند، مکروه است. و نیز مکروه است در پاسخ کسی که او را صدا کرده، واژه‌ي «لبیک» را به کار ببرد. رفتن به حمام و شستن بدن با کیسه و مانند آن نیز در حال احرام مکروه است.

4 - محرّمات احرام

مسأله 159 - بر شخص واجب است که از لحظه‌ی شروع احرام تا آن گاه که محرم است، از برخی امور اجتناب کند که به آنها «محرّمات احرام» گفته می‌شود.

مسأله 160 - محرّمات احرام بیست و دو چیز است، که برخی از آنها فقط بر مردان یا فقط بر زنان حرام است.

ابتدا به بیان اجمالی محرّمات احرام و سپس به ذکر احکام و مسائل مورد ابتلا در هر یک از آنها می‌پردازیم.

محرّمات احرام عبارتند از:

- 1- پوشیدن لباس دوخته برای مردان
- 2- پوشانیدن تمام روی پا برای مردان
- 3- پوشانیدن سر برای مردان و پوشانیدن صورت برای زنان
- 4- سایه بر سر قرار دادن برای مردان هنگام حرکت و طی مسافت در طول روز
- 5 - استعمال بوی خوش
- 6 - نگاه کردن در آینه
- 7- انگشتر به دست کردن
- 8 - استعمال حنا
- 9- روغن مالیدن به بدن
- 10- کندن مو از بدن خود یا شخص دیگر
- 11- سرمه کشیدن
- 12- ناخن گرفتن
- 13- بیرون آوردن خون از بدن
- 14- فسوق (دروغ گفتن و همچنین دشنام دادن و فخر فروشی)
- 15- جدال کردن یعنی گفتن «لا والله» و «بلی والله»
- 16 - کشتن حشرات که در بدن ساکن می‌شوند.
- 17- کندن و بریدن درختان یا گیاهان حرم
- 18- حمل سلاح
- 19- شکار حیوان وحشی صحرائی
- 20- جماع کردن و هر گونه لذت و تمتع بردن از زن مانند نگاه کردن، بوسیدن و لمس کردن
- 21- عقد کردن زن
- 22- استمناء

مسأله 161 - برخی از این اعمال در حالت عادی نیز حرام است و حرمت آن در حال احرام بیشتر است.

1 پوشیدن لباس دوخته (برای مردان)

مسأله 162 - پوشیدن لباس دوخته از قبیل پیراهن، قبا، شلوار، کت، پالتو، زیر جامه و امثال آنها، همچنین پوشیدن لباس‌های دکمه‌داری که با بستن دکمه‌ی آن به صورت پیراهن و مانند آن در می‌آید، برای مردان در حال احرام جایز نیست.

مسأله 163 - در مسأله‌ی قبل، تفاوتی میان لباس دوخته شده یا بافته و مانند آنها وجود ندارد.

مسأله 164 - پوشیدن چیز دوخته که لباس محسوب نمی‌شود، مانند کمر بند یا همیان که پول در آن می‌گذارند و همچنین استفاده از بند ساعت و مانند آن اشکال ندارد.

مسأله 165 - نشستن و خوابیدن بر روی زیرانداز دوخته شده یا لباسی که پوشیدن آن حرام است، مانعی ندارد.

مسأله 166 - انداختن لحاف یا پتو و مانند آن که حاشیه‌ی آن دوخته شده بر روی شانه‌ها مانعی ندارد.

مسأله 167 - دوخته بودن حاشیه‌ی جامه‌ی احرام بلا مانع است.

مسأله 168 - اگر عمداً لباس دوخته بپوشد، باید یک گوسفند کفاره بدهد، همچنین اگر چندین لباس دوخته مانند شلوار و پیراهن و کت و لباس زیر بپوشد، باید برای هر کدام از آنها جداگانه کفاره بدهد.

مسأله 169 - هرگاه محرم به علت سردی هوا یا بیماری و یا عذرهای دیگر به پوشیدن لباس دوخته ناچار شود، جایز است بپوشد، ولی بنا بر احتیاط واجب باید یک گوسفند کفاره بدهد.

مسأله 170 - پوشیدن هر نوع لباس دوخته برای زنان بلامانع است و کفاره ندارد، اما پوشیدن دستکش برای آنان جایز نیست.

2- پوشانیدن تمام روی پا (برای مردان)

مسأله 171 - مرد محرم نباید چکمه و جوراب بپوشد، و احتیاط واجب آن است که از پوشیدن هر چیزی که تمام روی پا را می پوشاند مانند: کفش و گیوه و امثال آن اجتناب کند.

مسأله 172 - پوشیدن نعلین و کفشی که بند پهن دارد، اما تمام روی پا را نمی پوشاند، اشکال ندارد.

مسأله 173 - قرار دادن لحاف و روانداز و مانند آن بر روی پا در هنگام نشستن یا خواب اشکال ندارد و قرار گرفتن لباس احرام بر روی پاها نیز بلا مانع است.

مسأله 174 - اگر شخص محرم ناگزیر از پوشیدن کفش و مانند آن که تمام روی پا را می پوشاند باشد، می تواند بپوشد، ولی بنا بر احتیاط واجب باید روی آن را شکاف دهد.

مسأله 175 - پوشیدن کفش و جوراب و مانند آن که در مسائل پیشین ذکر شد، کفاره ندارد، اما در مورد پوشیدن جوراب، احتیاط مستحب آن است که یک گوسفند به عنوان کفاره قربانی کند.

مسأله 176 - حکم مذکور (پوشیدن جوراب و کفش و مانند آن) مختص مردان است، اما احتیاط مستحب آن است که زنان نیز آن را مراعات کنند.

3 - پوشاندن سر برای مردان و پوشاندن صورت برای زنان

مسأله 177 - برای مرد محرم جایز نیست سر خود را با کلاه یا عمامه یا حوله و دستمال و مانند آن بپوشاند.

مسأله 178 - بنا بر احتیاط واجب، باید از گذاشتن هر چیز که موجب پوشیده شدن سر می‌گردد، مانند حنا و کف صابون، یا حمل اشیاء بر روی سر و مانند آن اجتناب کند.

مسأله 179 - گوش نیز بخشی از سر است و پوشاندن آن در حال احرام جایز نیست.

مسأله 180 - پوشاندن قسمتی از سر به نحوی که عرفاً مصداق پوشاندن سر باشد، - مانند گذاشتن کلاه کوچک در وسط سر - جایز نیست، اما در غیر این صورت، مانند گذاشتن قرآن و مانند آن بر روی سر و یا خشک کردن تدریجی بخشی از سر، اشکال ندارد، هر چند احوط آن است که از آن نیز اجتناب کند.

مسأله 181 - فرو بردن تمام سر در آب برای محرم جایز نیست، و بنا بر ظاهر، در این مسأله تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد؛ اما اگر تمام سر را در آب فرو برد، کفاره‌ای بر عهده‌اش نخواهد بود.

مسأله 182 - کفاره پوشاندن سر، بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند است.

مسأله 183 - اگر از روی فراموشی یا غفلت سر خود را بپوشاند، کفاره بر او واجب نمی‌شود.

مسأله 184 - پوشاندن صورت در حال احرام به گونه‌ای که متعارف زنان در حجاب از نامحرم یا خودداری از شناخته شدن است برای زنان جایز نیست. بنابراین پوشاندن بخشی از صورت به نحوی که پوشاندن صورت بر آن صدق کند، مانند پوشاندن گونه‌ها و بینی و دهان و چانه جهت حجاب یا شناخته نشدن، مانند پوشاندن تمام صورت است و جایز نمی‌باشد.

مسأله 185 - استفاده از ماسک برای پوشش بینی و دهان برای زنان در حال احرام مانع ندارد.

مسأله 186 - پوشاندن اطراف صورت از بالا یا پایین و یا دو طرف آن، به طوری که زنان هنگام پوشیدن مقنعه به نحو متعارف و یا هنگام پوشاندن سر در نماز انجام می‌دهند و پوشاندن صورت بر آن صدق نمی‌کند، اشکال ندارد، چه در نماز باشد و چه در حال دیگر.

مسأله 187 - پوشاندن صورت با بادبزن و مانند آن (کاغذ و روزنامه و...) برای زنان حرام است، اما گذاشتن دست‌ها بر روی صورت اشکال ندارد.

مسأله 188 - جایز است زن در حال احرام، چادر یا جامه‌ای را که بر سر انداخته طرف آن را بر روی صورت بیاویزد، به نحوی که بخشی از صورت و پیشانی‌اش را تا بالای بینی بپوشاند، اما احوط آن است که اگر مرد نامحرم او را نمی‌بیند، از این کار

اجتناب نماید.

مسأله 189 - در مسأله ی قبل، احوط آن است که پوشش مذکور با صورت تماس نداشته باشد.

مسأله 190 - پوشاندن صورت کفاره ندارد، هرچند احوط آن است که کفاره بدهد.

4 سایه بر سر قراردادن (برای مردان)

مسأله 191 - سایه بر بالای سر قراردادن در حال احرام و در حال حرکت (مانند رفتن از میقات به مکه و از مکه به عرفات و مانند آن) بر مردان جایز نیست، اما چنانچه در بین راه توقف کند، رفتن به زیر سایه بلا مانع است و زمانی که در مقصد به خانه یا رستوران وارد شود، اشکال ندارد. بنا بر این سفر کردن با اتوبوس مسقف جایز نیست، اما پس از رسیدن به مکه، قرار گرفتن در زیر سایه هنگام راه رفتن در منازل و رستوران‌ها و مانند آن اشکال ندارد.

مسأله 192 - احوط آن است که شخص محرم پس از رسیدن به مکه پیش از انجام مناسک عمره و همچنین در حال احرام در عرفات و منی، از قرار گرفتن در زیر سایه‌های متحرک مانند اتوبوس مسقف و چتر، اجتناب کند.

مسأله 193 - حکم مذکور در دو مسأله‌ی قبل، به طول روز اختصاص دارد و سوار شدن به اتوبوس مسقف در شب مانع ندارد، هرچند رعایت احتیاط در این باره مطلوب است.

مسأله 194 - احوط آن است که در شب‌های بارانی و سرد، از سوار شدن به اتوبوس مسقف و مانند آن اگر برای فرار از باران و سرما باشد اجتناب کند.

مسأله 195 - قرار گرفتن در سایه‌ی دیوار و درخت و مانند آنها و نیز عبور از زیر سقف‌های ثابت مانند پل و تونل، حتی در روز اشکال ندارد.

مسأله 196 - سایه بر سر قرار دادن فقط برای مرد حرام است و برای زنان اشکال ندارد.

مسأله 197 - کفاره‌ی رفتن به زیر سایه، یک گوسفند است.

مسأله 198 - اگر بر اثر بیماری و عذر، ناگزیر از رفتن به زیر سایه باشد، انجام آن برایش جایز است، اما باید یک گوسفند کفاره بدهد.

مسأله 199 - قرار گرفتن در زیر سایه، در هر احرام فقط یک کفاره دارد، هرچند به دفعات انجام شود. بنا بر این اگر در احرام عمره چندین بار به زیر سایه برود، بیش از یک کفاره بر او واجب نمی‌شود. در احرام حج نیز چنین است.

5- استعمال بوي خوش

مسأله 200 - استعمال انواع عطر مانند مشك و عود و گلاب و ديگر عطرهاي رايح، در حال احرام حرام است.

مسأله 201 - پوشيدن لباسي كه قبلا معطر شده، تا زماني كه از آن بوي خوش به مشام برسد، جايز نيست.

مسأله 202 - بنا بر احتياط، استعمال صابون و شامپوي معطر [در حال احرام] جايز نيست.

مسأله 203 - بنا بر احتياط واجب، بايد محرم از بوييدن هر چيز معطر اجتناب كند، هرچند به آن عطر اطلاق نشود، مانند گلها، سبزيجات و ميوههاي خوشبو.

مسأله 204 - خوردن غذايي كه در آن زعفران وجود دارد، براي محرم جايز نيست.

مسأله 205 - خوردن ميوههاي خوشبو مانند سيب و پرتقال و مانند آنها براي محرم اشكال ندارد، اما بنا بر احتياط واجب بايد از بوييدن آنها خودداري كند.

مسأله 206 - فرد محرم نبايد بيني خود را از بوي نامطبوع بگيرد، اما بيرون رفتن از محلي كه بوي نامطبوع دارد و يا عبور از آنجا اشكال ندارد.

مسأله 207 - احتياط واجب آن است كه براي استفاده ي عمدي از عطريات و بوي خوش، چه آنهايي كه در خوراك از آن استفاده مي شود مانند زعفران و چه غير آنها، يك گوسفند كفاره بدهد.

6. نگاه کردن در آینه

مسأله 208 - در حال احرام، نگاه کردن در آینه به قصد زینت حرام است، ولی نگاه کردن در آن بدون قصد زینت (مانند نگاه راننده در آینه‌ی خودرو) ، اشکال ندارد.

مسأله 209 - نگاه کردن در آب صاف یا در اجسام صیقلی که تصاویر در آن دیده می‌شود نیز همانند نگریستن در آینه است، که اگر برای زینت باشد، جایز نیست.

مسأله 210 - اگر در اتاقی که آینه در آن است سکونت دارد و می‌داند که سهواً چشمش به آن می‌افتد، ماندن در آن اتاق اشکال ندارد، اما بهتر است که آینه را بیرون ببرد یا روی آن را بپوشاند.

مسأله 211 - عینک زدن اگر برای زینت نباشد، اشکال ندارد.

مسأله 212 - در حال احرام تصویربرداری با دوربین عکاسی یا فیلم‌برداری اشکال ندارد.

مسأله 213 - نگاه کردن به آینه کفاره ندارد، اما احتیاط واجب آن است که پس از نگاه کردن در آن، لبیک بگوید.

7- انگشتر به دست کردن

مسأله 214 - احتیاط واجب آن است که فرد محرم از به دست کردن انگشتر - اگر زینت به شمار آید - اجتناب کند.

مسأله 215 - اگر انگشتر برای زینت نباشد و به نیت استحباب یا غرض دیگر آن را به دست کند، اشکال ندارد.

مسأله 216 - انگشتر به دست کردن در حال احرام کفاره ندارد.

8- استعمال حنا و رنگ مو

مسأله 217 - احتیاط واجب آن است که فرد محرم از استعمال حنا و رنگ کردن مو - اگر زینت به شمار آید - بلکه از هر چیزی که زینت محسوب می‌شود، اجتناب کند.

مسأله 218 - اگر پیش از احرام بر دست‌ها و پاها و ناخن‌های حنا گذاشته یا موهایش را رنگ کرده باشد و اثر آن تا زمان احرام باقی باشد، اشکال ندارد.

مسأله 219 - استعمال حنا و رنگ مو کفاره ندارد.

9- روغن مالیدن به بدن

مسأله 220 - روغن مالیدن به بدن و مو برای فرد محرم جایز نیست، خواه با روغن‌هایی باشد که برای زینت استعمال می‌شود یا با غیر آن، و خواه معطر باشد یا نباشد.

مسأله 221 - اگر بوی روغن‌های خوشبو تا زمان احرام باقی می‌ماند، پیش از احرام نیز استعمال آنها جایز نیست.

مسأله 222 - خوردن روغن و چربی در صورتی که بوی خوش نداشته باشد، اشکال ندارد.

مسأله 223 - اگر برای مداوا یا جلوگیری از تابش اشعه‌ی مضرّ خورشید یا عرق کردنی که موجب التهاب و سوزش بدن می‌شود، مجبور به استعمال روغن باشد، اشکال ندارد.

مسأله 224 - بنا بر احتیاط، کفاره‌ی مالیدن روغن خوشبو به بدن، یک گوسفند است، و در مورد روغن‌های غیر خوشبو، سیر کردن یک فقیر است، اگر چه بعید نیست در هر دو مورد واجب نباشد.

10- زایل کردن مو از بدن

مسأله 225 - در حال احرام، زایل نمودن موی هر قسمتی از سر و بدن حرام است و در حرمت زایل نمودن مو فرقی بین موی کم یا زیاد و بین کندن و تراشیدن نیست و تفاوتی ندارد که از بدن و سر خود مو زایل کند و یا از بدن و سر شخص دیگر.

مسأله 226 - اگر در حال وضو یا غسل یا تیمم، مویی بدون قصد کنده شود، اشکال ندارد.

مسأله 227 - اگر ناگزیر از ازاله‌ی مو باشد، مانند موی زیر پلک چشم که موجب آزار او شود و یا موی سر که باعث ایجاد سردرد باشد، ازاله‌ی آن اشکال ندارد.

مسأله 228 - اگر فرد محرم موی سر خود را از روی علم و عمد بتراشد، باید يك گوسفند کفاره بدهد، اما اگر از روی غفلت یا سهو و یا ندانستن مسأله باشد، کفاره ندارد.

مسأله 229 - اگر ناچار شود موی سر خود را بتراشد، کفاره‌ی آن دوازده مُدّ طعام است که به شش مسکین داده می‌شود، یا سه روز روزه و یا يك گوسفند.

مسأله 230 - اگر محرم موی سر خود را با قیچی یا ماشین کوتاه کند، بنا بر احتیاط واجب باید يك گوسفند کفاره بدهد.

مسأله 231 - اگر محرم دست به سر خود بکشد و يك مو یا بیشتر بیفتد، احتیاط مستحب آن است که به قدر يك مشت گندم یا آرد و مانند آن صدقه بدهد.

11- سرمه کشیدن

مسأله 232 - سرمه کشیدن اگر زینت محسوب شود، بر محرم جایز نیست، همچنین خط کشیدن به دور چشم‌ها که زنان انجام می‌دهند، جایز نمی‌باشد و در این مورد تفاوتی میان رنگ سیاه و دیگر رنگ‌ها وجود ندارد.

12- ناخن گرفتن

مسأله 233 - بر محرم حرام است ناخن دست یا پای خود را بگیرد، چه تمام آن را بگیرد و چه قسمتی از آن را، و تفاوتی ندارد که ناخن را ببرد یا کوتاه کند و یا بکند، چه با قیچی یا ناخن گیر یا چاقو باشد و یا با وسیله‌ی دیگر.

مسأله 234 - اگر ناچار شود ناخن خود را بگیرد - مانند زمانی که بخشی از ناخن جدا شود و قسمت باقی مانده موجب آزار شخص باشد - اشکال ندارد.

مسأله 235 - گرفتن ناخن افراد دیگر اشکال ندارد.

مسأله 236 - کفاره‌ی گرفتن ناخن بدین ترتیب است: اگر یک ناخن یا بیشتر را از دست یا پای خود بگیرد، برای هر ناخن باید یک مد طعام کفاره دهد. اگر تمام ناخن‌های دست یا پا را کوتاه کند، باید یک گوسفند کفاره دهد. اگر تمام ناخن‌های دست و پا را در یک نوبت کوتاه کند، باید یک گوسفند کفاره بدهد و اگر ناخن‌های دست را در یک نوبت و ناخن‌های پا را نیز در نوبت دیگر بگیرد، باید دو گوسفند کفاره دهد.

13- بیرون آوردن خون از بدن و کشیدن دندان

مسأله 237 - احتیاط واجب آن است که محرم کاری نکند که خون از بدن او بیرون بیاید.

مسأله 238 - تزریق آمپول در حال احرام مانع ندارد، اما اگر موجب بیرون آمدن خون از بدن شود، احتیاط واجب آن است که جز در موارد ضرورت، از آن اجتناب کند.

مسأله 239 - احتیاط واجب آن است که از کشیدن دندان - اگر موجب بیرون آمدن خون می شود - جز در موارد ضرورت و نیاز خودداری کند.

مسأله 240 - بیرون آوردن خون از بدن کفاره ندارد، اما مستحب است که يك گوسفند کفاره دهد.

14- فسوق

مسأله 241 - فسوق به معنای دروغ گفتن و ناسزا گفتن و فخر فروشی است، بنا بر این حرمت دروغ و ناسزا در حال احرام بیشتر است، اما فخر فروشی که در حالت معمول حرام نیست، در حال احرام حرام است.

مسأله 242 - فسوق، کفاره ندارد و فقط باید استغفار کند.

15- جدال

مسأله 243 - جدال کردن با دیگران اگر در بردارنده‌ی سوگند به خداوند باشد، برای محرم حرام است، مانند آن که در مقام منازعه، «لا والله» و «بلي والله» بگویند.

مسأله 244 - احتیاط واجب آن است که از قسم خوردن به نام‌هایی که ترجمه‌ی واژه‌ی الله به زبان‌های دیگر است - مانند کلمه‌ی خدا در زبان فارسی - اجتناب کند. همچنین بنا بر احتیاط واجب، باید از قسم خوردن به نام‌های دیگر خداوند مانند رحمن، رحیم، قادر، متعال و... در حال منازعه خودداری نماید.

مسأله 245 - قسم خوردن به دیگر مقدسات (به جز خداوند متعال) جزء محرمات احرام نیست.

مسأله 246 - اگر سوگند راست بر زبان آورد، در مرتبه‌ی اول و دوم فقط باید استغفار کند و کفاره‌ای بر عهده‌اش نیست، اما اگر بیش از دو بار چنین کند، باید يك گوسفند کفاره بدهد.

مسأله 247 - اگر سوگند دروغ یاد کند، در مرتبه‌ی اول و دوم باید يك گوسفند کفاره دهد، و احوط آن است که در مرتبه‌ی دوم، دو گوسفند بدهد، اما اگر بیش از دو بار چنین کند، در مرتبه‌های بعد باید يك گاو کفاره بدهد.

16- کشتن جانوران ساکن در بدن

مسأله 248 - بنا بر احوط، کشتن شپش بدن در حال احرام جایز نیست و در مورد دیگر انواع حشرات مانند كك نیز چنین است.

17- کندن گیاه و درخت حرم

مسأله 249 - قطع کردن و بریدن و شکستن درختان و گیاهان روییده در حرم، بر محرم و غیر محرم حرام است.

مسأله 250 - گیاهانی که بر اثر راه رفتن کنده می‌شوند و یا به عنوان علوفه‌ی حیوانات از آن استفاده می‌شود، از این حکم مستثنی است.

مسأله 251 - کندن گیاه و بوته‌های خشک حرم کفاره ندارد ولی واجب است استغفار کند، اما اگر درختی را که بریدن آن حرام است، ببرد، بنا بر احتیاط واجب باید یک گاو کفاره بدهد.

18- حمل سلاح

مسأله 252 - حمل سلاح براي محرم جايز نيست.

مسأله 253 - اگر براي حفظ جان خود و ديگران نياز به حمل سلاح داشته باشد، حمل آن جايز است.

19- شکار حیوانات صحرائی

مسأله 254 - شکار حیوان صحرائی در حال احرام حرام است، مگر آن که از آزار آن بیمناک باشد. شکار پرندگان و ملخ نیز حرام است.

مسأله 255 - خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است، چه آن را خودش شکار کرده باشد یا دیگری، و خواه شکار کننده محرم باشد یا نباشد.

مسأله 256 - صید حیوانات دریایی مانند ماهی و خوردن آن برای محرم اشکال ندارد.

مسأله 257 - ذبح و خوردن گوشت حیوانات اهلی مانند گوسفند و مرغ و مانند آنها برای محرم اشکال ندارد.

مسأله 258 - شکار کردن در محدوده‌ی حرم جایز نیست، خواه محرم باشد یا نباشد.

تذکر: احکام مربوط به شکار و کفاره‌ی آن بسیار مفصل است، اما از آنجا که در حال حاضر مورد ابتلا نیست، از بیان آن صرف نظر می‌کنیم.

20- آمیزش

مسأله 259 - در حال احرام، آمیزش جنسی و هرگونه لذت و تمتع از زن مانند بوسیدن، لمس کردن و نگاه همراه با شهوت حرام است.

مسأله 260 - نگاه کردن زن و شوهر به یکدیگر و نیز لمس کردن دست یکدیگر اگر از روی شهوت نباشد، اشکال ندارد.

مسأله 261 - محارم انسان مانند پدر و مادر و برادر و خواهر و عمو و عمه و مانند آنها، در حال احرام نیز به او محرم هستند و نظر به آنان بدون قصد ربه اشکال ندارد.

مسأله 262 - کفاره‌ی آمیزش با همسر، یک شتر است و در برخی موارد این کار موجب بطلان حج می‌شود که تفصیل آن در کتب فقهی بیان شده است.

مسأله 263 - هر یک از تمتعات دیگر نیز کفاره‌ای دارد که در کتب فقهی به تفصیل بیان شده است.

21- عقد کردن زن

مسأله 264 - بر مُحرم جایز نیست که در حال احرام زنی را برای خود یا دیگری عقد کند، هرچند آن شخص دیگر در حال احرام نباشد و چنین عقدي باطل است.

مسأله 265 - در حرمت اجرای عقد، تفاوتی میان عقد دائم و موقت وجود ندارد.

22_ استمنا

مسأله 266 - استمنا در حال احرام، حرام است و حکم آن همانند حکم جماع است، و مراد از آن انجام کاري است که موجب خروج مني شود.

احکام کفارات

مسأله 267 - اگر یکی از محرّمات احرام را سهواً و یا از روی غفلت مرتکب شود، کفاره بر او واجب نیست؛ جز در مورد شکار کردن که در هر حال کفاره دارد.

مسأله 268 - محل ذبح کفاره ی صید در عمره، مکه ی مکرمه، و در حج، مینا است. و احتیاط آن است که در کفارات دیگر نیز به همین صورت عمل کند، اما اگر در مکه ی مکرمه یا در مینا ذبح نکند و پس از بازگشت از حج، در وطن خود یا در مکان دیگر ذبح نماید، کفایت می کند.

مسأله 269 - کسی که کفاره بر او واجب شده، نباید از گوشت آن بخورد، اما خوردن گوشت قربانی واجب یا مستحب و یا نذری اشکال ندارد.

مسأله 270 - کفاره ی محرّمات احرام باید به فقرا داده شود.

آداب بعد از احرام

حرکت به سوی مکه ی مکرمه

مسأله 271 - پس از محرم شدن در میقات، حجاج برای انجام سایر اعمال عمره، به سوی مکه حرکت می کنند.

مسأله 272 - پیش از ورود به شهر مکه، محدوده ی حرم آغاز می شود و ورود به حرم و نیز ورود به مکه و مسجد الحرام، ادعیه و آداب فراوان دارد که برخی از آنها را در اینجا ذکر می کنیم. کسی که بخواهد به سایر اعمال و مستحبات عمل کند، به کتب مفصلی که در این باره وجود دارد، مراجعه نماید.

دعای ورود به محدوده ی حرم

مسأله 273 - مستحب است هنگام ورود به محدوده ی حرم این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: (وَأُدْنُ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رَجَالًا وَعَلِيَّ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ) . اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَفَجٍّ عَمِيقٍ، سَامِعاً لِنِدَائِكَ، وَ مُسْتَجِيباً لَكَ، مُطِيعاً لِأَمْرِكَ وَ كُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا وَقَفْتَنِي لَهُ، أُبْتَغِي بِذَلِكَ الرَّثْمَةَ عِنْدَكَ، وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ، وَالْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ، وَالْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِي، وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ حَرِّمْ بَدَنِي عَلَيَّ النَّارِ، وَ آمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ وَ عِقَابِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

مستحبات ورود به مسجد الحرام

- مسأله 274 - مستحبات ورود به مسجدالحرام عبارتند از:
- 1- غسل کردن برای ورود به مسجدالحرام.
 - 2- خواندن ادعیه ی مخصوص ورود به مسجد الحرام.

فصل سوم: طواف و نماز آن

مسأله 275 - دومین عمل واجب عمره، طواف است. کسی که به قصد عمره ی تمتع احرام می بندد و برای انجام سایر اعمال عمره وارد مکه ی مکرمه می شود، اولین عملی که باید انجام دهد هفت دور طواف دور کعبه ی معظمه است.

شرایط طواف

مسئله 276 - شرایط صحت طواف چند چیز است:

- 1- نیت
- 2- طهارت از حدث اکبر و اصغر
- 3- طهارت از نجاست
- 4- ختنه بودن برای مردان
- 5- پوشاندن عورت
- 6- غصبی نبودن جامه ی طواف
- 7- موالات

شرط اول - نیت

مسئله 277 - نیت یعنی باید طواف عمره یا حج را به قصد «قریة الی الله» به جا آورد. بنا بر این اگر طواف را - حتی در بعضی از شوطها - بدون نیت انجام دهد، مُجزی نیست.

مسئله 278 - در نیت، قصد قربت و اخلاص برای خداوند تعالی شرط است. بنابراین باید عمل را به قصد اطاعت امر الهی انجام دهد، و اگر آن را به قصد ریا به جا آورد، معصیت کرده و عمل او باطل است.

مسئله 279 - در نیت طواف باید تعیین کند که طواف عمره ی مفرده است یا طواف عمره ی تمتع. طواف حجة الاسلام است یا حج نذری یا حج استحبابی. و در صورتی که طواف را به نیابت از دیگری به جا می آورد، آن را نیز قصد کند.

مسئله 280 - لازم نیست نیت طواف را بر زبان جاری کند و یا از دل بگذراند، بلکه همین اندازه که قصد انجام عمل را دارد کافی است.

مسئله 281 - شایسته است که در حال طواف، همواره خشوع و حضور قلب داشته و به ذکر خدا مشغول باشد و ادعیه ی وارده را قرائت کند.

شرط دوم - طهارت از حدث اکبر و اصغر

مسئله 282 - در همه ی اقسام طواف واجب باید طواف کننده از جنابت و حیض و نفاس پاک باشد و وضو هم داشته باشد. تذکر: طواف واجب، طوافی است که بخشی از اعمال عمره و حج به شمار می آید، بنا بر این طواف حج و عمره ی مستحبی نیز طواف واجب محسوب می شوند.

مسئله 283 - اگر شخصی که حدث اکبر یا اصغر از او سر زده، طواف واجب به جا آورد، طواف او باطل است و باید طواف و نماز آن را تکرار کند، هرچند از روی ناآگاهی یا فراموشی باشد و یا بعد از اتمام اعمال عمره یا حج متوجه عدم طهارت خود شده باشد.

مسئله 284 - طهارت از حدث اصغر در طواف مستحب شرط نیست، ولی برای نماز آن باید طهارت داشته باشد. لیکن کسی که جنب یا حیض یا در حال نفاس است علاوه بر آنکه دخول در مسجد الحرام بر او حرام است، طواف او بنا بر احتیاط واجب صحیح نیست.

تذکر: طواف مستحب، طوافی است که جدا از اعمال عمره و حج انجام می شود، خواه به نیت خود، آن را به جا آورد و یا به نیابت از دیگران؛ و این عمل از مستحبات مکه ی مکرمه است و مستحب است که هرچه بتواند، طواف کند و این عمل موجب اجر و پاداش خواهد بود.

مسئله 285 - اگر هنگام طواف کردن حدث اصغر عارض شود، دو حالت دارد:

1- در صورتی که حدث اصغر پیش از تمام شدن نصف دور چهارم، یعنی قبل از رسیدن به مقابل رکن سوم کعبه عارض شود، واجب است طواف را قطع کند و بعد از طهارت آن را اعاده نماید.

2- در صورتی که بعد از نصف دور چهارم عارض شود، باید طواف را قطع کند و بعد از طهارت، آن را از همان جا ادامه دهد، به شرطی که موالات عرفی به هم نخورد، اما اگر موالات عرفی از بین رفته باشد، باید پس از وضو، بنا بر احتیاط طواف قبلی را به نیت اتمام، کامل کند و یک طواف کامل جدید نیز به جا آورد؛ و می تواند به جای آن یک طواف کامل به قصد اتمام طواف ناقص گذشته یا طواف مستقل جدید به جا آورد، همچنین می تواند آن طواف را به طور کلی رها کرده و بعد از طهارت، طواف را دوباره از سر بگیرد.

مسئله 286- اگر در اثنای طواف حدث اکبر بر او عارض شود، واجب است فوراً از مسجدالحرام خارج گردد. در این صورت اگر پیش از اتمام نصف دور چهارم باشد، طواف او باطل است و باید آن را بعد از غسل اعاده کند. و اگر بعد از اتمام نصف دور چهارم باشد، باید بعد از غسل طواف را از همان جا که قطع کرده تمام کند، مشروط بر اینکه مؤالات عرفی به هم نخورده باشد. و اگر مؤالات عرفی از بین رفته باشد، احوط آن است که همان طواف را تمام کرده و دوباره آن را انجام دهد. و همچنین می تواند یک طواف کامل به قصد اعم از اتمام و تمام به جا آورد، و نیز می تواند طواف قبلی را رها کند و بعد از غسل، طواف جدیدی انجام دهد.

مسئله 287- کسی که از وضو گرفتن و غسل کردن معذور است، باید به جای وضو و غسل تیمم کند.

مسئله 288- اگر به سبب عذر نتواند وضو بگیرد یا اگر غسل بر او واجب است نتواند غسل کند، چنانچه بداند تا پیش از پایان وقت طواف عذرش برطرف می شود؛ مانند بیماری که بداند تا پایان فرصت بهبود می یابد باید تا هنگام برطرف شدن عذر صبر کند و سپس وضو بگیرد یا غسل کند؛ و احوط آن است که اگر امید دارد که عذرش از وضو یا غسل مرتفع شود صبر کند تا وقت تنگ شود، یا از برطرف شدن عذر خود مأیوس گردد و آن گاه تیمم کند و طواف به جا آورد.

مسئله 289- کسی که وظیفه او تیمم یا وضوی جبیره است، اگر بر اثر جهل به حکم، طواف یا نماز طواف را بدون طهارت انجام دهد، واجب است در صورت امکان خودش آنها را اعاده نماید و اگر ممکن نیست، نایب بگیرد.

مسئله 290- اگر زن بعد از مُحرم شدن برای عمره مفرده، حیاض شود و نتواند منتظر بماند تا از حیض پاک شود و غسل کند و اعمال عمره ی مفرده را به جا آورد، باید برای طواف و نماز آن نایب بگیرد، ولی سعی و تقصیر را خودش انجام دهد، و با انجام این اعمال از احرام خارج می شود. و چنانچه با حالت حیض محرم شده باشد نیز همین حکم را دارد، ولی اگر زن در حال حیض محرم به عمره ی تمتع شد، یا بعد از احرام عمره ی تمتع حیض شد، و متمکن از منتظر ماندن تا پاک شدن و انجام طواف عمره و نماز آن نباشد، برای او حکم دیگری است که در سابق (1) گفته شد.

مسئله 291- در اعمال عمره، داشتن وضو فقط برای به جا آوردن طواف و نماز آن واجب است و برای انجام اعمال دیگر عمره، لازم نیست وضو داشته باشد، هرچند داشتن وضو در همه حال افضل است.

مسئله 292- اگر شک کند که طهارت دارد، وظیفه اش در حالات مختلف بدین ترتیب است:

- 1 - اگر پیش از شروع طواف شک کند که وضو دارد یا نه، باید وضو بگیرد.
- 2 - اگر قبلاً غسل بر او واجب بوده و پیش از شروع طواف شک کند که غسل کرده یا نه، باید غسل کند.
- 3 - اگر وضو داشته و شک دارد که وضویش باطل شده یا نه، لازم نیست وضو بگیرد.
- 4 - اگر قبلاً از جنابت پاک بوده و شک کند که جنب شده یا نه؛ یا زن شک کند که حیض شده یا نه، غسل بر آنان واجب نیست.
- 5 - اگر کسی بعد از تمام شدن طواف و پیش از بجا آوردن نماز آن شک کند که طهارت داشته یا خیر، نسبت به طواف به شک خود اعتنا نکند، ولی برای نماز طواف باید طهارت تحصیل کند.
- 6 - اگر طواف را در حال طهارت آغاز کند و سپس در حین طواف شک کند که حدث از او سر زده و وضویش باطل شده یا نه، به شک خود اعتنا نکند و بنا را بر طهارت بگذارد.
- 7 - اگر کسی در هنگام طواف شک کند که در هنگام شروع طواف، وضو داشته یا خیر، اگر پیش از آن وضو داشته، بنا را بر آن بگذارد و به شک خود اعتنا نکند و طوافش صحیح است. اما اگر وضو نداشته یا شک دارد که وضو داشته یا نه، باید تحصیل طهارت نموده و طواف را اعاده کند.
- 8 - اگر غسل بر او واجب بوده و هنگام طواف شک کند که غسل کرده یا نه، باید فوراً از مسجد خارج شود و غسل کند و سپس طواف را اعاده نماید.

شرط سوم - پاک بودن بدن و لباس از نجاست

مسئله 293- در حال طواف باید بدن و لباس از خون پاک باشند و بنا بر احتیاط واجب، باید از سایر نجاسات نیز پاک باشند، اما پاک بودن جوراب و دستمال و انگشتر و مانند آنها شرط نیست.

مسئله 294- خونی که از یک درهم کمتر باشد؛ و نیز خون جراحت ها و زخم ها که موجب بطلان نماز نمی شود، به صحت طواف نیز خللی وارد نمی کند.

مسئله 295- اگر بدنش نجس باشد و بتواند طواف را به تأخیر اندازد تا بدن را از نجاست تطهیر کند، باید چنین کند، البته تا هنگامی که وقت تنگ نشود.

مسئله 296- اگر در پاک بودن بدن یا لباس خود شک کند، طواف در آن حال جایز و صحیح است، اما اگر بداند که بدن یا لباسش قبلاً نجس بوده و شک کند که آنها را تطهیر کرده یا نه، طواف کردن با آنها جایز نیست.

مسئله 297- اگر پس از پایان طواف بفهمد بدن یا لباسش نجس بوده، طوافش صحیح است.

مسئله 298- اگر در حین طواف، نجاستی به بدن یا لباس او عارض شود، مثلاً بر اثر ازدحام، جراحی در پایش پدید آید، چنانچه بدون قطع طواف نتواند آن را تطهیر کند، واجب است طواف را قطع کند و بدن یا لباسش را تطهیر کند و بلافاصله بازگردد و اگر موالات از بین نرفته طواف را از جایی که قطع کرده، ادامه دهد و طوافش صحیح است.

مسئله 299- اگر در حال طواف، در بدن یا لباس خود نجاستی ببیند و نداند که آیا پیش از شروع طواف وجود داشته یا در حین طواف پدید آمده، باید مانند مسئله ی قبل عمل کند.

مسئله 300- اگر در حال طواف دریابد که بدن یا لباسش نجس است و یقین کند آن نجاست پیش از شروع طواف وجود داشته، همانند مسئله ی قبل (298) عمل کند.

مسئله 301- اگر کسی نجاست بدن یا لباسش را فراموش کند و در حین طواف به یاد آورد، حکم او همانند مسئله ی قبل (298) است.

مسئله 302- اگر کسی نجاست بدن یا لباسش را فراموش کند و با همان حال طواف کند و بعد از انجام طواف به یاد بیاورد، طوافش صحیح است، اما اگر نماز طواف را نیز با همان بدن یا لباس نجس به جا آورده، باید نماز را پس از تطهیر اعاده نماید؛ و احتیاط مستحب آن است که پس از تطهیر، طواف را نیز تکرار کند.

[شرط چهارم - ختنه بودن](#)

مسئله 303- ختنه بودن شرط صحت طواف مردان است و برای زنان شرط نیست. بنابراین طواف مردی که ختنه نشده، باطل است؛ چه بالغ باشد و چه غیر بالغ.

[شرط پنجم - پوشاندن عورت](#)

مسئله 304- بنا بر احتیاط واجب، پوشاندن عورت در طواف شرط است.

مسئله 305- اگر زن هنگام طواف مقداری از موهای سر یا جاهای دیگر بدن خود را که باید پوشیده باشد نپوشاند، طواف او صحیح است، اگر چه مرتکب گناه شده است.

[شرط ششم - غصبی نبودن جامه ی طواف](#)

مسئله 306- از شرایط صحت طواف آن است که جامه اش غصبی نباشد، پس اگر با لباس غصبی طواف کند، بنا بر احتیاط واجب طوافش باطل است.

[شرط هفتم - موالات در طواف](#)

مسئله 307- بنا بر احتیاط واجب، باید میان اجزای طواف، موالات عرفی وجود داشته باشد، یعنی میان دوره‌های طواف به اندازه ای فاصله نباشد که آن را از شکل طواف واحد خارج کند، البته اگر بعد از نصف طواف (سه و نیم دور)، آن را برای اقامه ی نماز و مانند آن قطع کند، اشکال ندارد.

مسئله 308- اگر طواف واجب را پس از انجام نیمی از طواف برای اقامه ی نماز واجب قطع کند، پس از نماز ادامه ی آن را انجام داده و هفت دور را کامل می کند، و اگر پیش از اتمام نصف طواف چنین کند، در صورتی که فاصله ی زیادی ایجاد شود، احتیاط آن است که طواف را از ابتدا انجام دهد، ولی اگر فاصله ی زیاد حاصل نشده باشد، عدم وجوب رعایت احتیاط در این مورد، بعید نیست، اما رعایت احتیاط در هر حال پسندیده است. در این مورد، تفاوتی ندارد که نماز جماعت باشد یا فردی؛ و وقت نماز تنگ باشد یا نباشد.

مسئله 309- قطع طواف مستحبی و حتی طواف واجب، جایز است؛ هرچند احوط آن است که طواف واجب را به اندازه ای که عرفاً موالات از میان برود، قطع نکند.

(1). مسئله 21.

واجبات طواف

مسأله 310- واجبات طواف هفت چیز است:

- اول: شروع کردن طواف از حَجْرالاسود
- دوم: پایان دادن هر دور از طواف به حَجْرالاسود
- سوم: طواف کردن از سمت چپ
- چهارم: طواف کردن از بیرون حَجْر اسماعیل (علیه السلام)
- پنجم: بیرون بودن طواف از کعبه معظمه و شاذروان
- ششم: بنا بر مشهور واقع شدن طواف در فاصله میان کعبه معظمه و مقام ابراهیم (علیه السلام)
- هفتم: هفت دور بودن طواف

مسأله 311- واجب است طواف را از حَجْرالاسود آغاز کند، به گونه ای که شروع طواف از مُحاذات حَجْر باشد، اما لازم نیست که از ابتدای حَجْر آغاز کند و تمام بدنش از برابر همه ی قسمت های حَجْرالاسود عبور کند، بلکه همین که عرفاً، شروع از ابتدای حَجْر صدق کند، کافی است، بنا بر این می تواند طواف را از مُحاذات هر نقطه از آن آغاز کند، اما باید طواف را در همان نقطه که آغاز کرده، پایان دهد، مثلاً اگر از وسط حَجْرالاسود آغاز کرده، باید به وسط نیز ختم کند؛ و مانعی ندارد از باب احتیاط اندکی زودتر وارد مسیر طواف شود، با این نیت که طواف او از مقابل حَجْرالاسود باشد.

مسأله 312- واجب نیست در پایان هر دور، مقابل حَجْرالاسود بایستد و سپس دور بعدی را آغاز کند، بلکه همین که هفت دور را بدون توقف طی کند و دور هفتم را در نقطه ای که آغاز کرده، پایان دهد، کفایت می کند، و البته می تواند اندکی بیش از این مقدار با نیت احتیاط طی نماید تا یقین کند که در همان نقطه ی آغاز، طواف را پایان داده است.

مسأله 313- در طواف باید مثل همه ی مسلمانان که طواف می کنند، بدون دقت های وسواس گونه، از مقابل حَجْرالاسود طواف را آغاز کند و لازم نیست در هر دور، مقابل حَجْرالاسود بایستد.

مسأله 314- واجب است طواف کردن از سمت چپ، به گونه ای که هنگام طواف، کعبه در سمت چپ او باشد و مراد از آن، تعیین جهت حرکت است.

مسأله 315- معیار آن که کعبه در سمت چپ قرار گیرد، مصداق عرفی آن است، نه معیار دقیق عقلی، پس اگر هنگام عبور از حَجْر اسماعیل (علیه السلام) و چهار گوشه کعبه، اندکی منحرف شود، طواف او صحیح است و نیازی نیست در چنین حالتی شانه های خود را کج کند تا کعبه در سمت چپ او قرار گیرد.

مسأله 316- اگر بخشی از مسیر طواف را بر خلاف حالت متعارف طی کند، مثلاً برای بوسیدن کعبه در هنگام طواف، به سوی آن رو کند، یا بر اثر ازدحام جمعیت، ناخواسته رو یا پشت به سوی آن کند و یا کعبه را در سمت راست خود قرار دهد، طوافش صحیح نیست و باید مقداری را که در این حالت طی کرده اعاده نماید.

مسأله 317- واجب است طواف کردن از بیرون حَجْر اسماعیل (علیه السلام)، به گونه ای که هنگام طواف، حَجْر اسماعیل در داخل دایره ی طواف قرار گیرد.

مسأله 318- اگر از داخل حَجْر اسماعیل (علیه السلام) طواف کند و یا از روی دیوار آن بگذرد، طوافش باطل است و باید آن را اعاده کند، و اگر در یکی از دوره های طواف از داخل حَجْر بگذرد، فقط همان دور باطل است.

مسأله 319- اگر عمدتاً از داخل حَجْر طواف کند، همانند کسی است که طواف را عمدتاً ترک کرده است؛ و اگر سهواً طواف را از داخل حَجْر اسماعیل انجام داده، مثل کسی است که طواف را سهواً ترک کرده، که احکام آن خواهد آمد.

مسأله 320- واجب است خارج از کعبه ی معظمه و بیرون از پایه های دیواره ی کعبه که به آن شاذروان می گویند، طواف کند.

مسئله 321- دست گذاردن بر دیوار حجر اسماعیل (علیه السلام) و دیوار کعبه در هنگام طواف مانعی ندارد.

مسئله 322- بنا بر مشهور، طواف باید در فاصله ی میان کعبه و مقام ابراهیم (علیه السلام) ؛ و در جهت های دیگر نیز در همین فاصله انجام شود، اما اقوی آن است که طواف کردن در این فاصله شرط نیست و می تواند در خارج از این فاصله و در سایر بخش های مسجدالحرام نیز طواف کند، به ویژه هنگامی که ازدحام شدید مانع از طواف در آن فاصله باشد، البته بهتر است در صورت عدم ازدحام، در فاصله ی مذکور طواف کند.

مسئله 323- بعید نیست که طواف کردن در فضای واقع میان زمین مسجدالحرام تا مُحاذات دیوار کعبه ی معظمه به نحوی که صدق کند دور کعبه طواف کرده، صحیح باشد، هر چند خلاف احتیاط است.

مسئله 324- هرگاه به هر جهت نتواند در صحن مسجدالحرام طواف کند، و ناچار باشد طواف را در طبقه ی دوم انجام دهد، به احتیاط واجب باید چنین شخصی خودش در طبقه ی دوم طواف کند و کسی را هم نایب بگیرد که برای او در صحن مسجد طواف کند، و نماز را هم خودش در طبقه ی دوم، و نایبش در صحن مسجد بخواند، و اگر خودش بتواند در صحن مسجد نماز بخواند همان نماز او کفایت می کند.

مسئله 325- واجب است که هفت دور طواف کند.

[مسائلی پیرامون ترک طواف و شک در طواف](#)

مسئله 326- طواف از ارکان عمره است و اگر عمداً تا زمان از دست رفتن فرصت ترک کند، عمره اش باطل می شود و تفاوتی ندارد که از حکم این مسئله آگاه باشد یا نباشد.

مسئله 327- لازم نیست به محض ورود به مکه، طواف را به جا آورد، بلکه می تواند تا زمانی که وقت وقوف اختیاری در عرفات تنگ نشده، آن را به تأخیر اندازد. (زمان وقوف اختیاری در عرفات از ظهر روز نهم ذی حجه تا غروب شرعی است.) به گونه ای که بتواند پس از انجام طواف و اعمال پس از آن، و احرام برای حج وقوف در عرفات را درک کند.

مسئله 328- اگر عمره ی شخص باطل شود - مانند حالتی که ذکر شد و حالت های دیگری که بیان خواهیم کرد - بنا بر احتیاط، باید حج خود را از تمتع به حج افراد تبدیل کند و بعد از آن عمره ی مفرده به جا آورد و سپس در سال بعد، عمره و حج تمتع را اگر بر او واجب بوده به جا آورد.

مسئله 329- اگر طواف را فراموش کند و پیش از فوت وقت به یاد آورد، باید طواف و نماز طواف را به جا آورد و سپس سعی انجام دهد.

مسئله 330- اگر طواف را فراموش کند و بعد از فوت وقت به یاد آورد، باید در هر فرصت ممکن قضای طواف و نماز را به جا آورد، اما اگر پس از بازگشت به وطن خود آن را به یاد آورد، اگر بتواند بدون مشقت و دشواری باز گردد، واجب است که چنین کند، در غیر این صورت باید نایب بگیرد، اما پس از قضای طواف و نماز طواف، به جا آوردن سعی واجب نیست.

مسئله 331- کسی که عمداً یا از روی فراموشی طواف را ترک کند و نیز کسی که سهواً بخشی از طواف را انجام نداده باشد، تا زمانی که خود یا نایبش طواف را به جا نیاورده، چیزهایی که حلال شدنش مشروط به انجام طواف بوده بر او حلال نمی گردد.

مسئله 332- کسی که بر اثر بیماری یا شکستگی و مانند آن، حتی با کمک دیگران نتواند پیش از فوت وقت طواف کند، باید در صورت امکان او را در حال حمل طواف دهند و در غیر این صورت باید نایب بگیرد.

مسئله 333- اگر پس از انجام طواف و بازگشتن - یعنی خارج شدن از مطاف - در تعداد دورهای طواف شک نماید، نباید به شک خود اعتنا کند، بلکه بنا را بر صحت بگذارد، ولی اگر در اثنای طواف، در تعداد اشواطی که انجام داده شک کند، و نداند که در دور هفتم یا کمتر است، طوافش باطل است و باید اعاده کند.

نماز طواف

مسأله 334- سومین واجب از واجبات عمره، نماز طواف است.

مسأله 335- واجب است بعد از طواف، دو رکعت نماز به جا آورد، و می تواند آن را به صدای بلند (جهر) یا آهسته (إخفات) بخواند، و لازم است که همانند طواف، در نیت، نوع آن را ذکر کند و آن را با اخلاص و قصد قربت به جا آورد.

مسأله 336- نباید میان طواف و نماز آن فاصله ایجاد شود، و معیار تشخیص ایجاد فاصله یا عدم آن عرف است.

مسأله 337- نماز طواف مانند نماز صبح است و می تواند در آن، بعد از حمد هر یک از سوره های قرآن (به جز چهار سوره ی دارای سجده ی واجب) را قرائت کند و مستحب است که در رکعت اول پس از حمد، سوره ی توحید ؛ و در رکعت دوم سوره ی کافرون را بخواند.

مسأله 338- واجب است نماز طواف پشت مقام ابراهیم و در صورت عدم ایجاد زحمت برای دیگران نزدیک به مقام اقامه شود ؛ و در صورتی که این امر میسر نشود، می تواند آن را در مسجدالحرام، پشت مقام و با فاصله از آن، به جا آورد.

مسأله 339- اگر نماز طواف را عمدتاً ترک کند تا وقت تدارک آن بگذرد، حش باطل است، اما اگر سهواً ترک نماید، پس اگر پیش از خروج از مکه به یاد آورد و برگشت به مسجد الحرام برای او حرجی نباشد، باید [برای انجام نماز طواف] برگردد به مسجد الحرام و اگر پس از خروج از مکه ی مکرمه بیادش آمد که نماز طواف را نخوانده است، باید آن را در همان محلی که به یاد آورده بخواند.

مسأله 340- در مسأله ی قبل، کسی که مسأله را نمی داند، چه قاصر باشد و چه مقصر، در حکم کسی است که آن را فراموش کرده باشد.

مسأله 341- اگر در هنگام سعی بین صفا و مروه به یاد آورد که نماز طواف را فراموش کرده، باید سعی را قطع کند و نماز را در محل آن به جا آورد، سپس باز گردد و سعی را از همان جایی که قطع کرده بود، ادامه دهد.

مسأله 342- اگر مرد و زن در کنار هم نماز طواف به جا آورند، و یا زن جلوتر باشد نماز آنها صحیح است.

مسأله 343- جایز بودن اقامه ی نماز طواف به جماعت معلوم نیست.

مسأله 344- بر هر فرد مکلف، به ویژه کسی که می خواهد حج به جا آورد، لازم است نماز صحیح را فرا گیرد تا تکلیف خود را به درستی به انجام رساند.

فصل چهارم: سعی بین صفا و مروه

مسأله 345 - چهارمین واجب از واجبات عمره، سعی است.

مسأله 346 - واجب است پس از طواف و خواندن دو رکعت نماز طواف، میان صفا و مروه سعی کند. سعی عبارت است از راه پیمودن میان آن دو، به گونه‌ای که دور اول را از صفا شروع کند و در مروه پایان دهد و دور دوم را از مروه تا صفا طی کند و به همین صورت هفت دور را بپیماید و در مروه به پایان برد، بنا بر این آغاز سعی از مروه و پایان دادن آن در صفا صحیح نیست.

مسأله 347 - برای انجام سعی باید نیت کند. در نیت سعی نیز مانند نیت احرام، باید نوع عمل تعیین شود و با قصد قربت و اخلاص همراه باشد.

مسأله 348 - برای انجام سعی، داشتن وضو و طهارت از جنابت و حیض لازم نیست.

مسأله 349 - سعی باید پس از طواف و نماز آن انجام شود و انجام آن پیش از طواف صحیح نیست.

مسأله 350 - به تأخیر انداختن سعی پس از طواف و نماز طواف تا روز بعد از آن جایز نیست، اما تأخیر در انجام آن تا شب همان روز مانعی ندارد.

مسأله 351 - در هر دور، باید تمام فاصله‌ی میان صفا و مروه را بپیماید، اما بالا رفتن از بلندی صفا و مروه لازم نیست.

مسأله 352 - در زمان انجام سعی، هنگام رفتن به سوی مروه باید رو به سوی مروه ؛ و در هنگام رفتن به سوی صفا باید رو به سوی آن داشته باشد و اگر در حال رفتن به طرف صفا یا مروه پشت به آن کرده، عقب عقب برود، سعی او صحیح نیست، اما گرداندن صورت به چپ یا راست یا به پشت سر مانعی ندارد.

مسأله 353 - سعی باید در مسیر متعارف آن انجام شود.

مسأله 354 - انجام سعی در طبقه‌ی دوم مَسعی صحیح نیست، مگر آنکه برایش محرز باشد که طبقه‌ی دوم، میان دو کوه واقع است نه بالاتر از آن، و کسی که نمی‌تواند در طبقه‌ی همکف سعی کند، باید برای خود نایب بگیرد، و سعی او در طبقه‌ی دوم صحیح و مجزی نیست.

مسأله 355 - در هنگام انجام سعی، نشستن و خوابیدن در فاصله‌ی میان صفا و مروه برای استراحت، حتی بدون عذر، جایز است.

مسأله 356 - در صورت توانایی، هرکس باید سعی را شخصاً انجام دهد و انجام سعی به صورت پیاده یا سواره اشکال ندارد، ولی پیاده راه رفتن افضل است، و اگر راه رفتن بر وی متعذر باشد، باید از دیگران کمک بگیرد تا او را با کول کردن یا به نحو

دیگر سعی دهند، و اگر آن هم برایش متعذر بود، باید نایب بگیرد.

مسائل متفرقه ی سعی

مسأله 357- سعی نیز همانند طواف، رکن است و حکم ترک آن، عمد¹ یا سهواً، همانند ترک طواف است که پیش تر بدان اشاره شد.

مسأله 358- اگر سعی را فراموش کند و از احرام عمره خارج شود و با همسر خود آمیزش کند، باید علاوه بر قضای سعی، بنا بر احتیاط واجب یک گاو کفاره بدهد.

مسأله 359- اگر به خاطر فراموشی یک دور یا بیشتر بر سعی بیفزاید، سعی او صحیح است و کفاره ای بر او نیست و کسی که مسأله را نمی داند، در حکم کسی است که آن را فراموش کرده باشد.

مسأله 360- اگر هفت دور اضافه سعی به جا آورد - بدین معنا که گمان کند هر رفت و برگشت، یک دور به حساب می آید - سعی او صحیح است و نیازی به تکرار آن نیست. همچنین اگر در حال سعی، به یاد آورد که بیش از هفت شوط سعی انجام داده، سعی او صحیح است، ولی باید از زمان یادآوری، بقیه ی مقدار اضافه را ادامه ندهد.

مسأله 361- اگر کسی سهواً سعی را ناقص به جا آورد، پس از به یاد آوردن باید آن را به اتمام برساند، و اگر پس از بازگشت به وطن به یاد آورد، واجب است برای اتمام آن به مکه بازگردد، اما اگر در این کار عسر و حرجی باشد، می تواند نایب بگیرد.

فصل پنجم: تقصیر

مسأله 362- پنجمین واجب از واجبات عمره، تقصیر است.

مسأله 363- واجب است پس از انجام سعی، تقصیر کند یعنی اندکی از موی سر یا ریش یا سبیل؛ یا کمی از ناخن دست یا پای خود را کوتاه کند.

مسأله 364- تقصیر همانند دیگر اعمال عمره از عبادات است و باید برای آن نیت کند، به گونه ای که در مورد نیت احرام بیان شد.

مسأله 365- حلق (تراشیدن سر) برای خارج شدن از احرام عمره تمتع کافی نیست و برای خروج از احرام عمره تمتع، حتماً باید تقصیر کند. بلکه اگر پیش از تقصیر، سر خود را عمدتاً و با علم به مسأله بتراشد، علاوه بر آنکه مجزی نیست باید یک گوسفند هم کفاره دهد. اما اگر برای عمره ی مفرده مُحرم شده باشد، می تواند بین تقصیر یا حلق، یکی را برگزیند.

مسأله 366- برای خارج شدن از احرام عمره ی تمتع، کندن مو کافی نیست، بلکه باید به نحوی که گفته شد، تقصیر کند و اگر به جای تقصیر، موی خود را عمدتاً و با علم به مسأله بکند، علاوه بر آنکه مجزی نیست باید کفاره ی ازاله ی مو را هم بدهد.

مسأله 367- اگر به علت ندانستن مسأله، به جای تقصیر، موی خود را بکند، سپس حج به جا آورد، عمره اش باطل است و حجی که به جا آورده، حج افراد خواهد بود. در این صورت اگر حج واجب بر عهده اش بوده، بنا بر احتیاط واجب باید بعد از انجام مناسک حج، عمره ی مفرده به جا آورد، و در سال بعد، عمره ی تمتع و حج را اعاده کند. حکم کسی که به علت ناآگاهی از مسأله به جای تقصیر، حلق کرده و سپس حج به جا آورده باشد نیز چنین است.

مسأله 368- لازم نیست بلافاصله پس از سعی، تقصیر کند.

مسأله 369- اگر عمدتاً یا به سبب ندانستن مسأله، تقصیر نکند و بدون آن برای حج مُحرم شود، بنا بر اقوی عمره اش باطل است و حج او به حج افراد تبدیل می شود، و بنا بر احتیاط واجب باید پس از حج، عمره ی مفرده به جا آورد، و اگر حج او حج واجب بوده باید در سال بعد، عمره و حج به جا آورد.

مسأله 370- اگر سهواً تقصیر نکند و برای حج مُحرم شود، احرامش صحیح است و عمره و حج او نیز صحیح خواهد بود و کفاره ای بر او واجب نیست، البته مستحب است که یک گوسفند کفاره دهد، بلکه احوط آن است که دادن کفاره را ترک نکند.

مسأله 371- پس از تقصیر و خارج شدن از احرام عمره ی تمتع، همه ی مُحرمات احرام، حتی زن بر او حلال می گردد.

مسأله 372- در عمره ی تمتع، طواف نساء واجب نیست، هر چند احوط آن است که طواف نساء و نماز آن را به امید ثواب قبل از تقصیر به جا آورد، اما اگر به نیت عمره مفرده مُحرم شده باشد، پس از تقصیر یا حلق در صورتی زن بر او حلال می شود که طواف نساء و نماز آن را نیز به جا آورد، که احکام و نحوه ی انجام آن با طواف عمره - که پیش تر بیان شد - تفاوت ندارد.

مسأله 373- بنا بر ظاهر، برای هر عمره ی مفرده و هر حج، باید یک طواف نساء جداگانه به جا آورد، مثلاً چنانچه دو عمره ی مفرده یا یک حج و یک عمره ی مفرده انجام داده باشد، برای حلال شدن زن بر او گرچه بعید نیست یک طواف نساء کافی باشد، ولی برای تکمیل اعمال، باید برای هر یک از دو عمره یا یک عمره و یک حج، یک طواف نساء جداگانه به جا آورد.

فصل اول: احرام

مسأله 374 - نخستین واجب از واجبات حج، احرام است. احرام حج، از نظر کیفیت، شرایط، مُحَرَّمات، احکام و کفارات، مثل احرام عمره است، تنها نیت آن متفاوت است و باید به نیت انجام اعمال حج مُحَرَّم شود. تمام اموری که در احرام عمره ذکر شد، در احرام حج نیز معتبر است. احرام با نیت آغاز می شود و زمانی که شخص نیت کند و لبیک بگوید، مُحَرَّم است. البته احرام حج ویژگی هایی دارد که در مسائل آتی به بیان آنها خواهیم پرداخت:

مسأله 375 - میقات احرام حج تمتع، مکه ی مکرمه است، و بهتر است برای حج تمتع از مسجدالحرام مُحَرَّم شود. محرم شدن در همه جای مکه، حتی بافت جدید شهر، صحیح است، اما احوط آن است که در مناطق قدیمی آن مُحَرَّم شود، و اگر شک کند که محلی جزء شهر است یا نه، مُحَرَّم شدن در آن محل صحیح نیست.

مسأله 376 - لازم است زمانی مُحَرَّم شود، که بتواند وقوف اختیاری در عرفات را درک کند. بهترین زمان احرام بستن، هنگام زوال (ظهر) روز ترویبه (هشتم ذی حجه) است و مُحَرَّم شدن پیش از آن نیز جایز است، به خصوص برای سالمندان و بیمارانی که از ازدحام و شلوغی هراسانند، چنان که پیش تر گفته شد (1) کسانی که می خواهند پس از انجام عمره بنا به ضرورت از مکه خارج شوند نیز می توانند پیش از زمان یاد شده مُحَرَّم شوند.

مسأله 377 - اگر احرام بستن را فراموش کند و به مینا و عرفات برود، واجب است که به مکه باز گردد و در آنجا مُحَرَّم شود، و اگر به سبب تنگی وقت یا عذر دیگر، این کار ممکن نباشد، می تواند در همان محلی که یادش آمده مُحَرَّم شود و حج او صحیح است. حکم کسی که مسأله را نمی داند نیز چنین است.

مسأله 378 - کسی که احرام بستن را فراموش کند و اعمال حج را به پایان ببرد، حج او صحیح است، کسی که حکم مسأله را نمی داند نیز چنین است، و احتیاط مستحب آن است که در صورت ندانستن مسأله یا فراموش کردن آن، در سال بعد حج را اعاده کند.

مسأله 379 - اگر کسی آگاهانه و عمدتاً احرام را ترک کند، چندان که وقوف در عرفات و مشعر را از دست بدهد، حش باطل است.

مسأله 380 - کسانی که پیش از وقوف در عرفات و مشعر، مجاز به انجام اعمال مکه می باشند، باید آن اعمال را در حال احرام به جا آورند، و اگر بدون احرام انجام دهند باید آن را با احرام اعاده کنند.

1. مسأله 121.

فصل دوم: وقوف در عرفات

مسأله 381 - دومین واجب از واجبات حج، وقوف در عرفات است. عرفات محل مشهوری نزدیک مکه است و محدوده ی آن از دره ی عرنه و ثویّه و نمره تا ذی مجاز؛ و از دو «مأزم» (1 تا آخرین حد موقوف است و این محدوده ها خارج از عرفات قرار دارند.

مسأله 382 - وقوف در عرفات از عبادات است و باید با نیت همراه باشد که شرایط آن در نیت احرام بیان شد.

مسأله 383 - منظور از وقوف، حضور در عرفات است، خواه سواره باشد یا پیاده، خوابیده یا ایستاده.

مسأله 384 - احوط آن است که از لحظه ی زوال روز نهم تا غروب شرعی (وقت نماز مغرب) همان روز در عرفات حضور داشته باشد، هرچند بعید نیست که به تأخیر انداختن آغاز وقوف از لحظه ی زوال به اندازه ی ادای نماز ظهر و عصر (به صورت جمع) به همراه مقدمات آن، جایز باشد.

مسأله 385 - وقوف مذکور از ظهر روز عرفه تا وقت نماز مغرب واجب است، اما بخشی از آن که رکن حج به شمار می آید، به اندازه ای است که تعبیر وقوف بر آن صدق کند، هرچند یک یا دو دقیقه باشد. بنا بر این اگر عمد¹ و با اختیار خود، مصداق وقوف را به جا نیاورد، حج او باطل است.

مسأله 386 - خارج شدن از عرفات پیش از غروب شرعی، حرام است و اگر عمد¹ پیش از غروب خارج شود، یا از محدوده ی آن بیرون رود و باز نگردد، معصیت کرده و باید یک شتر کفاره بدهد، اما حج او صحیح است، و اگر از دادن قربانی ناتوان باشد، هجده روز روزه بگیرد. بنا بر احتیاط باید قربانی را در روز عید قربان در منی ذبح کند، هرچند عدم وجوب ذبح کفاره در خصوص منی بعید نیست. و اگر پیش از غروب به عرفات باز گردد، کفاره ای بر او واجب نمی شود.

مسأله 387 - اگر بر اثر فراموشی یا ناآگاهی از مسأله، پیش از غروب از عرفات بیرون رود، در صورتی که قبل از پایان وقت وقوف به یاد آورد، واجب است باز گردد و اگر باز نگردد، معصیت کرده، اما کفاره ای بر عهده اش نیست؛ و اگر پس از پایان وقت متوجه شود، چیزی بر او واجب نیست.

1. تنگه ای بین عرفات و مشعرالحرام که از حدود عرفات است، اما جزء آن نیست.

فصل سوم: وقوف در مشعرالحرام (مزدلفه)

مسأله 388 - سومین واجب از واجبات حج، وقوف در مشعرالحرام است و منظور آن است که از عرفات به سوی مشعرالحرام کوچ کند و در آنجا - که محل مشهور و شناخته شده‌ای است - حضور یابد.

مسأله 389 - وقوف در مشعرالحرام از عبادات است و باید با نیت همراه باشد، با شرایطی که در نیت احرام بیان شد.

مسأله 390 - زمان وقوف واجب از طلوع فجر تا طلوع آفتاب روز عید قربان است، و بنا بر احتیاط باید هنگام ورود به مشعر پس از کوچ کردن از عرفات، برای وقوف نیت کند.

مسأله 391 - ماندن در مشعر از سپیده دم تا طلوع آفتاب، واجب است، اما آنچه رکن به شمار می‌آید، تحقق مصداق وقوف است، هر چند یک یا دو دقیقه باشد؛ و اگر فقط به همین اندازه توقف کند و بقیه‌ی مدت را عمدتاً توقف ننماید، حج او صحیح است، اما مرتکب حرام شده، ولی اگر - از روی اختیار - به اندازه‌ی مصداق وقوف نیز توقف نکند، حجتش باطل است.

مسأله 392 - زنان، ناتوانان، کودکان و سالمندانی که عذری همچون ترس از ازدحام یا بیماری دارند؛ و نیز کسانی که آنان را مراقبت و همراهی می‌کنند، مانند پرستار و خدمتکار، می‌توانند در شب عید قربان و پس از اندکی وقوف در مشعر، به مینی کوچ کنند.

تذکر: در خصوص ترك يکي از دو موقف (مشعر و عرفات) یا هر دوي آنها از روی اختیار یا اضطرار، عمدتاً یا سهواً یا از روی فراموشی و...، حالات متعددی از نظر صحت و فساد حج وجود دارد، که بیان تفصیل آن را به کتب دیگر موکول می‌کنیم.

فصل چهارم: رمی جَمَره

مسأله 393 - چهارمین واجب از واجبات حج و نخستین عمل از اعمال مِنی، رمی است. در روز دهم ذی‌حجه، باید جَمَره‌ی عقبه (کبری) رمی شود.

مسأله 394 - در انجام رمی، شرایطی وجود دارد که عبارتند از:

1. نیت؛ به گونه‌ای که در نیت احرام بیان شد.
2. رمی با سنگ‌ریزه‌هایی انجام شود که به آنها «ریگ» اطلاق می‌شود و کوچک‌تر از ریگ (شن) یا بزرگ‌تر از آن (سنگ) نباید باشد.
3. زمان رمی برای کسی که بتواند، از طلوع خورشید تا غروب آن است.
4. ریگ‌ها به جَمَره برخورد کند، بنا بر این اگر برخورد نکند یا گمان کند که اصابت کرده، کافی نیست و باید ریگ دیگری را به جای آن بزند، و رسیدن ریگ‌ها به دایره‌ی پیرامون جَمَره، بدون برخورد با آن، کافی نیست.
5. هفت ریگ پرتاب کند.
6. پرتاب ریگ‌ها به دنبال هم باشد، پس اگر همه را یک‌باره پرتاب کند، فقط یک بار محسوب می‌شود، خواه همگی آنها به جَمَره برخورد کند یا بعضی آنها برخورد نکنند.

مسأله 395 - با توجه به اینکه اخیراً بر عرض جَمَره از سوی مکه و مشعر اضافه نمودند (که ظاهراً جای جَمَره قدیمی در وسط آن قرار دارد) اگر بتواند جای جَمَره قدیمی را بشناسد و آنرا رمی کند، باید همانجا را رمی کند، و اگر شناختن جای جَمَره قدیمی یا رمی آن برای او مشقت داشته باشد، هر جای جَمَره فعلی را رمی کند کافی است.

مسأله 396 - بنا بر ظاهر، انجام رمی از طبقه‌ی بالا (پل جمرات) جایز است، هر چند احوط آن است که از محل پیشین رمی کند.

مسأله 397 - ریگ‌هایی که برای رمی انتخاب می‌شود، باید دارای این ویژگی‌ها باشد:

1. از محدوده‌ی حرم باشد، پس اگر از بیرون حرم برداشته شده باشد، کفایت نمی‌کند.
2. یکر باشد، یعنی پیشتر، حتی در سال‌های گذشته، کسی با آن رمی صحیح انجام نداده باشد.
3. مباح باشد، بنا بر این رمی با ریگ غصبی یا ریگی که شخص دیگر جمع کرده، بدون اجازه‌ی او صحیح نیست؛ اما در رمی، پاک بودن ریگ‌ها شرط نیست.

مسأله 398 - زنان و ناتوانان - که اجازه دارند شب عید از مشعر به مِنی بروند - در صورت ناتوانی از انجام رمی جَمَره‌ی عقبه در روز عید، می‌توانند رمی را در شب انجام دهند، بلکه به طور کلی همه‌ی زنان می‌توانند در شب رمی کنند به شرط آنکه رمی برای حج خودشان ولو حج نیابتی باشد، ولی اگر زن بخواهد به نیابت از دیگری رمی کند، رمی او در شب بنا بر احتیاط واجب صحیح نیست هر چند عاجز از رمی در روز باشد، اما همراهان آنان اگر خود معذور باشند، می‌توانند شبانه رمی جَمَره‌ی عقبه را

انجام دهند و در غیر این صورت، لازم است در روز رمی کنند.

مسأله 399 - غیر از زنان که رمی شب عید وظیفه‌ی اختیاری آنان است، کسانی که از انجام رمی در روز عید معذورند، می‌توانند در شب عید یا شب پس از آن رمی کنند، همچنین کسانی که از انجام رمی در روز یازدهم یا دوازدهم ذی‌حجه معذورند، می‌توانند شب قبل یا شب بعد از آن رمی کنند.

فصل پنجم: قربانی

مسأله 400 - پنجمین واجب از واجبات حج و دومین عمل از اعمال مینی، قربانی است.

مسأله 401 - کسی که حج تمتع به جا می آورد، باید یکی از چهارپایان سه گانه، یعنی شتر یا گاو یا گوسفند یا بز را قربانی کند، تفاوتی ندارد که قربانی نر باشد یا ماده و بهتر آن است که شتر باشد، اما غیر از چهارپایان مذکور، قربانی کردن سایر حیوانات کفایت نمی کند.

مسأله 402 - قربانی کردن از عبادات است و باید با نیت همراه باشد، با شرایطی که در مورد نیت احرام بیان شد.

مسأله 403 - قربانی باید شرایط و مشخصاتی داشته باشد که عبارتند از:

1. سن آن بنا بر احتیاط واجب، در مورد شتر، ورود به شش سالگی و در مورد گاو و بز، ورود به سه سالگی و در مورد گوسفند، ورود به دو سالگی است؛ و حدود سنی که ذکر شد، بیانگر حداقل سن قربانی است، اما در مورد سنین بالاتر، محدودیتی وجود ندارد و اگر سن قربانی بیش از آن باشد، کفایت می کند به شرط آنکه زیاد پیر نباشد.

2. قربانی سالم و صحیح باشد.

3. لاغر نباشد.

4. اعضا و اندام های آن، کامل باشد، بنا بر این قربانی کردن حیوان ناقص، مانند حیوانی که اخته شده یا بیضه اش کشیده شده باشد، کافی نیست، اما اگر بیضه هایش کوفته شده و اخته نشده باشد، قربانی کردن آن کفایت می کند، و نیز قربانی کردن حیوان دم بریده، کور، شل، گوش بریده و حیوانی که قسمت داخلی شاخ آن شکسته باشد، یا از ابتدا با یکی از این عیوب به دنیا آمده باشد، کافی نیست. بنا بر این قربانی کردن حیوانی که فاقد یکی از اندام هایی باشد که در دیگر هم نوعان آن وجود دارد، به گونه ای که فقدان آن عضو یک نقص به شمار آید، کافی نیست. اما اگر بخش بیرونی شاخ آن (که مانند غلاف و پوشش بخش داخلی است) شکسته باشد، یا گوش آن شکافته یا سوراخ شده باشد، مانعی ندارد.

مسأله 404 - اگر حیوانی را به گمان این که سالم است ذبح کند و سپس معلوم شود که بیمار و یا ناقص بوده است، در صورت داشتن توان مالی واجب است که قربانی دیگری ذبح نماید.

مسأله 405 - بنا بر احتیاط واجب، ذبح قربانی باید پس از رمی جمره ی عقبه صورت گیرد.

مسأله 406 - بنا بر احتیاط، نباید ذبح قربانی را به اختیار خود تا بعد از روز عید به تأخیر اندازد، و اگر عمداً یا سهواً یا از روی ناآگاهی، یا بر اثر عذر یا سبب دیگر، ذبح را به تأخیر اندازد، بنا بر احتیاط واجب، در صورت امکان باید در ایام تشریق؛ و در غیر این صورت در روزهای دیگر ماه ذی حجه ذبح کند، و بنا بر ظاهر، تفاوتی ندارد که ذبح را در روز انجام دهد یا در شب.

مسأله 407 - محل انجام ذبح، مینی است و در صورتی که از ذبح در مینی ممانعت شود، انجام آن در محل تعیین شده در حال

حاضر، بلا مانع است.

مسأله 408 - بنا بر احتیاط واجب، نائب در ذبح باید شیعه‌ی اثنی عشری باشد، اما اگر نیت را خودش انجام دهد و فقط برای اجرای آن نایب بگیرد، در این صورت بعید نیست که شیعه بودن ذبح کننده شرط نباشد.

مسأله 409 - قربانی کردن باید به وسیله‌ی خود شخص یا با وکالت از سوی او انجام شود، اما اگر شخص دیگری بدون وکالت گرفتن از او برایش ذبح انجام دهد، صحت آن محل اشکال است و بنا بر احتیاط، نمی‌توان به آن اکتفا کرد.

مسأله 410 - ابزاری که ذبح با آن انجام می‌شود، باید از آهن باشد، و استیل (که فولاد مخلوط با ماده ضد زنگ است) در حکم آهن است، اما اگر در مورد آهنی بودن ابزار ذبح تردید دارد، تا زمانی که آهنی بودن آن محرز نشده، ذبح کردن با آن کفایت نمی‌کند.

فصل ششم: تقصیر یا حلق

مسأله 411 - ششمین واجب از واجبات حج و سومین عمل از اعمال مینی، تقصیر (کوتاه کردن مو یا ناخن) یا حلق (تراشیدن سر) است.

مسأله 412 - واجب است پس از قربانی، سر خود را بتراشد، یا مو یا ناخن خود را کوتاه کند. زنان حتماً باید تقصیر کنند و برای آنان حلق کفایت نمی‌کند، و احوط آن است که در تقصیر، اندکی از مو و ناخن خود (هر دو) را کوتاه کنند، اما مردان می‌توانند یکی از دو عمل حلق یا تقصیر را انتخاب کنند و تراشیدن سر برای آنان ضرورت ندارد، اما اگر برای نخستین بار حج به جا می‌آورند، احتیاط واجب آن است که حلق کنند.

مسأله 413 - حلق و تقصیر از جمله عبادات هستند و انجام آنها باید با قصد قربت و نیت خالصانه و به دور از ریا باشد و اگر بدون چنین نیتی حلق یا تقصیر کند کافی نیست و چیزهایی که حلال شدنشان منوط به حلق یا تقصیر است، بر او حلال نمی‌شود.

مسأله 414 - اگر در حلق یا تقصیر از کسی کمک بگیرد، واجب است که نیت را خودش انجام دهد.

مسأله 415 - بنا بر احتیاط واجب، باید حلق یا تقصیر واجب را در روز عید قربان انجام دهد، و اگر چنین نکند، واجب است در شب یازدهم یا پس از آن، آن را انجام دهد و همان کفایت می‌کند.

مسأله 416 - کسی که ذبح قربانی را بنا بر هر دلیلی از روز عید به تأخیر انداخته، لازم نیست حلق یا تقصیر را هم به تأخیر اندازد، بلکه بنا بر احتیاط واجب انجام حلق یا تقصیر در روز عید واجب است، اما صحت انجام طواف حج و دیگر اعمال پنج گانه‌ی مکه در چنین حالتی (تأخیر در انجام قربانی) محل اشکال است و باید برای انجام آن اعمال تا ذبح قربانی منتظر بماند.

مسأله 417 - حلق یا تقصیر باید در مینی انجام شود و انجام آن از روی اختیار در محلی غیر از مینی جایز نیست.

مسأله 418 - اگر عمداً یا بر اثر فراموشی یا عدم آگاهی از مسأله، در خارج از مینی حلق یا تقصیر نماید، یا بدون حلق یا تقصیر از مینی خارج شود و سپس سایر اعمال را انجام دهد، واجب است برای حلق یا تقصیر به مینی باز گردد و بقیه اعمال را نیز اعاده نماید.

مسأله 419 - واجب است در روز عید قربان، ابتدا جَمَره‌ی عقبه را رمی کند، سپس - در صورتی که ذبح قربانی در روز عید برایش میسر است - قربانی نماید و پس از آن، حلق یا تقصیر کند؛ و اگر عمدتاً ترتیب اعمال مذکور را رعایت نکند، معصیت کرده؛ اما بنا بر ظاهر، تکرار اعمال به ترتیب فوق بر او واجب نیست، هرچند تکرار آنها در صورت امکان، موافق احتیاط است. حکم کسی که بر اثر ناآگاهی یا فراموشی ترتیب مذکور را رعایت نکرده نیز چنین است.

مسأله 420 - اگر نتواند در روز عید در مِنی قربانی کند، لیکن قربانی کردن در روز عید در قربانگاهی که در حال حاضر در خارج از مِنی برای قربانی در نظر گرفته شده، برایش میسر باشد، بنا بر احتیاط، واجب است ابتدا قربانی کند، سپس حلق یا تقصیر نماید؛ و اگر این کار هم برایش ممکن نباشد، بنا بر احتیاط واجب باید در روز عید حلق یا تقصیر کند که با انجام آن از احرام خارج می‌شود، اما باید اعمال پنج‌گانه‌ی مکه را تا پس از ذبح قربانی به تأخیر اندازد والا صحت آن اعمال محل اشکال است.

مسأله 421 - پس از حلق یا تقصیر، تمام چیزهایی که با احرام حج بر شخص مُحرم حرام شده - به جز زن و بوی خوش - بر او حلال می‌گردد.

فصل هفتم: اعمال مکة مکرمه

مسأله 422 - اعمال واجب در مکة مکرمه که بعد از اعمال روز عید قربان در منی انجام می‌شود پنج عمل است که عبارتند از: طواف حج (که نام دیگر آن طواف زیارت است) و نماز آن، سعی بین صفا و مروه، طواف نساء و نماز آن.

مسأله 423 - جایز، بلکه مستحب است پس از انجام اعمال روز عید قربان، در همان روز از منی به مکة باز گردد و بقیه‌ی مناسک حج، شامل دو طواف و دو نماز آنها و سعی را انجام دهد، و به تأخیر انداختن آن تا آخرین روز از ایام تشریق، بلکه تا پایان ماه ذی‌حجه نیز جایز است.

مسأله 424 - نحوه‌ی انجام طواف و نماز آن و سعی بین صفا و مروه، مانند طواف و نماز و سعی عمره است و تنها در نیت تفاوت وجود دارد و در اینجا باید برای حج نیت کند.

مسأله 425 - به‌جا آوردن اعمال فوق، پیش از وقوف در عرفات و مشعر و اعمال منی در حال اختیار جایز نیست، اما این کار برای سه‌گروه جایز است:
نخست: زنانی که می‌ترسند با ابتلا به حیض یا نفاس پس از بازگشت به مکة از انجام طواف و نماز آن باز بمانند و نتوانند تا پاک شدن منتظر بمانند.
دوم: مردان و زنانی که از طواف و نماز آن پس از بازگشت به مکة به سبب زیادی ازدحام ناتوان باشند، و یا اصولاً ناتوان از بازگشت به مکة باشند.
سوم: بیمارانی که پس از بازگشت به مکة، بر اثر ازدحام یا ترس از آن، از انجام طواف ناتوان باشند.

مسأله 426 - اگر گروه‌هایی مذکور، طواف‌ها و نمازهای طواف و سعی را پیشاپیش انجام دهند و سپس عذرشان برطرف شود، اعاده‌ی اعمال بر آنان واجب نیست، هرچند احوط آن است که اعاده کنند.

مسأله 427 - کسی که به‌خاطر عذر، اعمال مکة را پیشاپیش انجام دهد (مانند گروه‌های مذکور)، زن و بوی خوش بر او حلال نمی‌شود، بلکه همه‌ی مُحَرَّمات بر چنین اشخاصی پس از حلق یا تقصیر حلال می‌گردد.

مسأله 428 - طواف نساء و نماز آن، واجب است، اما رکن حج نیست، بنا بر این اگر آن دو را عمدتاً ترک کند، حجش باطل نمی‌شود، اما زن بر او حلال نخواهد بود.

مسأله 429 - طواف نساء به مردان اختصاص ندارد، بلکه بر زنان نیز واجب است، پس اگر مردی طواف نساء را انجام ندهد، زن بر او حلال نمی‌شود و اگر زنی آن را انجام ندهد، مرد بر او حلال نخواهد بود.

مسأله 430 - انجام سعی پیش از طواف حج و نماز آن، از روی اختیار جایز نیست؛ همچنین به جا آوردن طواف نساء پیش از طواف حج و نماز آن و سعی، از روی اختیار جایز نمی‌باشد و اگر ترتیب مذکور را رعایت نکند، باید اعمال را اعاده نماید.

مسأله 431 - اگر سهواً یا عمداً طواف نساء را انجام ندهد و به وطن خود مراجعت کند در صورتی که بدون مشقت بتواند به مکه باز گردد، واجب است چنین کند، و در غیر این صورت، باید نایب بگیرد و پیش از انجام طواف توسط خود شخص یا نایب او، زن بر او حلال نمی‌شود.

مسأله 432 - پس از مُحرم شدن به احرام حج، آنچه در مُحرمات احرام عمره ذکر گردید، بر شخص حرام می‌شود، و حلال شدن آنها به تدریج و در سه مرحله انجام می‌گیرد:
نخست: پس از حلق یا تقصیر؛ همه چیز - جز زن و بوی خوش - بر او حلال می‌شود، حتی شکار کردن، هر چند شکار کردن در محدوده‌ی حرم همواره حرام است.
دوم: پس از سعی؛ که بوی خوش بر او حلال می‌شود.
سوم: پس از طواف نساء و نماز آن؛ که زن بر او حلال می‌شود.

فصل هشتم: بیتوته در مِنی

مسأله 433 - دوازدهمین واجب از واجبات حج و چهارمین عمل از اعمال مِنا، بیتوته است.

مسأله 434 - بیتوته در مِنا در شب های یازدهم و دوازدهم ذی حجه واجب است، بنا بر این اگر در روز عید قربان برای به جا آوردن دو طواف و نمازهای آن ها و سعی، از مِنی به مکه ی مکرمه رفته باشد، باید برای بیتوته به مِنا بازگردد.

مسأله 435 - بیتوته در مِنا در شب های مذکور، بر گروه های زیر واجب نیست:

الف - بیماران و همراهان و مراقبان آنها، بلکه همه ی کسانی که عذری دارند که از جهت آن بیتوته برای آنان دشوار است.

ب - کسانی که از گم شدن یا به سرقت رفتن مال و توشه ی خود در مکه بیمناک اند.

ج - کسانی که این دو شب را تا طلوع فجر در مکه به عبادت بگذرانند و جز عبادت، کاری انجام ندهند، مگر برای ضرورتی مانند خوردن و آشامیدن به اندازه ی احتیاج و یا قضای حاجت و تجدید وضو.

مسأله 436 - بیتوته در مِنا از عبادات است و باید با نیت همراه باشد، با شرایطی که پیش تر بیان شد.

مسأله 437 - بیتوته از غروب آفتاب تا نیمه شب کفایت می کند، و کسی که بدون عذر، نیمه ی نخست شب یا بعض آن را بیتوته نکرده، باید در نیمه ی دوم شب بیتوته کند، هرچند بعید نیست که بیتوته کردن در نیمه ی دوم شب، در حال اختیار نیز جایز باشد.

مسأله 438 - کسی که بیتوته واجب در مِنا را ترک کرده، بی آن که شب را در مکه به عبادت گذرانده باشد، باید به ازای هر شب یک گوسفند کفاره بدهد، و بنا بر احتیاط، در این حکم میان معذور و غیر معذور و میان کسی که بر اثر ناآگاهی یا فراموشی چنین کرده، تفاوتی نیست.

مسأله 439 - کسی که روز دوازدهم مجاز به خروج از مِنا باشد، باید پس از زوال از مِنا خارج شود و خروج پیش از زوال بر او جایز نیست.

فصل نهم: رمی جمرات سه گانه

مسأله 440 - سیزدهمین واجب از واجبات حج و پنجمین عمل از اعمال مینی، رمی جمرات است. نحوه‌ی انجام و شرایط آن با رمی جمره‌ی عقبه در روز عید قربان تفاوتی ندارد.

مسأله 441 - در روز بعد از شبی که در آن بیتوته واجب است، باید جمرات سه گانه یعنی اولی، وسطی و عقبه را رمی کند.

مسأله 442 - زمان انجام رمی از طلوع خورشید تا غروب آن است، بنا بر این در حال اختیار نمی‌تواند در شب رمی کند، و چوپان و کسانی که عذری برای رمی در روز دارند، مثل بیم بر جان یا مال یا عرض خود، از این اصل مستثنی هستند. همچنین زنان و سالمندان و کودکانی هم که از شدت ازدحام در روز، بیم دارند که رمی در روز برایشان مشقت داشته باشد، می‌توانند شبانه رمی کنند.

مسأله 443 - کسی که از انجام رمی در روز معذور است، اما شب می‌تواند رمی کند، جایز نیست نایب بگیرد، بلکه باید خودش در شب پیش و یا شب بعد، رمی کند، اما کسانی که از انجام رمی حتی در شب معذورند (مانند بیماران)، می‌توانند نایب بگیرند، لیکن اگر هنگام نایب گرفتن، از برطرف شدن عذر خود مأیوس نبودند، احتیاط واجب آن است که در صورت برطرف شدن عذر در شب خودشان نیز رمی را تکرار کنند.

مسأله 444 - کسی که از انجام رمی معذور است، اگر نایب بگیرد و نایب او رمی را انجام دهد و سپس پیش از گذشتن وقت رمی، عذرش برطرف شود، اگر در زمان گرفتن نایب نسبت به برطرف شدن عذرش امید نداشته و نایب به جای او رمی کرده، همان رمی کفایت می‌کند و نیازی نیست که خودش آن را تکرار کند، اما اگر نسبت به برطرف شدن عذر ناامید نبوده، هرچند گرفتن نایب در هنگام پدید آمدن عذر جایز بوده است، ولی باید بنا بر احتیاط واجب پس از برطرف شدن عذر، خودش رمی را تکرار کند.

مسأله 445 - رمی جمرات سه گانه واجب است، اما از ارکان حج به شمار نمی‌آید.

مسأله 446 - باید در انجام رمی، ترتیب را رعایت کند، بدین صورت که ابتدا جمره‌ی اولی، سپس وسطی و پس از آن عقبه را رمی کند، و برای هر جمره، هفت ریگ با شرایط و کیفیتی که بیان شد، پرتاب نماید.

مسأله 447 - اگر رمی جمرات سه گانه را فراموش کند و از مینی بیرون رود، در صورتی که در ایام تشریق به یاد آورد، واجب است در صورت امکان خودش به مینی باز گردد و رمی کند، و در غیر این صورت، نایب بگیرد؛ و اگر بعد از ایام تشریق به یاد آورد، یا عمداً رمی را تا پس از ایام تشریق به تأخیر اندازد، بنا بر احتیاط واجب باید خود او یا نایبش به مینی باز گردد و رمی کند، و سپس در سال بعد آن را قضا کند یا نایب بگیرد، و اگر رمی جمرات سه گانه را فراموش کند و از مکه بیرون رود، بنا بر احتیاط واجب باید در سال بعد آن را قضا کند، یا برای این کار نایب بگیرد.

مسأله 448 - رمي جمرات از هر طرف آن جايز است و رو به قبله بودن هنگام رمي جمره‌هاي اولي و وُسْطِي، و نيز پشت به قبله بودن هنگام رمي جَمَرَه ي عقبه (كبري) شرط نيست.

استطاعت

- س1. کسی که از وجوه شرعی نظیر خمس و زکات ارتزاق می‌کند، اگر از آن خمس یا زکات اضافه آید که به قدر مخارج حج باشد، آیا با وجود سایر شرایط مستطیع خواهد بود یا نه؟
ج: اگر استحقاق دریافت را به وجه شرعی داشت و باقیمانده وافی به هزینه حج بود و سایر شرایط را هم دارا بود، مستطیع است.
- س2. با توجه به اینکه موقع اعزام زائران به حج معاینات پزشکی صورت می‌پذیرد و کسانی که توانایی جسمی ندارند در معاینات پذیرفته نمی‌شوند، آیا مردودین معاینات پزشکی که تاکنون هم راه برای آنان باز نبوده، استطاعت شرعی هنوز دارند؟ یا آنکه با پذیرفته نشدن استطاعت هم تحقق نمی‌یابد؟
ج: در فرض مرقوم استطاعت ندارند.
- س3. در مسأله مهر مدت‌دار زوجه که بر زوج هنگام توانایی در پرداخت، واجب است آن را بپردازد، ولی زوجه هنوز مطالبه نکرده و به مهریه احتیاج ندارد؛ نظرتان را بفرمایید. آیا پرداخت مهریه مدت‌دار بر انجام حج واجب مقدم است؟
ج: ادای مهریه بدون مطالبه زوجه، واجب نیست و در فرض مذکور ادای حج بر آن مقدم است.
- س4. آیا با پس‌انداز کردن پول در مدت چندین ماه، شخص مستطیع می‌شود؟ به‌ویژه زمانی که بداند جز از این طریق، مستطیع نخواهد شد.
ج: ایجاد استطاعت از این طریق واجب نیست، اما اگر به قدر هزینه‌ی حَجَّةِ الاسلام پس‌انداز نمود و مستطیع شد، انجام حَجَّةِ الاسلام بر او واجب است و نیز کسی که می‌خواهد حَجَّةِ الاسلام به‌جا آورد، می‌تواند از هر راه مشروع، مال کسب کند.
- س5. آیا دیدار پدر و مادر یک ضرورت اجتماعی یا شرعی و یا شخصی به‌شمار می‌آید؟ و اگر چنین است، آیا شخص مستطیع می‌تواند حج را به تأخیر اندازد و مال خود را برای این کار هزینه کند؟ (با فرض این که لازمی دیدار پدر و مادر، انجام سفر و مانند آن باشد.)
ج: بر شخص مستطیع واجب است حج به‌جا آورد و جایز نیست خود را با کاری حتی با صله‌ی رحم از حال استطاعت خارج سازد. صله‌ی رحم نیز تنها به دیدار منحصر نمی‌شود، بلکه می‌تواند نامه بنویسد یا تماس تلفنی برقرار کند، ولی اگر دیدار والدین در شهر دیگر بر حسب حال آنان یا حال خودش بر او لازم باشد به‌نحوی که از نیازهای عرفی او محسوب شود، و مال کافی برای دیدار والدین و هزینه‌ی حج نداشته باشد، در این حالت مستطیع نیست.
- س6. اگر زنی که به نوزاد خود شیر می‌دهد، مستطیع شود، چنانچه رفتن او به سفر حج برای کودک شیرخوارش ضرر داشته باشد، آیا می‌تواند به حج نرود؟
ج: اگر ضرر به‌گونه‌ای باشد که شیردهنده باید در کنار کودک باقی بماند، یا به‌نحوی باشد که شیردهنده با رفتن به سفر حج دچار عسر و حرج گردد، حج بر او واجب نیست.

س7. زني که مقداري زيورآلات طلا براي زينت داشته باشد، که در صورت فروش آن، مستطيع مي شود و مال ديگري ندارد، آيا زيورآلات زنان از حکم استطاعت خارج است، يا بايد آن ها را بفروشد و مستطيع شود؟
ج: اگر به زيورآلات نياز داشته باشد و اضافه بر شأن او نباشد، با داشتن آن مستطيع نيست و واجب نيست آن را براي هزينه ي سفر حج بفروشد.

س8. اگر زن براي به جا آوردن حج مستطيع باشد، اما شوهرش به او اجازه ندهد، زن چه وظيفه اي دارد؟
ج: اجازه ي شوهر براي انجام حج واجب شرط نيست، اما اگر رفتن زن به حج بدون کسب اجازه ي شوهر، موجب عسر و حرج براي زن شود، مستطيع نخواهد بود و حج بر او واجب نيست.

س9. شوهرم هنگام عقد ازدواج به من قول داده که مرا به حج ببرد. آيا حج بر من واجب شده و بر ذمه ام خواهد بود؟
ج: با چنين وعده و قولی، حج بر شما واجب نمي گردد.

س10. آيا جايز است که انسان در نيازهاي ضروري زندگي بر خود سخت بگيرد تا براي حج استطاعت کسب کند؟
ج: جايز است، اما شرعاً واجب نيست. البته جايز بودن اين کار تنها در مورد خود انسان است، اما سخت گرفتن بيش از حد متعارف بر خانواده که نفقه دادن به آن ها واجب است، جايز نيست.

س11. من در گذشته چندان به مسائل ديني پاييند نبودم و اموالي نيز داشتم که براي انجام سفر حج کافي بود (مستطيع بودم)، اما به سبب شرايطي که در آن دوره داشتم، به حج نرفتم. در حال حاضر وظيفه ي من چيست؟ لازم به ذکر است که اکنون مبلغ کافي براي رفتن به حج را در اختيار ندارم و از طرفي، براي اين کار دو روش وجود دارد؛ يکي از طريق ثبت نام در سازمان حج، و ديگري با صرف هزينه ي بيشتري. آيا ثبت نام در سازمان حج کفايت مي کند؟
ج: اگر در گذشته تمام شرايط استطاعت شرعي را داشته ايد، حج بر ذمه ي شما قرار گرفته است و بايد به هر روش ممکن و مشروع، البته در صورتی که به عسر و حرج دچار نشويد آن را به جا آوريد، اما اگر در گذشته از تمام جهات مستطيع نبوده ايد، در فرض مذکور حج بر شما واجب نيست.

س12. اخيراً طی توافقي که سازمان حج و زيارت با بانک ملي ايران به عمل آورده، متقاضيان حج تمتع با مراجعه به بانک، مبلغ يك ميليون تومان به صورت قرارداد مضاربه اي به نام خود به حسابي در بانک ملي واريز نموده، فيش آن را دريافت مي دارند، اين پول تا هنگام تشرف به نام واريزکننده و در حساب شخصي او باقي مي ماند و طبق قرارداد مکتوب، مبلغی به دارنده حساب، در پايان هر سال منفعت مضاربه تعلق مي گيرد.

سازمان حج و زيارت فقط براي کساني که زودتر ثبت نام کرده اند اولويت قائل شده و پس از حدود سه سال، نوبت اشخاص را اعلام و در صورت تمايل، آن ها را به حج اعزام مي کند. زمان اعزام که فرا رسيد، واريزکننده، پولي را که در حساب مضاربه اي خود دارد، از بانک اخذ و همراه با مانده هزينه ها به حساب حج و زيارت واريز مي نمايد و سپس به حج مشرف مي شود. حال خواهشمند است با عنايت به اينکه قرارداد مذکور به صورت کتبي بوده و شفاهاً گفتگويي بين صاحب پول و بانک رد و بدل نمي شود بفرماييد: مبلغ درصدي که صاحب مال به عنوان منفعت مضاربه دريافت مي کند، چه صورتی دارد؟

ج: عمليات بانكي به صورت قرارداد کتبي به نحو فوق اشاره بي اشکال است، و سود حاصله از معامله ي مضاربه اي براي سپرده گذار حلال است، و اصل سپرده اگر از درآمد کسب غير مخمس بوده خمس دارد؛ و سود حاصله اگر پيش از سال عزيمت به سفر حج قابل وصول نبوده، جزو در آمد سال وصول محسوب است، که اگر در همان سال به حساب هزينه سفر حج محسوب شود خمس ندارد.

س13. شخصي با فيش ميت اگر از ساير ورثه اجازه بگيرد مي تواند به حج مشرف شود، آيا استجازه از ساير ورثه به عنوان مقدمه واجب (مثل ثبت نام و تهيه بليط و امثال آن) واجب است يا نه؟ و نيز با فرض عدم استجازه چنانچه با همان فيش به حج برود

و سایر شرایط را داشته باشد، حجّ او صحیح است و کفایت از حجة الاسلام می کند یا نه؟
ج: در استفاده از فیش میّت اجازه ورثه لازم است، و چنانچه بدون اجازه از آن استفاده نماید، اگر از میقات به بعد هم استطاعت از ناحیه فیش باشد، حجّ او حجة الاسلام محسوب نیست ولی اگر از میقات به بعد خودش هزینه حجّ را داشته باشد و سایر شرایط هم متحقق باشد حجّ او مُجْزِي از حجة الاسلام است.

س14. کسی که ثبت نام کرده و فیش گرفته و وصیت کرده بعد از او پسرش با آن فیش به مکه رود و به نیابت از پدر حج انجام دهد، و بعد از فوت پدر فرزند استطاعت مالی پیدا کرده ولی راه رفتن با فیش پدر برای او باز می شود، آیا با استفاده از فیش مزبور و رسیدن به میقات باید به نیابت پدر حج انجام دهد یا خودش استطاعت پیدا می کند و باید برای خودش حج به جا آورد؟
ج: در فرض سؤال که راه با فیش مورد وصیت برای پسر باز شده و وصیت نسبت به زائد بر حج میقاتی، از ثلث بیشتر نیست، یا ورثه اجازه کرده اند، باید پسر حج را به نیابت از پدر به جا آورد.

س15. در مسأله قبل اگر وصیت نباشد ولی ورثه فیش را به یکی از فرزندان که خود استطاعت مالی پیدا کرده بدهند که به نیابت پدر به حج برود، آیا با استفاده پسر از فیش و رسیدن به میقات، باید حج به نیابت به جا آورد یا خودش مستطیع می شود و باید برای خودش حج به جا آورد؟
ج: در این فرض هم حج نیابی مقدم است.

س16. در دو مسأله قبل اگر وظیفه او حج به نیابت پدر است، چنانچه حج را برای خودش به جا آورد کفایت از حجة الاسلام می کند یا خیر؟
ج: کفایت از حجة الاسلام محل اشکال است.

س17. کسی که پدرش فوت شده و پدر مستطیع بوده و با فیش او به قصد حج برای پدر حرکت کرده و به میقات رسیده و در آنجا خودش هم مستطیع است چه کند؟ توضیح آنکه نه وصیتی بوده و نه از او خواسته شده که نیابت کند مثلاً وارث منحصر است و راه برای او باز نبوده مگر به این طور؟
ج: در فرض مرقوم باید برای خودش حج به جا آورد و برای پدر نایب بگیرد.

حجّ نیابی

س18. فردی که نایب شده تا بعضی از اعمال حج را که نایب گیرنده از انجام آنها عاجز است انجام دهد - مثل طواف یا رمی جمرات یا قربانی کردن - آیا لازم است مُحرم باشد؟ و آیا احرام جزء یا شرط آن است؟
ج: در صحت نیابت از اعمال مذکور، احرام - نه به صورت جزء و نه به صورت شرط - معتبر نمی‌باشد.

س19. حکم کسی که هنگام بستن احرام در میقات از افراد مشخصی نیت نیابت می‌کند، ولی هنگام انجام اعمال از طرف افراد دیگری نیت می‌کند یا از طرف افرادی کمتر یا بیشتر نیت می‌نماید چیست؟ و حکم این مسأله در صورت جهل و یا عمد چیست؟
ج: واجب است نایب همان‌گونه که هنگام احرام نیت کرده، اعمال نیابی را انجام دهد.

س20. آیا کسی که در اعمال عمره یا حج یا خصوص طواف اجیر غیر باشد، می‌تواند به نیابت از شخص دیگری تبرعاً یا استیجاراً قرآن تلاوت کند؟
ج: اشکال ندارد.

س21. اگر نایب عصباناً رمی در روز را ترک کند، نیابت او چه حکمی دارد؟ و اگر به تصور این که می‌تواند به مینی برگردد، به مکه آمد و روز دوازدهم نتوانست برای رمی به مینی برود، نیابتش چه حکمی دارد و وظیفه‌اش چیست؟
ج: رمی جمرات از مناسک است، که اگر آن را به نحو صحیح انجام ندهد صحت نیابتش محل اشکال است مخصوصاً اگر در ایام تشریق تدارک نکند.

س22. چنانچه در اثناء عمل نایب، عذر منوب‌عنه مرتفع شود این حجّ آیا کفایت از منوب‌عنه می‌کند و آیا فرق است میان تمکن منوب‌عنه از حجّ کامل یا عدم تمکن؟
ج: حجّ نایب در این صورت، کفایت از تکلیف منوب‌عنه نمی‌کند.

س23. چنانچه اجاره مطلق باشد (نه بر تفریغ ذمه و نه بر اعمال) و اجیر بعد از احرام و دخول حرم بمیرد آیا مستحق تمام اجرت است یا تقسیط می‌شود؟
ج: اگر اجاره برای تفریغ ذمه‌ی منوب‌عنه باشد - که ظاهر حال در اجاره‌ی حجّ همین است - مستحق تمام اجرت است.

س24. نیابی در مقداری از وقت توان انجام عمل نیابی را داشت و با توجه به وسعت وقت انجام نداد. حال اگر انجام عمل غیر ممکن شود، حکم عمل نیابی وی چیست؟ مثلاً قبل از ظهر دوازدهم می‌توانست رمی جمرات را انجام دهد ولی تأخیر انداخت و بعد از ظهر به خاطر ازدحام و یا مریضی و یا جهتی دیگر نتوانست انجام دهد و یا اعمال مکه را چند روزی به تأخیر انداخت اما بعداً به خاطر مریضی و یا جهتی دیگر نتوانست انجام دهد عمل نیابی وی چه حکمی دارد؟
ج: اگر اجاره متعیناً برای همین سال است بنا بر احتیاط واجب اجاره باطل است و احتیاط بیشتر آن است که برای عمل فوت شده، نایب بگیرد و در مورد اجرت با مستأجر مصالحه کند و اگر اجاره برای سال معینی نیست بنا بر احتیاط واجب باید حجّ

نیایی را در سال بعد به جا آورد.

س25. نایب می‌داند برای حج تمتع اجیر شده، اما نمی‌داند برای حجة الاسلام نایب شده یا حج نذری یا حج مستحب. اگر نیت کند «...حج تمتع برای منوب عنہ خودم» یا «حجی که برای آن اجیر شده‌ام» آیا کافی و صحیح است یا نه؟
ج: قصد اجمالی حجی که برای آن نایب شده، مجزی است.

س26. سؤال: آیا کسانی که در معاینات پزشکی رد می‌شوند، می‌توانند در زمان حیات خود فرد دیگری را به عنوان نایب اعزام کنند یا نه؟
ج: از موارد نیابت نیست.

حجّ افراد و عمره مفرده

س27. اگر مکلفی در آخرین روز یکی از ماه‌های قمری جهت ورود به مکه‌ی مکرمه مُحرم شود ولی بقیه اعمال عمره مفرده را در شب و یا روز اول یا سایر ایام ماه قمری جدید انجام دهد، آیا این عمره به حساب ماه قمری قبل محاسبه می‌شود یا ماه قمری جدید؟ و اگر تا پایان ماه قمری جدید از مکه‌ی مکرمه خارج و مجدداً وارد مکه‌ی مکرمه گردید، آیا می‌تواند بدون احرام مجدد وارد شود یا خیر؟ و آیا فرقی است بین اینکه ماه اول و یا ماه جدید رجب باشد یا سایر ماه‌های قمری؟

ج: معیار در محاسبه‌ی ماه قمری برای کسی که می‌تواند در آن ماه بدون احرام وارد مکه شود، واقع شدن اعمال عمره در آن ماه است. پس اگر در روز آخر ماه مُحرم شود و طواف و بقیه اعمال عمره را در ماه بعد به‌جا آورد عمره به حساب ماه جدید گذاشته می‌شود و در طول آن ماه اگر از مکه خارج شد، جایز است بدون احرام وارد مکه‌ی مکرمه شود. مگر در خصوص ماه رجب که ظاهر روایات این است که اگر کسی در روز آخر رجب مُحرم شود عمره‌ی او عمره‌ی رجبیه محسوب می‌گردد. پس احتیاط واجب آن است که اگر این شخص در طول ماه شعبان از مکه خارج شد، برای دخول به مکه احرام ببندد. و رعایت این احتیاط در ماه‌های دیگر هم خوب است.

س28. اگر شخصی در یکی از ماه‌های حج مثل شوال، عمره‌ی تمتع خود را انجام دهد و سپس در ماه بعد از مکه خارج شود، لازم است عمره‌ی تمتع خود را مجدداً به‌جا آورد، حال مسائل زیر مورد سؤال است:

1. در صورت انجام عمره تمتع جدید، آیا عمره سابق تبدیل به مفرده گردیده و برای تکمیل آن نیاز به انجام طواف نساء می‌باشد؟
ج: انقلاب عمره‌ی سابق به مفرده ثابت نیست و بنابراین وجوب طواف نساء وجهی ندارد ولیکن احتیاط به اتیان آن ترك نشود.
2. اگر مجدداً عمره تمتع را به‌جا نیاورد آیا عمره‌ی تمتع قبل باطل شده و نمی‌تواند حج تمتع به‌جا آورد؟
ج: عمره‌ی قبلی متعه‌ی لازم در حج تمتع محسوب نمی‌شود پس حج تمتع صحیح نیست.

3. آیا میقات احرام عمره‌ی تمتع جدید نیز یکی از مواقیع خمس می‌باشد و یا می‌توان از ادنی الحِلّ محرم شد؟
ج: علی‌الظاهر باید از یکی از مواقیع پنج‌گانه مُحرم شود.

س29. شخصی در ماه شوال یا ذی‌القعدة عمره تمتع به‌جا می‌آورد، و به مدینه برگشته و در ماه جدید مجدداً به مکه می‌رود. وظیفه او نسبت به احرام در مسجد شجره چیست، عمره مفرده یا تمتع مجدد یا عمره‌ای که بر ذمه دارد؟
ج: در فرض سؤال باید از میقات به عمره تمتع محرم شود، و عمره تمتع حج وی همین عمره اخیره است.

س30. شخصی بیش از یک ماه در مکه بوده و همین مدت از عمره قبلی او گذشته، برای کاری به جدّه می‌رود و در برگشت، بدون احرام وارد مکه شده است، وظیفه اش چیست؟
ج: فعلاً وظیفه خاصی ندارد ولی اگر از روی عمد بدون احرام وارد مکه شده، عمل حرام انجام داده و باید توبه کند.

س31. شخصی حجّش باطل شده و سال بعد به مکه مکرمه آمده تا قضای حجّش را به‌جا آورد. آیا با اینکه حجّ بر گردنش می‌باشد، می‌تواند عمره مفرده انجام دهد؟
ج: اشکالی ندارد.

س32. زن حائضی که می‌داند ایام عادتش اجازه انجام اعمال عمره مفرده را نمی‌دهد و همراهانش منتظر او نمی‌مانند تا اعمال را انجام دهد و می‌داند برای طواف و نماز آن مجبور می‌شود نایب بگیرد و فقط می‌تواند سعی و تقصیر را خودش انجام دهد، آیا می‌تواند احرام عمره مفرده ببندد؟
ج: مانعی ندارد احرام ببندد و در فرض مذکور برای طواف و نماز آن نایب بگیرد.

س33. اگر زن در میقات حائض باشد و یقین داشته باشد که نمی‌تواند عمره تمتع را در وقت خود انجام دهد، به چه نیّتی مُحرم شود؟

ج: می‌تواند به نیّت حج افراد محرم شود و نیز می‌تواند به قصد ما فی الدّمه داخل احرام شود ولی در صورت اوّل اگر زودتر از موعد مقررّ پاک شود، لازم است برای عمره تمتع بار دیگر مُحرم شود و اما در صورت دوم اگر پیش از موعد پاک نشد، احرام او برای حج خواهد بود و اگر پیش از موعد پاک شد با همان احرام می‌تواند عمره تمتع به جا آورد.

س34. کسی که حجّ افراد واجب یا مستحب به جا می‌آورد و پیش از آن بارها عمره به جا آورده است، آیا واجب است برای این حجّ افراد، عمره‌ی دیگری به جا آورد؟
ج: به جا آوردن عمره بر او واجب نیست، مگر در مواردی که حجّ او از تمتع به افراد تبدیل شده باشد.

خروج از مکه و ورود به آن

س35. خارج شدن از شهر مکه و منی، مثلاً رفتن به جدّه، مدینه یا طائف در موارد ذیل چه حکمی دارد؟
الف: پس از اعمال روز عید قربان پیش از اعمال مکه.

ب: در روز یازدهم پس از رمی جمرات.

ج: پس از بیتوته نیمه اول شب یازدهم یا دوازدهم.

د: پس از اعمال ایام تشریق، پیش از اعمال مکه.

ج: در همه‌ی صور یاد شده بی‌اشکال است ولی باید خروج به نحوی باشد که بتواند مناسک باقی‌مانده را در وقت خودش انجام دهد.

س36. اگر مکلفی در یک ماه قمری عمره مفرده انجام دهد و در ماه قمری بعد، از شهر مکه‌ی مکرمه خارج ولی از محدوده حرم خارج نشود (مثلاً به منی برود)، آیا می‌تواند بدون احرام مجدّد وارد مکه‌ی مکرمه شود؟

- در فرض قبلی، اگر تنها تا عرفات برود، آیا انجام عمره مفرده مجدّد برای ورود به مکه‌ی مکرمه واجب است؟

ج: میزان خروج از شهر مکه است ولو از محدوده‌ی حرم خارج نشود. پس اگر به هر نقطه خارج از مکه برود اگر در آن ماه، عمره نگزارد باید برای دخول به مکه مُحرم شود. و مراد از شهر مکه همان شهر کنونی است با همه‌ی وسعت متجدّد آن.

س37. برخی از رانندگان برای رهایی از ازدحام و شلوغی خیابان‌های مکه، جاده‌ها و تونل‌های احداث شده برای رفتن به منی و مشعر را به عنوان راه‌های داخل مکه استفاده می‌کنند و برای رفتن از محله‌ای به محله‌ی دیگر در داخل مکه، راه‌هایی را انتخاب می‌کنند که از منی می‌گذرد. آیا این کار خروج از مکه به شمار می‌آید؟

ج: بنا بر ظاهر، ممنوع بودن خروج از مکه، چنین مواردی را شامل نمی‌شود، و به هر حال این امر به صحت عمره و حجّ خلّی وارد نمی‌کند.

س38. کسی که در نیروهای نظامی کار می‌کند، و گاهی برای اطاعت از دستورات اجتناب‌ناپذیر در شرایط اضطراری مانند وقوع حوادث، فرمان می‌یابد که به مکه وارد شود، و پیش از آن عمره انجام نداده و به خاطر تنگی وقت نمی‌تواند در حال احرام وارد مکه شود، آیا در صورت ورود به مکه بدون احرام در این حالت، معصیت کرده و باید کفاره بدهد؟

ج: در فرض مذکور، ورود به مکه بدون احرام جایز است، و کفاره ندارد.

س39. اگر در ماه ذی‌قعدة برای عمره‌ی مفرده وارد مکه شود، و بخواهد بار دیگر در ذی‌حجه وارد مکه شود، و ده روز از زمان انجام عمره نگذشته باشد، آیا باید دوباره احرام ببندد، یا می‌تواند بدون احرام وارد شود؟

ج: با فرض این‌که در ماه بعد از ماه انجام عمره، دوباره وارد مکه می‌شود باید مُحرم شود.

س40. کسی که محل کارش در مکه است و در جدّه سکونت دارد و به‌جز ایام تعطیل بقیه روزها پی در پی به مکه می‌رود و یا این‌که نیمی از روزهای هفته را به مکه می‌رود، یعنی سه روز وارد مکه می‌شود و چهار روز را در جدّه می‌ماند، اگر ماهی که در آن

عمره به جا آورده، به پایان رسیده باشد، آیا باید بار دیگر عمره به جا آورد؟
ج: در فرض مذکور تکرار عمره واجب نیست.

س41. در فرض قبلی، اگر عمره پایان یابد و او در مکه باشد، آیا باید آن را تکرار کند؟ و در صورت لزوم، از کجا باید آن را آغاز کند؛ از حدّ حرم یا از مسجد تنعیم؟
ج: تا زمانی که در مکه حضور دارد، تکرار آن واجب نیست و اگر بخواهد آن را تکرار کند، می‌تواند برای مُحرم شدن به نزدیکترین نقطه‌ی خارج از محدوده‌ی حرم مثل مسجد تنعیم برود.

س42. کسی که شغلش رانندگی تاکسی است و مسافران از او می‌خواهند به مکه برود، و او پیش از آن عمره به جا نیاورده، آیا باید با احرام وارد مکه شود؟ و ورود بدون احرام در این حالت چه حکمی دارد؟
ج: در فرض مذکور باید برای ورود به مکه مُحرم شود و مناسک عمره مفرده را به جا آورد، و اگر بدون احرام وارد شود، معصیت کرده، اما کفاره بر عهده‌اش نیست.

س43. آیا کسی که برای حجّ افراد مُحرم شده، می‌تواند پس از طواف حجّ و سعی به اختیار خود از مکه به جدّه برود و از آن جا مستقیماً به حجّاج در عرفه ملحق شود؟
ج: پس از احرام حجّ افراد، رفتن به جدّه یا محل دیگر - خواه پیش از طواف حجّ و نماز آن باشد یا بعد از آن - مانع ندارد، مشروط بر آن که بتواند وقوف عرفات و مشعر را درک کند.

س44. کسانی که بعد از عمره تمتّع و قبل از احرام حجّ تمتّع باید برای سرکشی به چادرهای عرفات و استقبال و راهنمایی حجّاجی که از طائف و جدّه می‌آیند، از مکه خارج شوند (مثل مدیر و کارمند کاروان حجّ)، در صورتی که اطمینان دارند در زمانی که برای احرام از مکه و درک وقوف اختیاری عرفات کافی است، به مکه بر می‌گردند، آیا می‌توانند از مکه خارج شوند؟
ج: کسی که نمی‌ترسد حجّش در آن سال از دست برود، می‌تواند بعد از عمره تمتّع با اختیار از مکه مکرّمه خارج شود و اگر از مکه خارج و در همان ماهی که عمره تمتّع را به جا آورده داخل مکه شود، عملش صحیح است و چیزی بر عهده او نیست.

میقات‌ها

س45. کسی که در مکه می‌باشد و می‌خواهد عمره تمتع به‌جا آورد و از رفتن به میقات معذور است، آیا ادنی الحِلّ برای احرام او کافی است؟
ج: از ادنی الحِلّ مُحرم شود.

س46. کسی که از میقات بدون احرام چه برای عمره تمتع یا مفرده عبور نموده است چه وظیفه‌ای دارد؟ و چنانچه میقات دیگری بعد از آن میقات باشد چه‌طور؟
ج: در صورتی که وقت تنگ نیست، واجب است برگردد و از همان میقاتی که از آن عبور کرده است مُحرم شود، چه میقات دیگری در جلو باشد یا نه.

س47. آیا فرد مکلفی که در فاصله‌ی کمتر از 16 فرسخی مکه ساکن است، باید از منزل خود مُحرم شود یا این که در هر نقطه از شهر خود می‌تواند احرام ببندد؟
ج: می‌تواند در هر نقطه از شهر خود مُحرم شود، هرچند اولی و احوط آن است که از منزل خود مُحرم گردد.

س48. زنی به تصور این که مستحاضه است در میقات محرم شده و با انجام وظایف مستحاضه اعمال عمره تمتع را به‌جا آورده پس از اعمال متوجه شده که حائض بوده، وظیفه او نسبت به اعمال عمره و حج چیست؟
ج: اگر نتواند با تدارک اعمال عمره، مُحرم به احرام حج شود، چنانچه عادت او پیش از احرام از میقات حادث شده باشد، حج او مبدل به حج اِفراد می‌شود، که باید پس از انجام مناسک حج، عمره مفرده به‌جا آورد، ولی اگر عادت ماهانه بعد از احرام از میقات عارض شده باشد، عمره تمتع او صحیح است، فقط طواف و نماز آن باطل است، که باید بعد از برگشت از عرفات و مشعر و منی و مناسک آن، طواف عمره و نماز آن را تدارک کند.

س49. آیا می‌توان به اختیار نذر احرام قبل از میقات نمود و برای ادای نذر، قبل از میقات مُحرم شد، در حالی که می‌داند در این حالت مجبور است در حال حرکت زیر سقف قرار گیرد، مانند زمانی که نذر کند از شهر خود احرام بندد و سپس سوار هواپیما شود؟
ج: نذر احرام قبل از میقات و احرام بستن پیش از میقات برای ادای نذر صحیح است، و زیر سقف رفتن در روز حرام است؛ و حکم هر مسأله در مسائل دیگر جاری نمی‌شود.

س50. آیا کسی که در مدینه منوره یا حومه‌ی آن سکونت دارد و می‌خواهد عمره به‌جا آورد، می‌تواند در راه مکه، به جدّه برود و از آن‌جا در نزدیک‌ترین محل خارج از حرم - مانند مسجد تنعیم - مُحرم شود؟
ج: اگر در هنگام خروج از مدینه قصد به‌جا آوردن عمره دارد، باید از مسجد شجره مُحرم شود و نمی‌تواند بدون احرام از میقات عبور کند، هرچند بخواهد در راه مکه، ابتدا به جدّه برود؛ و اگر به قصد رفتن به جدّه از مدینه بدون احرام از میقات خارج شد و در جدّه قصد انجام عمره نمود، باید برای احرام آن به یکی از میقات‌ها برود و احرام از جدّه یا از ادنی الحِلّ برای او مجزی نیست.

س51. برای رفتن به مکه از مدینه، دو راه وجود دارد: یکی از آن‌ها از جُحفه می‌گذرد که تقابل با میقات (مُحاذات) در آن ثابت

شده است؛ و دیگری بزرگراهی است که آن هم از جُحفه می‌گذرد، اما بیش از صد کیلومتر دورتر است و مسیر آن غیر مستقیم است. آیا در این مسیر نیز تقابل (مُحاذات) صورت می‌گیرد؟
ج: منظور از تقابل یا مُحاذات برای کسی که به سوی مکه می‌رود، رسیدن به نقطه‌ای است که در آن، میقات در سمت چپ یا راست او قرار گیرد، بنا بر این در دو مسیر فوق، نقطه‌ی تقابل یا مُحاذات، تفاوتی با هم ندارد.

س52. در سؤال قبل، با فرض این که در مسیر دوم تقابل (مُحاذات) وجود نداشته باشد، آیا برای کسی که از آن مسیر می‌گذرد، جایز است به نزدیک‌ترین نقطه‌ی خارج از حرم برود و در آنجا برای عمره یا حجّ مُحرم گردد؟
ج: نمی‌تواند بدون احرام، از میقات و یا نقطه‌ی تقابل (مُحاذات) با میقات عبور کند.

س53. آیا کسی که از مُحرم شدن در میقات، بر خودش و یا بر عیال خود بیم و هراس دارد، می‌تواند از میقات بگذرد و در نزدیک‌ترین نقطه‌ی خارج حرم مُحرم گردد؟
ج: اگر در احرام بستن از میقات عذر دارد و آن عذر پس از عبور از میقات برطرف شود، در صورت امکان واجب است که برای احرام به میقات بازگردد؛ در غیر این صورت، چنانچه میقات دیگری بر سر راهش نیست و نمی‌تواند به یکی از میقات‌ها برود، باید از محلی که در آن قرار دارد مُحرم شود.

س54. آیا حیاط (فضای باز اطراف) مسجد شجره برای احرام در حکم مسجد است؟ یا این که منظور از مسجد، فقط محلی است که در آن نماز برگزار می‌شود؟ و آیا زن حائض می‌تواند داخل حیاط مسجد شجره و در مقابل مسجد سمت راست یا سمت چپ آن احرام ببندد؟ و حکم احرام در حیاط پشت مسجد شجره چیست؟
ج: میقات مسجد شجره فقط داخل مسجد است، هرچند قسمتی باشد که اخیراً ساخته شده؛ و زنی که عذر شرعی دارد، نمی‌تواند در حیاط مسجد احرام ببندد. بلکه باید در حالی که از یک درب مسجد وارد و از درب دیگر خارج می‌شود در داخل مسجد در حال عبور مُحرم شود، یا با نذر، قبل از مسجد مُحرم شود، یا از روبروی میقات جُحفه یا از خود میقات جُحفه مُحرم گردد.

احرام و لباس آن

س 55. سؤال: اگر لباس احرام را بعد از گفتن تلبیه بپوشد، آیا تکرار تلبیه واجب است؟
ج: تکرار تلبیه واجب نیست، اگر چه متقضای احتیاط است. مگر این که در هنگام نیت و تلبیه عمدتاً لباس دوخته را بیرون بیاورده باشد که در این صورت بعد از بیرون آوردن آن بنا بر احتیاط واجب نیت و تلبیه را تکرار کند.

س 56. آیا استحباب غسل ورود به مسجدالحرام تنها برای ورود اول و کسی است که اعمال عمره به جا می آورد یا برای هر مرتبه رفتن به مسجدالحرام نیز مستحب است؟
: اختصاص به ورود اول ندارد.

س 57. اگر کسی پس از بازگشت به وطن دریابد که جامه‌ی احرامش در زمان انجام مناسک نجس بوده، آیا از احرام خارج شده است؟
ج: با فرض این که از وجود نجاست در لباس احرام خود در هنگام انجام اعمال بی خبر بوده، از احرام خارج شده و طواف و حج او صحیح است.

س 58. آیا هنگام احرام بستن، باید انجام تمام اعمال حج را نیت کند؟ کسی که نمی داند حج تمتع شامل طواف و سعی غیر از طواف و سعی عمره تمتع است و به همین خاطر هنگام احرام، طواف و سعی حج تمتع را نیت نکرده و فقط به صورت کلی حج را قصد کرده چه حکمی دارد؟
ج: توجه تفصیلی هنگام احرام برای مناسک واجب نیست. بلکه نیت اجمالی برای عمره و حج - در صورتی که هر یک از اعمال را به صورت صحیح در محلش انجام دهد - کافی است.

محرمات احرام

س59. آیا مرد و زن در حال احرام می‌توانند صورت خود را با حوله خشک کنند؟
ج: این کار برای مرد مانعی ندارد و برای زنان، در صورتی که پوشاندن صورت بر آن اطلاق نشود اشکال ندارد و در غیر این صورت جایز نیست و در هر حال پوشاندن صورت کفاره ندارد.

س60. خشک کردن صورت با حوله برای زن چه حکمی دارد؟
ج: اگر حوله را بر روی همه صورت بیندازد اشکال دارد و در غیر این صورت مانع ندارد.

س61. خشک کردن سر با حوله و امثال آن برای مرد چه حکمی دارد؟
ج: اشکال ندارد مگر در صورتی که حوله را بر روی تمام سر بیندازد و سر را با آن خشک کند.

س62. آیا مُحرم می‌تواند تمام یا بعض سر را زیر آب کند؟
ج: جایز نیست تمام سر را زیر آب کند، ولی حرمت آن نسبت به بعض سر معلوم نیست.

س63. کفاره پوشاندن سر چیست؟ و آیا بعض سر حکم تمام سر را دارد؟
ج: بنا بر احتیاط یک گوسفند قربانی کند و بعض سر حکم تمام سر را ندارد مگر در صورتی که عرفاً بر آن صدق کند که سر را پوشانیده است؛ مثل این که کلاه کوچکی که فقط قسمت وسط سر را می‌پوشاند بر سر بگذارد.

س64. کسی که حسّ بویایی ندارد یا به علت زکام و سرماخوردگی بویایی را احساس نمی‌کند، استعمال طیب و عطر زدن به بدن و لباس و گرفتن بینی از بوی بد بر او حرام است یا نه؟
ج: استعمال طیب در هر صورت جایز نیست اگرچه بوی آن به مشامش نرسد؛ و در گرفتن بینی حکم سایر مُحرمین را دارد.

س65. حکم تکرّر استعمال طیب در یک وقت یا اوقات متعدّد بدون تخلّل کفاره چیست؟
ج: تکرّر استعمال طیب در یک زمان تا حدّی که عرفاً آن را یکبار استعمال کردن بدانند، کفاره را متعدّد نمی‌کند و در غیر آن علی‌الظاهر باید کفاره را به تعداد استعمال، تکرار کند و عدم تخلّل کفاره تأثیری ندارد.

س66. آیا مفاخره در حال احرام مطلقاً حرام است یا در صورتی که مستلزم اهانت به دیگران باشد؟
ج: فخر فروشی در حال احرام حرام است هرچند متضمن اهانت و دشنام به دیگران نباشد.

س67. حکم بستن دستمال به سر جهت سر درد چیست؟
ج: اشکال ندارد.

س68. آیا برای کسی که خودش مُحرم نیست جایز است چیزی روی سر مرد مُحرمی بیندازد، مثلاً مُحرمی که خوابیده پتو را روی سر او بیندازد و چنانچه خودش مُحرم باشد، چه حکمی دارد؟
ج: بر مُحرم پوشاندن سر خودش حرام است خواه خودش بپوشاند یا به دیگری دستور دهد که سر او را بپوشاند، ولی پوشاندن سر دیگری ولو مُحرم باشد از محرمات احرام نیست.

س69. اگر مرد مُحرم به غیر مُحرم بگوید وقتی که خواب رفتم، پتو را روی سرم بینداز چه حکمی دارد؟ و بر فرض که او هم به این درخواست عمل کند کفاره واجب می شود یا نه و بر فرض وجوب، کفاره بر عهده چه کسی است؟
ج: مُحرم مجاز به چنین درخواستی از دیگری نیست، و اگر آن شخص به درخواست مُحرم عمل کند، ثبوت کفاره معلوم نیست، و در هر صورت بر آن شخصی که درخواست را انجام داده کفاره ای نیست.

س70. آیا پناه گرفتن از باران در حال حرکت در شب برای مُحرم (به مثل چتر یا ماشین مسقف) جایز است؟
ج: به احتیاط واجب باید ترك کند، مگر آنکه بر او حرجی باشد، که در این صورت برایش جایز است، ولی باید به احتیاط واجب کفاره تظلیل (زیر سایه رفتن) را بپردازد.

س71. گاهی باران به صورت قطرات ریز و ضعیف (نم نم) می بارد؛ به گونه ای که بسیار کم است و بیشتر از چند دقیقه طول نمی کشد. آیا این از جمله مواردی است که زیر سایه بان رفتن برای باران جایز نیست؟
ج: در صورتی که به اندازه ای نباشد که بر زمین سفت جاری شود، حکمی ندارد. گرچه احتیاط آن است که به خاطر آنچه عرفاً به آن باران می گویند - گرچه به مقداری نباشد که بر زمین جاری شود - زیر سایه بان نروند.

س72. آیا در صورت تکرر پوشاندن سر کفاره نیز تکرار می شود؟
ج: احتیاط تکرر کفاره در صورت تکرر ستر است مطلقاً.

س73. اگر مُحرم با زن خود ملاعبه کند و منی خارج شود، کفاره آن چیست؟
ج: کفاره ملاعبه منتهی به إیمان يك شتر است.

س74. آیا در وجوب کفاره بوسیدن فرقی بین با شهوت و بدون شهوت می باشد و آیا خروج منی نیز شرط است؟
ج: کفاره بوسیدن همسر اگر با شهوت باشد، شتر است و اگر بدون شهوت باشد گوسفند و ظاهراً بوسیدن غیر همسر مانند مادر و فرزند حرام نیست و کفاره هم ندارد.

س75. چنانچه بعد از وقوفین و قبل از اتمام طواف نساء حاجی جماع کند، حکمش چیست؟
ج: اگر ما بین مشعر و اتمام طواف نساء آمیزش جنسی شود حجّ صحیح است و فقط باید کفاره بدهد، ولی اگر پس از طواف نساء باشد کفاره هم ندارد. در باب حکم اثنای طواف نساء و این که آیا عبور از نصف در حکم تمام طواف است یا عبور از شوط پنجم، میان فقها بحث است که محل ابتلاء نیست.

س76. در منطقه خلیج فارس مرسوم است که زنان صورتشان را می پوشانند؛ به این صورت که با تکه پارچه ای جدا از چادر که «پوشیه» نامیده می شود، صورت را می پوشانند.

الف. حکم پوشاندن صورت با آن در حال احرام چیست؟

ب. آیا در صورتی که پوشیه به چادر دوخته شده باشد و قسمتی از چادر محسوب شود، حکمش فرق می کند؟

ج. اگر برای زن جایز باشد در حال احرام با چادر یا پوشیه صورتش را بپوشاند، آیا واجب است آن را از صورت دور کند و از برخورد آن به صورت جلوگیری کند؟

د. اگر چادر را به گونه‌ای درست کند که تکه‌ای اضافی از همان پارچه بدون دوختن به آن متصل باشد، آیا جایز است این قسمت اضافی را جلوی صورتش آویزان کند؟

ج: جایز نیست زن در حال احرام صورتش را بپوشاند، چه با چادر باشد چه با پوشیه و فرقی ندارد که پوشیه به چادر دوخته شده باشد یا از آن جدا باشد؛ و نیز پوشاندن صورت با تکه پارچه‌ای از جنس خود چادر - چه متصل به آن باشد و چه جدای از آن - جایز نیست.

بله، زنان می‌توانند چادر، پوشیه، مقنعه یا هر لباس دیگری را از سر خود آویزان کنند، به گونه‌ای که قسمتی از پیشانی و صورت را تا محاذات بالای بینی بپوشاند. ولی احوط آن است که نگذارند این پوشش به صورت برخورد کند.

س77. آیا استفاده از گوشی تلفن ثابت و همراه به صورت معمولی، پوشاندن گوش شمرده می‌شود که با این کار پوشاندن سر - که در حال احرام ممنوع است - محسوب شود؟ حکم گوشی کوچکی (هدست و مانند آن) که با تلفن همراه استفاده می‌شود چیست؟

ج: استفاده از تلفن همراه یا گوشی تلفن ثابت یا گوشی تلفن همراه در حال احرام اشکال ندارد.

س78. کسی که به توصیه پزشکی از هوای سرد یا مانند آن مجبور است در حال احرام، سر یا گوش را بپوشاند چه حکمی دارد؟ آیا باید کفاره بدهد؟

ج: اضطرار فقط حکم تکلیفی - یعنی حرمت پوشاندن سر - را برمی‌دارد؛ اما در مواردی که پوشاندن سر کفاره دارد، با اضطرار به پوشاندن آن، کفاره ساقط نمی‌شود.

س79. به نظر شما محدوده شب بنا بر جایز بودن سایه بر سر گرفتن (تظلیل) در شب، چه مقدار است؟ آیا از غروب آفتاب تا طلوع فجر است یا تا طلوع خورشید؟

ج: مقدار شب در رابطه با حکم سایه بر سر گرفتن، تا طلوع خورشید است.

س80. اگر مکلفی در حال احرام در منتهی‌الیه سمت چپ جاده که خط سریع‌السير در جاده‌های ماست و یا در خط وسط با خودرویی سقف‌دار حرکت می‌کند و در حال حرکت باران بیارد و به خاطر خطر حوادث رانندگی نتواند توقف کند و رفتن به خطی که توقف در آن ممکن است به مدت زمانی نیاز دارد که باعث می‌شود از باران سایه بر سر بگیرد، آیا حرکت در این مدت که بیش از چند دقیقه طول نمی‌کشد تا به منتهی‌الیه سمت راست برسد؛ موجب کفاره می‌شود؟

ج: اگر تا زمان توقف خودرو، سایه بر سر گرفتن از باران در مورد این فرد صدق کند، کفاره بر او واجب می‌شود؛ و کفاره با اضطرار به سایه بر سر گرفتن از باران ساقط نمی‌شود؛ هرچند در مثل این مورد بعید نیست که سایه بر سر گرفتن اختیاری صدق نکند.

س81. استفاده از ماسک‌هایی که جهت جلوگیری از تنفس هوای آلوده به دهن می‌زنند و بند آن را پشت سر می‌اندازند، که بخش کوچکی از سر را می‌پوشاند، برای مردان و زنان مُحرم چه حکمی دارد؟

ج: استفاده از ماسک برای زنان اگر در حد متعارف باشد، مانعی ندارد و انداختن بند آن بر سر برای مردان جایز است.

طواف و نماز آن

س82. کسی که در زمان اوج ازدحام در مسجد الحرام طواف مستحب انجام دهد و برای حجّاجی که طواف واجب انجام می‌دهند مزاحمت ایجاد کند، آیا طوافش اشکال دارد؟ به خصوص اگر وقت کافی برای طواف مستحب در زمان دیگر وجود داشته باشد.

ج: اشکال ندارد، اما بهتر بلکه احوط آن است که در هنگام ازدحام، طواف مستحب به‌جا نیآورد.

س83. آیا برای عمره‌ی مفرده و حجّ تمتع، به‌جا آوردن یک طواف نساء کفایت می‌کند؟
ج: عمره‌ی مفرده و حجّ تمتع، هر کدام یک طواف نساء جداگانه دارند و یک طواف برای هر دو کفایت نمی‌کند، البته بعید نیست که برای حلال شدن زن بر مرد و بالعکس، یک طواف کافی باشد.

س84. آیا نماز طواف مستحب را می‌توان در حال حرکت و راه رفتن خواند؟
ج: صحت نماز طواف ولو نماز طواف مستحبی باشد در حال راه رفتن محل اشکال است و احوط استقرار در حال نماز طواف مستحبی است.

س85. در حال طواف نماز مستحب خواندن چه حکمی دارد؟
ج: اگر بتواند جمع بین قصد طواف و قصد نماز مستحبی در حال طواف نماید، اشکال ندارد.

س86. اگر طواف حج و نماز آن یا طواف نساء و نماز آن به جهتی باطل شده باشد، قضای آن باید در ماه ذی‌الحجه باشد، یا همه وقت کفایت می‌کند؟
ج: وقت طواف حج و نماز آن ماه ذیحجه است، ولی طواف نساء و نماز آن وقت معینی ندارد.

س87. آیا واجب است نماز طواف در نزدیک‌ترین مکان به مقام ابراهیم 7 خوانده شود؛ هرچند این کار باعث فشار و سختی برای طواف‌کنندگان شود یا برای احراز نزدیکی بیشتر، نمازگزار در وسط طواف‌کنندگان واقع شود؟
ج: در فرض سؤال، نزدیک به مقام بودن واجب نیست.

س88. آیا برای زن مسلمان جایز است از قرص و مانند آن برای تأخیر انداختن عادت ماهیانه استفاده کند تا بتواند طواف و نماز آن را در وقتش ادا کند؟
ج: تا زمانی که این کار برایش ضرر قابل توجه نداشته باشد، جایز است.

س89. حکم کسی که برای احتیاط یک شوط به طوافش اضافه می‌کند چیست؟ و آیا فرق دارد که قبل از شروع طواف یا اثناء آن، قصد این اضافه را بکند؟

ج: اگر از ابتدا قصد کرده که هفت شوط طواف کند، این اضافه کردن به صحت طوافش ضرری نمی‌رساند.

س90. س1. کسی که عقیده دارد نیت فقط با جاری کردن بر زبان منعقد می‌شود با این حال با عده‌ای طواف می‌کند و در دلش نیت کرده و به زبان نمی‌گوید؛ لذا معتقد است آن شوط صحیح نیست، اگر آن شوط از طواف را لغو کند و شوط جدیدی را با نیت زبانی آغاز کند، چه حکمی دارد؟ آیا اعراض به تنهایی کافی است یا باید یکی از مبطلات طواف را انجام دهد؟
ج: جواز انصراف از یک شوط به تنهایی محل اشکال است. فقط انصراف از هم‌همی مقداری از طواف که انجام داده و از سر گرفتن طواف از اول جایز است. و در انصراف از طواف گذشت مقداری زمان یا انجام مبطل طواف شرط نیست؛ بلکه با خود قصد اعراض از طواف، انصراف حاصل می‌شود. به هر حال در فرض مذکور، طوافش صحیح است و قصد انصراف از یک شوط و انجام شوط دیگر به جای آن، باعث بطلان طواف نمی‌شود.

س2. کسی که به خاطر جهل به مسأله یا اشتباه در حکم شرعی از یک شوط انصراف دهد چه حکمی دارد؟
ج: گذشت که این کار باعث بطلان طوافش نمی‌شود.

س3. آیا اعتقاد به بطلان یک شوط به تنهایی برای انصراف از آن و از سرگیری شوطی دیگر به جای آن کافی است یا این که واجب است قصد اعراض کند و اعتقاد به فساد طواف یا سعی به تنهایی کافی نیست؟
ج: همان‌گونه که گذشت، قصد اعراض به تنهایی برای اعراض و انصراف کافی است، هر چند به خاطر اعتقاد به بطلان شوط باشد.

س91. س1. کسی که معتقد است طواف و سعی با انجام عملی باطل است ولی آن عمل در واقع مبطل نباشد، چه حکمی دارد؟ مثلاً معتقد باشد که عملی بین طواف - مانند نماز جماعت یا استراحت کوتاه یک یا دو دقیقه‌ای - آن طواف را باطل می‌کند یا معتقد باشد نیت باید به زبان آورده شود، یا کار دیگری که در واقع باعث بطلان طواف یا سعی نمی‌گردد.
ج: اگر به خاطر اعتقاد به بطلان طواف از انجام آن منصرف شده و طواف جدیدی را از سر بگیرد، طواف جدیدش صحیح است.

س2. اگر به خاطر اعتقاد به صحیح نبودن طواف قبلی، طواف جدیدی را از سر بگیرد، چه حکمی دارد؟
ج: طواف جدید صحیح است و به این خاطر چیزی بر عهده‌اش نیست.

س3. اگر به خاطر اعتقاد به عدم صحت تنها یک شوط، فقط آن شوط را از سر بگیرد، چه حکمی دارد؟
ج: جایز بودن انصراف از یک شوط به تنهایی، محل اشکال است؛ ولی طواف اصلی‌اش صحیح است و می‌تواند به آن اکتفا کند.

س92. هرگاه در طواف خانه خدا در چند قدم از طواف او را بدون اختیار ببرند، حکمش چیست؟
ج: اگر با اختیار خود می‌رود ولی در اثر فشار جمعیت ممکن است گاهی به جلو یا به این طرف و آن طرف برود مانعی ندارد، ولی اگر دیگری او را ببرد به طوری که اراده از او سلب گردد اشکال دارد.

سعی

س93. در سعی بین صفا و مروه، عده‌ی زیادی در کنار کوه‌های صفا و مروه تجمع می‌کنند، به گونه‌ای که موجب دشواری حرکت سعی‌کنندگان می‌شود. آیا کسی که سعی انجام می‌دهد، باید در هر دور دقیقاً به خود کوه‌ها برسد، یا این که رسیدن به اولین سکوی سنگی (محل شروع سعی برای افراد ناتوان که قدرت راه رفتن ندارند) کفایت می‌کند؟

ج: بالا رفتن به سوی کوه صفا و کوه مروه به اندازه‌ای که «رسیدن به کوه» و «پیمودن فاصله‌ی میان دو کوه» بر آن صدق کند، کافی است.

س94. با توسعه‌ای که در مسعی بوجود آمده تمام مکان قبلی برای سعی از یک طرف قرار داده شده، و سعی طرف دیگر باید در مقدار توسعه‌یافته انجام پذیرد. حال اگر شخصی احراز نکند که مقدار توسعه‌یافته بین دو کوه صفا و مروه است و احتمال دهد که فراتر از هر دو کوه و یا یکی از دو کوه است، وظیفه‌اش چیست؟
ج: سعی در آن صحیح و مجزی است.

س95. سعی در طبقه فوقانی که بالاتر از دو کوه فعلی است برای کسانی که سعی در طبقه همکف برایشان امکان ندارد مثل معلولین و جانبازان چه حکمی دارد؟
ج: سعی در مسیری که بالاتر از صفا و مروه است مجزی نیست، وظیفه‌ی عاجز از سعی ولو با وسیله‌ای از قبیل چرخ دستی، آن است که نایب بگیرد.

س96. کسی که بعد از سعی متوجه می‌شود در نماز طواف، سوره را که با اعتقاد به صحت خوانده، اشتباه خوانده است، چه حکمی دارد؟ آیا باید طواف و نماز آن و سعی را دوباره انجام دهد یا تنها باید نماز طواف را اعاده کند یا لازم نیست چیزی انجام دهد؟
ج: لازم نیست چیزی انجام دهد، بلکه بعد از آن که اشتباه در قرائت سوره‌ی نماز طواف عمده نبوده، اعمالی را که انجام داده محکوم به صحت است.

س97. حکم سعی با صندلی چرخ‌دار با کمک کسی که آن را می‌راند، در صورتی که می‌تواند خودش آن را براند چیست؟
ج: اگر خودش می‌تواند صندلی چرخ‌دار را براند، راندن دیگری کافی و مجزی نیست.

س98. کسی که به خاطر جهل به حکم یا فراموشی چهارده (14) شوط سعی انجام دهد، چه حکمی دارد؟
ج: اگر از ابتدا قصد داشته هفت شوط سعی انجام دهد، سعیش صحیح است.

مشعر (مزدلفه)

س99. س1: خدمه‌ي کاروان‌ها که شب عید قربان به همراه زنان و ناتوانان از مشعرالحرام حرکت می‌کنند و پیش از سپیده‌دم به مینی می‌رسند اگر بتوانند قبل از طلوع فجر به مشعر باز گردند و وقوف اختیاری را درک نمایند، آیا باید چنین کنند؟
ج: اگر برای همراهی زنان و ناتوانان پس از درک مسمائی وقوف خارج شدند واجب نیست که برای درک وقوف اختیاری باز گردند.

س2: آیا رمی کردن آنان در شب به همراه زنان و از پا افتادگان کفایت می‌کند، یا این که باید در روز رمی کنند؟
ج: رمی شبانه برای آنان کفایت نمی‌کند، مگر آن که از انجام رمی در روز معذور باشند.

س3: به فرض بازگشت برای وقوف اختیاری، آیا امکان نایب شدن برای آنان وجود دارد؟ یا این که بیرون رفتن از مشعر در شب، موجب می‌شود که همانند معذورین، نایب شدن برای آن‌ها نیز جایز نباشد؟
ج: بنا بر احتیاط واجب، نایب نباید شب از مشعرالحرام خارج شود، هرچند بتواند برای وقوف اختیاری به مشعرالحرام بازگردد؛ اما اگر معذور نباشد و بدون اختیار خود از مشعر خارج نشده باشد، در صورتی که بازگردد و وقوف اختیاری را درک کند، نایب شدن او اشکال ندارد.

س100. با توجه به دشواری‌ها و مقررات عبور و مرور که از سوی نیروهای انتظامی اجرا می‌شود، آیا کسانی که در شب عید قربان و پس از درک مصداق وقوف در مشعر، زنان و بیماران را به مینی می‌برند، واجب است که پیش از طلوع فجر به مشعر باز گردند یا این که به همان وقوف بین‌الطلوعین اکتفا کنند و یا درک مصداق وقوف برای آنان کافی است؟
و آیا کسی که حج نیابی به جا می‌آورد، در این مورد با دیگران تفاوت دارد؟

ج: وقوف بین‌الطلوعین برای کسانی که همراهی و سرپرستی معذورین را به عهده دارند، واجب نیست و می‌توانند به وقوف اضطراری شبانه اکتفا کنند، اما این کار برای کسی که حج نیابی به جا می‌آورد، جایز نیست و چنین کسی باید اعمال اختیاری را انجام دهد.

س101. پس از وقوف در عرفات آیا حاجی مجاز است در شب عید به مشعر نرود، مثلاً چند ساعتی به مکه برود و پیش از اذان صبح یا پیش از نیمه شب خود را به مشعر برساند، یا باید مستقیم به مشعر برود؟
ج: لازم نیست مستقیم به مشعرالحرام برود. می‌تواند چند ساعتی به مکه مکرمه یا جای دیگر برود و پیش از طلوع فجر خود را به مشعر برساند.

س102. اگر معذور پس از وقوف اضطراری مشعرالحرام از مشعر خارج شد، و پیش از طلوع فجر عذر او برطرف شد، آیا بازگشت به مشعرالحرام برای درک وقوف اختیاری لازم است؟

ج: اگر اکتفا به وقوف اضطراری به مشعرالحرام بخاطر عذر بوده و بعداً کشف شده که عذر ندارد باید با بود وقت، وقوف اختیاری مشعرالحرام را درک کند.

حلق و تقصیر

س103. کسی که نیت کرده حجّة الاسلام واجب را ادا کند، آیا می‌تواند موی سر و ریش را در ماه ذی القعدة ی آن سال کوتاه کند؟
ج: جایز است، هرچند ترک آن شرعاً مطلوب است.

س104. آیا جایز است زنان در شب عید قربان بعد از رمی جمره عقبه تقصیر کنند؟ و آیا در این حکم تفاوتی است بین اینکه برای ذبح یا نحر در روز عید بعد از طلوع خورشید برای خودش نائِب گرفته باشند و اینکه نائِب نگرفته باشند؟
ج: زنی که قربانی بر گردنش نیامده، جایز است شب در مِنی تقصیر کند و اگر بخواهد، برای انجام مناسک حجّ به مکه برود. اما زنی که قربانی بر گردنش آمده، واجب است صبر کند تا روز عید قربانی اش ذبح شود؛ و صرف وکیل گرفتن برای ذبح قربانی در روز عید، برای تقصیر در شب کافی نیست.

س105. آیا کسی که برای ذبح قربانی نایب گرفته، می‌تواند پیش از بازگشتن نایب و رسیدن خبر ذبح قربانی، حلق یا تقصیر کند؟
ج: باید منتظر بماند تا خبر ذبح قربانی از سوی نایب به او برسد، اما اگر در انجام حلق یا تقصیر عجله کند و تصادفاً پیش از انجام ذبح توسط نایب، حلق یا تقصیر کند، عملش صحیح است و لازم نیست اعاده کند.

س106. اگر کسی سهواً یا به‌خاطر جهل به حکم، خارج از مِنی تقصیر کند چه حکمی دارد؟ آیا واجب است دوباره داخل مِنی تقصیر کند؟
ج: تقصیر در خارج مِنی مُجْزِی و کافی نیست گرچه به‌خاطر سهو یا جهل باشد.

س107. کسی که در عمره مفرده تقصیر را فراموش کرده و طواف نساء انجام داده، چه حکمی دارد؟ آیا بر او واجب است تقصیر کرده و دوباره طواف نساء را انجام دهد یا فقط واجب است تقصیر کند و نیازی به اعاده طواف نساء نیست؟
ج: واجب است پس از انجام تقصیر، طواف نساء و نماز آن را دوباره انجام دهد.

ذبح و قربانی

س108. آیا کسی که برای ذبح قربانی نایب گرفته، می‌تواند پیش از بازگشت نایب از ذبح، بخوابد؟
ج: مانعی ندارد.

س109. در حال حاضر، ذبح قربانی در مینی ممکن نیست، بلکه برای آن جای دیگری نزدیک مینی در خارج مینی تعیین کرده‌اند، از طرفی می‌گویند گوشت قربانی‌ها که برای آن اموال زیادی صرف می‌شود، به‌دور ریخته می‌شود و هدر می‌رود، در حالی که بسیاری از مردم کشورهای فقیر به آن نیازمند هستند. آیا حاجی می‌تواند در کشور خود قربانی کند و در روز عید قربان، از طریق تلفن کسانی را در کشور خود یا محل دیگر به ذبح آن مأمور کند تا گوشت قربانی به نیازمندان داده شود؟ یا این که ذبح باید حتماً در همان محل قربانگاه انجام شود؟ و آیا می‌تواند در این مسأله به فتوای مراجعی که این کار را جایز می‌دانند - چنان که از برخی علما نقل شده - مراجعه کند؟

ج: این کار جایز نیست و ذبح قربانی باید در مینی باشد و در صورت عدم امکان ذبح در مینی، باید در محلی که اکنون ذبح در آن انجام می‌شود، قربانی کند تا شعائر انجام قربانی که از شعائر الهی است رعایت گردد.

س110. در حال حاضر که متولیان امر، انجام ذبح در مینی را ممنوع کرده‌اند، آیا حجّاج می‌توانند قربانی را در خارج از حرم ذبح کنند؟ و آیا قربانی کردن در مکه کفایت می‌کند؟

ج: ذبح قربانی جز در مینی جایز نیست، البته اگر از ذبح در مینی ممانعت شود، انجام آن در محلی که نزدیک مینی قرار دارد و برای این کار در نظر گرفته شده کفایت می‌کند.

س111. در عربستان مؤسسات خیریه‌ای وجود دارد که به نیابت از حجّاج قربانی را ذبح می‌کنند و آن را در اختیار فقرا و نیازمندان قرار می‌دهند. ولی امر مسلمین در این باره چه نظری دارند و چه شرایطی را لازم می‌دانند؟
ج: لازم است شرایط انجام قربانی به‌گونه‌ای که در مناسک بیان شده، احراز گردد.

س112. آیا می‌توان قربانی را پس از ذبح، در اختیار مؤسسات خیریه قرار داد تا آن را به نیازمندان بدهند؟
ج: مانعی ندارد.

س113. عده‌ای قربانی‌شان را در مکه در نزدیکی مینی ذبح نمودند، الآن مردّد شدند که آیا ذبح قربانی‌شان در مکه صحیح و مجزی بوده است یا اینکه مجزی نیست و باید تا ماه ذی‌الحجه باقی است دوباره در مینی یا در معیصم قربانی را اعاده کنند؟
ج: در فرض عدم تمکن از ذبح در خود مینی، واجب است احتیاطاً در هر نقطه‌ای که به مینی نزدیکتر است ذبح کنند در صورت امکان؛ بنابراین اگر محلی که قربانی ذبح شده دارای فاصله‌ای با مینی به‌قدر فاصله معیصم از مینی یا از آن نزدیکتر است قربانی مجزی است.

س114. هرگاه ذبح در مکه مجزی نباشد، اعمال مکه (طواف حج و نمازش، سعی، طواف نساء و نمازش) را که انجام داده‌اند صحیح است یا آن که لازم است آن اعمال هم اعاده شود؟
ج: علی‌الظاهر اعمال کسی که قربانی را از روی جهل به مسأله تأخیر انداخته صحیح است؛ اگر چه احتیاط نیکو است.

مبیت در منی و کوچ کردن از آن

س115. با توجه به این که در اعمال حج، حجاج می توانند به جای بیتوته در منی، شب را در مکه ی مکرمه به عبادت بگذرانند، آیا اعمالی مانند خوردن، غسل کردن، وضو گرفتن و قضای حاجت یا تشییع جنازه ی مؤمنان، فاصله ای به شمار می آید که مفهوم «انجام عبادت در طول شب» را خدشه دار کند؟
ج: خوردن و آشامیدن به اندازه ی رفع نیاز و بیرون رفتن برای قضای حاجت و تجدید وضو یا انجام غسل واجب، به اشتغال به عبادت خدشه ای وارد نمی کند.

س116. در پرسش قبل، اگر انجام عملی منافی با اشتغال به عبادت باشد، آیا کفاره ای بر او واجب می گردد؟
ج: اگر به جای بیتوته در منی حتی در مکه عملی غیر از عبادت انجام دهد و آن عمل از جمله ی ضروریات (مانند خوردن و آشامیدن و قضای حاجت) نباشد، کفاره بر او واجب می شود.

س117. آیا کسانی که از رمی روز دوازدهم معذور می باشند و باید برای رمی نایب بگیرند، می توانند بعد از بیتوته تا نیمه شب از منی به مکه بیایند و برای نفر به منی برنگردند؟

ج: نفر در شب دوازدهم بنا بر احتیاط واجب جایز نیست و در صورت خروج احتیاط در این است که برای نفر بعد از ظهر، به منا برگردند.

س118. با توجه به ازدیاد جمعیت حجاج محترم، و محدودیت منطقه منی قسمتی از چادرهای منی برای سکونت و بیتوته در منی در دامنه کوه طرف منی و در بالای کوه مشرف به منی نصب شده است آیا بیتوته در این چادرها مجزی است؟
ج: در صورتی که متمکن از بیتوته در منی نباشند، بیتوته در آن چادر مجزی است و کفاره ندارد.

س119. محدوده شب نسبت به بیتوته در منی و نصف شب نسبت به نماز مغرب و عشا چه زمانی است؟
ج: ملاک نیمه شب در بیتوته منی، نصف فاصله بین غروب آفتاب تا طلوع فجر است و همین گونه است مقدار نیمه شب برای نماز مغرب و عشا.

س120. کسی که بعد از ظهر روز دوازدهم از منی کوچ کرده و به جهتی، مجدداً به منی برگردد، سهواً یا جهلاً یا عالماً، و غروب شب سیزدهم را درک کند، آیا بیتوته آن شب در منی یا رمی روز سیزدهم بر او واجب می شود؟
ج: به هر جهت اگر حاجی در غروب روز دوازدهم در منی باشد، باید شب سیزدهم را در منی بیتوته کند و در روز سیزدهم رمی جمرات نماید.

س121. حدّ منی آیا جمره عقبه است یا خود عقبه که گردنه بزرگی است؟
ج: باید از اهل خبره ثقه استعلام شود ولی به نحو کلی حدود مشاعر از عرفات و مؤذلفه و منی مبنی بر مذاقه نیست، و ترتیب اثر بر آنچه که در نظر عرف از مشاعر ذکر شده محسوب است کفایت می کند و ظاهر صحیحه معاویه بن عمار، خروج وادی محسّر و عقبه از منی است، که منی بین عقبه و وادی محسّر است.

س122. کسی که در اثناء بیتوته دوم در منی، به خاطر جهل به محدوده منی از آن خارج شود، چه حکمی دارد؟ کسی که فوراً

اشتباه را جبران کرده و وارد منی شود و نیز کسی که اشتباه خود را فوراً جبران نکند، چه حکمی دارند؟
ج: اگر در تمام نیمه اول یا نیمه دوم شب، در منی بیتوته کند، چیزی بر گردنش نیست. در غیر این صورت باید یک گوسفند به عنوان کفاره بدهد؛ مگر این که خروجش از منی دقایق بسیار اندکی - مثلاً دو تا پنج دقیقه - باشد، به گونه ای که در صدق عرفی بیتوته منی در تمام نصف شب ضرری وارد نکند.

س123. کسی که قبل از ظهر روز دوازدهم از منی خارج شود، بدون اینکه نیت بازگشت به منی و سپس کوچ از آن جا را داشته باشد، آیا غیر از حرمت تکلیفی، حکم دیگری دارد؟
ج: غیر از این که به خاطر کوچ کردن قبل از زوال گناه کرده، چیزی بر گردنش نیست.

رمی جمرات

س124. هنگام رمی یا پیش از آن، یک ریگ مستعمل در کیسه ریگ ما می‌افتد و با ریگ‌های بکر مخلوط و مشتبه می‌شود. آیا همین که هشت ریگ به جمره بزنی که یکی از آنها احتمالاً ریگ مستعمل است کافی است؟
ج: با حصول یقین به تحقق رمی با ریگ بکر، رمی صحیح و مجزی است.

س125. کسی که بعد از ظهر عید قربان - که جمره عقبه خلوت است - خودش قادر است رمی کند، آیا می‌تواند برای رمی در صبح عید نایب بگیرد؟ در صورتی که بخواهد خودش هنگام عصر رمی کند موفق به قربانی در روز عید نمی‌شود، آیا برای اینکه بتواند روز عید قربانی کند می‌تواند صبح برای رمی جمره نایب بگیرد؟ با این که عصر شخصاً قادر بر آن است؟
همچنین کسی که چندین سال صبح روز عید برای رمی نایب گرفته با اینکه عصر خودش قادر به رمی بوده است اکنون تکلیفش چیست؟

ج: با فرض تمکن از رمی در ساعتی از روز ولو در ساعات عصر، نایب گرفتن صحیح نیست. ولی اگر مایوس از برطرف شدن عذر تا آخر روز بود و برای رمی نایب گرفت، و اتفاقاً عذرش بعد از عمل نایب برطرف شد، عمل نایب مجزی است، و اعاده بر او لازم نیست. و نسبت به سالهای گذشته اگر نایب گرفتن به نحو غیر صحیح بوده، باید تدارک کند.

س126. با توسعه اخیر جمرات، اگر قسمتی از ستون (دیوار 24 متری) جمره عقبه، خارج از مینی باشد، با فرض صدق جمره بر مجموع دیوار، آیا رمی آن قسمت صحیح است؟
ج: در صورت یقین به خروج قسمتی از جمره توسعه یافته از مینی، احوط رمی نقطه‌ای از قسمتی است که از مینی خارج نیست.

س127. با توجه به توسعه‌ای که اخیراً در جمرات ایجاد شده، وظیفه مخصوصاً با جهل به قسمت اصلی چیست؟ و آیا رمی همه قسمت‌ها کافی است؟

ج: اگر می‌تواند بدون عسر و مشقت، به آنچه در محلّ ستون قبلی قرار دارد رمی کند، واجب است به آن رمی نماید. و اگر جستجو از محل آن و رمی به آن مستلزم عسر و مشقت است، به هر نقطه‌ی آن دیوار رمی کند مجزی است، ان شاء الله.

س128. با توجه به اینکه بانوان می‌توانند رمی روز دهم را شب انجام دهند، آیا حتماً باید شب عید باشد یا شب یازدهم نیز جایز است؟ و در فرض جواز، در صورتی که زن در اعمال حج نایب دیگری باشد، چه صورت دارد؟
ج: در صورت تمکن باید در همان شب عید رمی جمره عقبه نماید، مخصوصاً اگر حج او حج نیایی باشد و تأخیر تا شب یازدهم صحیح نیست؛ ولی اگر در روز دهم - یعنی روز عید - رمی جمره عقبه نماید، اشکال ندارد.

س129. آیا به خاطر ترس از ازدحام در روز، زنان می‌توانند جمرات سه‌گانه را شب رمی کنند؟ و آیا رمی در شب برای آنها متعین است یا می‌توانند برای رمی در روز نایب بگیرند بدون این که منتظر رمی در شب شوند؟
ج: اگر می‌توانند در شب - هرچند شب بعد - رمی کنند، صحیح نیست برای رمی نایب بگیرند.

مسائل متفرقه

س130. سنگ فرش مسجد الحرام با آب قلیل تطهیر می شود و آب قلیل را بر نجاست می ریزند، به گونه ای که معمولاً باقی ماندن نجاست در محل مُحرّز است، آیا سجده بر سنگ فرش مسجد صحیح است؟
ج: معمولاً در فرض مذکور، نجاست تمامی نقاط مسجد مُحرّز نمی شود و بررسی و تحقیق واجب نیست، بنا بر این سجده بر سنگ فرش آن صحیح است.

س131. هنگامی که مسجد الحرام بر اثر خون یا ادرار یا نجاست دیگر نجس می شود، کارگران برای تطهیر آن روشی را به کار می برند که به نظر ما پاک کننده نیست. در این حالت، نمازی که بر زمین مسجد الحرام (مرطوب یا غیر مرطوب) خوانده شود، چه حکمی دارد؟
ج: مادامی که به نجاست محل سجود یقین ندارد، نمازش صحیح است.

س132. آیا اقامه نماز جماعت به شکل دایره ای دور کعبه صحیح و مُجْزئ است؟
ج: نماز کسی که پشت سر امام یا در یکی از دو طرف او بایستد، صحیح است، و بنا بر احتیاط مستحب، کسی که در یکی از دو طرف امام ایستاده باید فاصله ی میان امام جماعت و کعبه را رعایت کند و از امام به کعبه نزدیک تر نباشد، اما نماز کسی که در طرف دیگر کعبه مقابل امام بایستد، صحیح نیست.

س133. آیا اقامه نماز جماعت پشت سر پیش نماز سنی مذهب در مکه ی مکرمه و مدینه منوره، مُجْزئ است؟
ج: مُجْزئ است، اِنْ شاء الله.

س134. جواز اقتدا به اهل سنت اختصاص به نماز ادا دارد یا در نماز قضا نیز می توان اقتدا کرد؟
ج: قدر متیقن جواز اقتداء در نماز اداء است و صحّت اقتداء در نماز قضاء محل اشکال بلکه منع است.

س135. خارج شدن از مسجد الحرام و مسجد النبی (صلی الله علیه و آله وسلم) هنگام اذان و اقامه چه حکمی دارد؟ با توجه به این که اهل سنت در آن هنگام به سوی مسجد می روند، و در مورد خارج شدن ما در آن اوقات، گفتگو می کنند و بر ما عیب می گیرند.
ج: این کار اگر از نظر دیگران، سبک شمردن نماز اول وقت به شمار آید و به خصوص موجب وهن مذهب باشد، جایز نیست.

س136. در برخی از استفتائات آمده است که شما اقامه نماز جماعت در هتل های مکه ی مکرمه را جایز نمی دانید، آیا اقامه نماز جماعت در منازل و خانه های محل اقامت کاروان های حج جایز است؟ لازم به ذکر است که این منازل تنها به کاروان ها اختصاص دارد و برپایی نماز جاعت، بهانه ای برای حجاج در ترک نماز در مسجد الحرام نخواهد بود.
ج: اقامه نماز جماعت در منازل و خانه ها را نیز، در صورتی که مایه ی جلب نظر دیگران، و موجب عیب گیری بر حجاج از جهت عدم مشارکت با مسلمانان در نماز جماعت در مسجد گردد، جایز نمی دانیم.

س137. حکم نماز کسی که قصد ده روز اقامت در مکه می‌کند را دارد، در عرفات و مشعر و منی، و نیز در مسیر حد فاصل میان آن‌ها چگونه است؟

ج: اگر پیش از رفتن به عرفات، قصد اقامت ده روزه در مکه را داشته باشد و با این نیت، حداقل یک نماز چهار رکعتی کامل به جا آورد، تا زمانی که سفر جدیدی انجام نداده، حکم اقامت به حال خود باقی است، و پس از تحقق شرط اقامت، رفتن او به عرفات و مشعر الحرام و منی سفر به شمار نمی‌آید.

س138. آیا حکم مخیر بودن میان قصر یا کامل خواندن نماز، در همه جای مکه و مدینه جاری است، یا تنها به مسجد الحرام و مسجد النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) اختصاص دارد؟ و آیا میان مناطق قدیمی و جدید این دو شهر تفاوتی وجود دارد یا خیر؟

ج: تخییر بین قصر یا کامل خواندن نماز در همه جای این دو شهر مقدس وجود دارد، و بنا بر ظاهر، محله‌های قدیمی و جدید آن‌ها با هم تفاوتی ندارند، هر چند احتیاط استحبابی اختصاص تخییر بین قصر و اتمام به محله‌های قدیمی این دو شهر، بلکه تنها به دو مسجد مقدس است و نماز را در جاهای دیگر این دو شهر قصر بخواند، مگر در صورتی که قصد اقامت ده روزه داشته باشد.

س139. حج کسی که از شرکت در مراسم برائت از مشرکین خودداری کند، چه حکمی دارد؟
ج: این کار به صحت حج او خللی وارد نمی‌کند، هر چند خود را از فضیلت شرکت در مراسم اعلام برائت از دشمنان خدا محروم کرده است.

س140. آیا زن در زمان حیض یا نفاس می‌تواند بر دیوار مشترک میان رواق مسجد الحرام و مسعی بنشیند؟
ج: مانعی ندارد، مگر آن که ثابت شود دیوار، بخشی از مسجد الحرام است.

س141. مادرم از ذریه پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) است. آیا من نیز از سادات محسوب می‌شوم؟ آیا می‌توانم عادت ماهیانه ام را تا شصت سالگی، حیض قرار دهم و در آن ایام نماز و روزه خود را انجام ندهم؟
ج: تعیین سن یائسگی محل تأمل و احتیاط است؛ بانوان می‌توانند در این مسأله به مجتهد جامع‌الشرایط دیگر مراجعه نمایند.

س142. حج کسی که به سبب اختلاف در رؤیت هلال، در انجام وقوف‌ها و روز عید شک کند، چه حکمی دارد؟ و آیا باید حج را اعاده کند یا خیر؟

ج: اگر مطابق با نظر و حکم مفتی اهل سنت در خصوص اثبات رؤیت هلال ذی‌حجه عمل کند، کافی است. پس هرگاه وقوف‌ها را همراه با دیگر مردم درک نماید، حج را درک کرده و مجزی است.

س143. مقدار مسافت شرعی که ساکنان در محدوده‌ی آن می‌توانند حج افراد به‌جا آورند، 16 فرسخ است.

س1: این فاصله از کجا باید حساب شود؟ اگر میزان، محاسبه‌ی فاصله بین آخرین خانه‌های جدّه و نخستین خانه‌های مکه باشد، آیا به نظر حضرتعالی، محدوده‌ی شهر مکه قابل گسترش است و می‌توان هر منطقه‌ای را که عرف آن را جزء مکه می‌داند، بخشی از مکه به‌شمار آورد؟

ج: برای مکلفی که در شهر یا قریه‌ای نزدیک مکه سکونت دارد، معیار محاسبه‌ی مسافت، آخرین نقطه‌ی شهر یا روستای او تا ابتدای مکه است، و شهر مکه قابل گسترش است، و معیار در تعیین فاصله، در طرف مکه نقاطی است که در حال حاضر آن‌ها را عرفاً جزء مکه به‌شمار می‌آورند.

س2: آیا نظر شما در مورد مبدأ محاسبه‌ی مسافت، آخر شهر محل سکونت مکلف است؟

ج: چنان‌که گفته شد، معیار تعیین مسافت میان شهر او تا مکه، فاصله‌ی آن تا شهر مکه‌ی کنونی است، هر چند احوط آن است

که فاصله را از منزل خود حساب کند.

س144. اگر کسی بخواهد پشت مقام ابراهیم به تلاوت قرآن یا خواندن دعا یا نماز مستحبی مشغول شود آیا در هنگام ازدحام کسانی که پشت مقام ابراهیم (علیه السلام) نماز طواف واجب به جا می آورند، جایز است با اشتغال به تلاوت قرآن یا خواندن دعا یا نماز مستحبی در آن جا، مکان را بر کسانی که نماز طواف واجب می خوانند تنگ کند؟
ج: اولی بلکه احوط انجام عبادات مستحبی مذکور در غیر مکان ازدحام برای نماز طواف است.

س145. آیا در مسجدالنبی (صلی الله علیه وآله وسلم) سجده کردن بر فرش صحیح است؟ با ملاحظه ی اینکه قرار دادن چیزی که سجده بر آن صحیح است - مانند کاغذ و یا سجاده ی حصیری - موجب جلب توجه می شود و نمازگزار را در معرض نگاه های مغرضانه قرار می دهد و بهانه ای برای تمسخر مخالفین می گردد.
ج: جایی که انسان باید تقیه کند می تواند بر فرش و مانند آن سجده نماید و لازم نیست برای نماز به جای دیگر برود، ولی اگر در همان محل بتواند طوری که به زحمت نیفتد بر حصیر یا سنگ و امثال آن سجده کند، بنا بر احتیاط واجب باید بر این اشیاء سجده نماید.

س146. آیا سجده بر سنگ فرش مسجدالحرام و مسجدالنبی (صلی الله علیه وآله وسلم) صحیح است؟ و به طور کلی بر چه نوع سنگ هایی می توان سجده کرد؟ و سجده بر آجر و سفال چه حکمی دارد؟
ج: سجده بر سنگ مرمر و دیگر سنگ هایی که در ساخت یا زینت بنا به کار می رود، صحیح است. همچنین سجده بر عقیق و فیروزه و ذرّ و امثال آن؛ هر چند احتیاط آن است که بر این دسته ی آخری سجده نکنند. سجده بر آجر و سفال و گچ و آهک و سیمان نیز صحیح است.

س147. اگر فردی شیعه در مسجد اهل سنت قبل از نماز جماعت، دو رکعت نماز تحیت مسجد بخواند، آیا جایز است بر چیزی که سجده بر آن صحیح نیست سجده کند؟
ج: اگر حفظ وحدت اسلامی اقتضای به کار نبردن چیزی که سجده بر آن صحیح است را بکند، این کار جایز است.

س148. در رساله ی مناسک حج آیت الله گلپایگانی (رحمه الله) مستحبات بسیاری در خصوص مناسک حج ذکر شده است. ولی امر مسلمین در مورد عمل به آن مستحبات چه نظری دارند؟
ج: عمل به آن به قصد رجاء ثواب بلامانع است.

س149. وضو گرفتن از آب های خنک مسجدالحرام و اطراف آن - که برای آشامیدن اختصاص داده اند اعم از کلمن ها و شیرها - چه حکمی دارد؟
ج: صحت وضوء با شك در اباحه آب برای وضوء، محل اشکال بلکه منع است.

س150. در بین مردم متعارف است که عمل مستحبی همانند زیارت و یا طواف و یا عمره مفرده را برای خود و دیگران به جا می آورند، آیا چنین عمل واحدی که اصالتاً از ناحیه خود و نیابتاً از طرف دیگران می باشد صحیح است؟
ج: شریک کردن دیگران در حج یا عمره ی مستحب خود، جایز است.

س151. اگر اعلم در مسأله ای فتوا نداده و تنها احتیاط واجب کرده است، ولی فالاعلم آن احتیاط را ندارد، آیا لازم است مقلد اعلم بدانند مرجعش احتیاط واجب کرده و باید نیت رجوع به فالاعلم کند، یا همین که در مقام انجام وظیفه شرعی بوده و عملش طبق فتوای فالاعلم است کافی است؟ به عبارت دیگر، اگر نظر اعلم مثلاً در احرام از مکه قدیم احتیاط واجب است، ولی فالاعلم چنین احتیاطی نداشته، و مقلد اعلم از مکه جدید مُحرم شده و بعد از اعمال حج فهمیده است که اعلم چنین احتیاطی داشته،

آیا عملش صحیح است یا خیر؟ و اکنون چه وظیفه ای دارد؟
ج: اگر عمل او در هنگام صدور مطابقت با فتوای کسی بوده که می توانست شرعاً از او تقلید کند و بنای بر تقلید او بگذارد، صحیح و مجزی است.

س152. در برخی موارد، زائران بیت الله الحرام یا سایر مسافران، وقت نماز در هواپیما هستند، با توجه به این که نماز در هواپیما معمولاً مانع استقرار و طمأنینه نیست، در صورتی که سایر شرایط، مثل قیام و قبله و رکوع و سجود مراعات شود، آیا در صورت علم یا احتمال این که پیش از اتمام وقت نماز به مقصد می رسند و می توانند نماز را پس از پیاده شدن از هواپیما بخوانند، نماز در هواپیما کفایت می کند یا باید تأخیر بیندازند و در صورتی که نماز را در آن حال خوانند و پیش از اتمام وقت نماز پیاده شدند، اعاده نماز لازم است یا نه؟
ج: با تمکن از استقرار و استقبال قبله، نماز صحیح و مجزی است، بلکه جهت درک فضیلت اوّل وقت افضل است.

س153. آیا استحباب سه روز روزه مستحبی در مدینه منوره برای برآمدن حاجت اختصاص به مسافر دارد یا برای اهالی مدینه و کسی که قصد عشره دارد نیز مستحب است؟
ج: اختصاص به مسافر ندارد، و ذکر مسافر جهت استثناء از صوم در حال مسافر بودن است.

س154. کسی که عمره تمتع استحبابی به جا آورده، آیا می تواند بدون عذر و به دلخواه خود، آن را رها کرده و حج تمتع به جا نیاورد؟ و در فرض جواز، آیا انجام طواف نساء نیز لازم است یا نه؟
ج) می تواند رها کند و چیزی بر او نیست و احتیاط مستحب آن است که طواف نساء را انجام دهد.